

ژوندون

اطلاعات و کلتور

شماره ۲۲-۵

سال ۲۷

Ketabton.com



اختصار وقایع مهم هفته

شورای امنیت موسسه ملل متحد، دوکتور کوروالدهایم سرمنشی آن موسسه را مؤلف ساخت تا برای حل بحران صحرای غربی فوراً دست بکار شده و مداخله کند.

مذاکرات دوکتور هانری کیسنجر وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکایا تهیه مقدمات مسافرت جرالد فورد به پیکنگ خاتمه یافت.

فعالیت وسیع برای پیدا کردن قاتل سفیر ترکیه در ویانا از طرف پولیس اطریش جریان یافت.

وضع صحی جنرال فرانکو زمامدار اسپانیا وخیم است. خوان کارلوس جانشین فرانکو در محل کار فرانکو بسر میرود.

کابینه بیروت جلسه فوق العاده ای دایر ودر آن متارکه اعلام شد.

انور السادات رئیس جمهوریت عربی مصر باجرالد فورد رئیس جمهور امریکادر واشنگتن مذاکراتی نموده اعلام نموده که پلان جدیدی برای صلح شرقمیانه دارد.

باوصف متارکه جنگ های شدیدی بیسن دسته های متخاصم لبنان ادامه داشته ودر آنجا فقط بازرهبوش ممکن است رفت و آمد کرد.

جمهوریت مردم چین، هفدهمین بمب اتمی زیرزمینی اش را نام دوشنبه ۵۴ترب آزمایش نمود.

رشید کرامی صدراعظم لبنان از رهبران تمام دسته های سیاسی و مد هبی کشورش دعوت نمود تا در یک مجلس فوری وعاجل اشتراک نمایند.

هلموت شمیت صدراعظم جمهوریت اتحادی آلمان، مذاکرات خود را باتینگ هسیاوپنگ معاون صدراعظم جمهوریت مردم چین بعد از ظهر روز چارشنبه در پیکنگ آغاز نمود.

باپیام بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم که شام اول عقرب از رادیو افغانستان بخش شد، تجلیل از سالگرد موسسه ملل متحد در سراسر کشور آغاز گردید.

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم از مسابقات بزرگ بزرگشی تیم های ولایات رجهن منطقه جشن دیدن فر موده و در اخیر چپ اندازان را بحضور پذیرفتند.

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت ۱۲ ظهر روز چار شنبه بناغلی چاوان وزیر امور خارجه هند را در قصر ریاست جمهوریت پذیرفته باوی ملاقات و مذاکره نمودند.

وزیر امور خارجه هند بناغلی چاوان بناغلی محمد نعیم قبل از ظهر روز چارشنبه در وزارت خارجه ملاقات کرد.

معین سیاسی وزارت امور خارجه بناغلی وحید عبدالله ساعت سه بعد از ظهر روز چار شنبه بناغلی چاوان وزیر امور خارجه هند رهوتل انترکانتی نتال ملاقات کرد. بناغلی وای بی. چاوان وزیر امور خارجه هند که ریاست هیات هندی رادر کمیسیون شترک اقتصادی افغان وهند دارد. برای بازدید رسمی ودوستانه وارد کابل شد.

درباره خط آهن افغانستان، مذاکراتی بین بناغلی علی احمد خرم وزیر پلان و هیات کمیته رایل فرانسه صورت گرفت.

سیمیتر سالانه مدیران معارف ولایات کشور که بتاريخ ۲ میزان در ادیتوریم مکتب تخنیک ثانوی دایر شده بود ختم گردید.

جلسات علمی سیمیتر حکیم ابونصر فارابی معلم نانی پایان یافت.

به تاسی از مشی دولت جمهوریت، تدابیر جدیدی برای تشویق صادرات کشور در مورد اقلام صادراتی کشور اتخاذ گردید.



شرح عکس ها از بالا به پائین :

- هنگامیکه بناغلی رئیس دولت و صدراعظم، بناغلی چاوان وزیر امور خارجه هند را در قصر ریاست جمهوریت پذیرفتند.
- بناغلی رئیس دولت و صدراعظم موقعیکه رئیس تیم بزرگشی سمتگان را پذیرفتند باوی مصافحه میفرمایند.
- بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه روزملی ترکیه را به سفیر آنکشور وخانمش تبریک میگوید.

خبریه

به اساس پیشنهاد وزارت معادن و صنایع، مجلس عالی وزراء اعطای کریدت ۲۷۲۵ ملیون افغانی را برای خریداری ۱۸۰ هزار تن پخته دانه دار حاصلات سال جاری منظور نموده است.

یک منبع وزارت معادن و صنایع گفت: خریداری پخته درولایات کندهار، بغلان، بلخ، جوزجان، فاریاب، سمنگان، کندهار، هلمند، فراه، هرات، بادغیس سر از پنج عقب آغاز می گردد.

منبع اضافه نمود با اعطای کریدت دوهزار و هفتصدویست و پنج ملیون افغانی یکصد و هشتاد هزار تن پخته دانه دار توسط موسسات سپین زر جن و پرس پنبه و روغن نباتی هلمند شرکت سهامی پخته هرات اززارغان خریداری می گردد. (ب)

امتحانات سالانه شاگردان مکاتب ابتدایی سردسیر کشور بتاريخ ۲۰ عقب واز مکاتب ثانوی و لیسه هابتاریخ اول قوس آغاز می گردد. یک منبع پوهنتون کابل گفت: امتحانات کانکور بغرض شمول در پوهنتون برای سال تعلیمی ۱۳۵۵ از عموم فارغان سال ۱۳۵۴ لیسه های ولایات کندهار، هلمند، فراه، نیمروز، بامیان، غور، بادغیس، لغمان و لیسه های گرمسیر ولایت ننگرهار بساعت ۹ قبل ازظهر روز جمعه ۲۳ عقب در مراکز آتسی اخذ میگردد.

امتحان کانکور فارغان لیسه های ولایات کندهار و هلمند در شهر کند هار، امتحان کانکور فارغان لیسه های ولایات فراه، نیمروز در فراه، امتحان کانکور فارغان لیسه های ولایات بامیان، غور و بادغیس در مراکز ولایات مذکور.

امتحان کانکور فارغان لیسه های ولایت لغمان در شهر میترلام و امتحان کانکور فارغان لیسه های گرمسیر ولایت ننگرهار در شهر جلال آباد اخذ می گردد.

منبع گفت: پروگرام ثبت نام و رهنمایی امتحان کانکور برای فارغان سال ۱۳۵۴ لیسه های ولایات کندهار هلمند، فراه، نیمروز، ننگرهار و لغمان بروزهای هفدهم و هجدهم عقب و برای فارغان سال ۱۳۵۴ لیسه های ولایات بامیان، غور و بادغیس بروز های بیست و یکم و بیست و دوم عقب در مراکز ولایات شان صورت میگیرد.

پوهنتون کابل ازعموم داوطلبان تقاضا میکند تادر روز های ثبت نام و امتحان در مدیریت های معارف ولایات متذکره حاضر گردند.

امتحان کانکور فارغان سال ۱۳۵۴ سایر لیسه ها بعدا اعلان خواهد شد. (ب)

درسی واز جمله درس های صنف دوازدهم را مطالعه نمایند و استفاده بیشتری ازدرسهای گرفته و هنگام امتحان کانکور نیز از آن استفاده ببرند.

به همین ترتیب چانس دیگر یکه در امتحان امسال کانکور برای شمولیت درپوهنتون موجوداست، اینست که پوهنتون کابل تجویز گرفته است تمام پوهنخی های مربوط را به داو بخش ساینس و اجتماعات تقسیم نماید تا تسهیلات بیشتری برای فارغان بوجود بیاید. بدینگونه فارغان میتوانند رشته مورد علاقه شانرا که عبارت از اجتماعات و ساینس است، حسب دلخواه انتخاب نمایند. از جمله سوالات که برای کانکور انتخاب گردیده در امتحان رشته اجتماعات پنجاه سوال از مضامین ساینس و در امتحان رشته ساینس پنجاه سوال اجتماعات گنجانیده شده است، که در نتیجه هر شرکت کننده ایکه نمره اختصاصی یکی ازپوهنخی هارا پوره نماید شامل همان فاکولته میگردد.

امتحانات گذشته کانکور پوهنتون کابل طوری بود که یک امتحان عمومی ازتمام مضامین مربوط پوهنخی های مختلف اخذ میگردد و شا ملین کانکور ناگزیر بودند تا هم سوالات ساینس و هم اجتماعات را جواب بگویند. که درینصورت چانس کمتری برای شمولیت در رشته اختصاصی داشتند. با تجویز تازه پوهنتون کابل درمورد امتحانات کانکور امکانات بیشتر برای شا گردان بوجود آمده است.

بدینترتیب متعلمان لیسه های مرکز و ولایات کشور باید در جریان امتحانات سالانه، امتحان کانکور را از نظر دور نداشته و در ضمن آمادگی برای سپری نمودن امتحان سالانه برای کانکور پوهنتون که فرق بسیار از سایر امتحانات دارد آمادگی بگیرند. بخصوص که اکنون امتحان از دورشته مشخص ساینس و اجتماعات اخذ میگردد، متعلمان امکان زیاد تری دارند تا نتیجه مثبت و دلخواه شانرا از امتحان کانکور پوهنتون برای سال ۱۳۵۵ گرفته و شامل پوهنخی مورد نظر شان گردند.

پیک شادون

دولت جمهوری افغانستان بر پروگرامهای معارف تجدید نظر نموده و آنها را اصلاح خواهد کرد. دولت زمینه های تعلیمات متوسطه و عالی را بمنظور پرورش کادر علمی آماده خواهد ساخت. از بیانات رئیس دولت و صدراعظم

پنجشنبه ۸ عقب ۱۳۵۴ - ۲۵ شوال ۱۳۹۵ - ۳۰ اکتوبر ۱۹۷۵

امتحان کانکور پوهنتون

با اعلام امتحان کانکور، برای فارغان صنوف دوازدهم لیسه های ولایات، جهت شمول در پوهنتون برای سال ۱۳۵۵، متعلمان لیسه های مرکز و ولایات کشور، در برابر دو آزمایش تعیین کننده قرار میگردند. امتحان آمادگی جهت سپری نمودن امتحان صنف دوازدهم که آخرین امتحان دوره مکتب است و شاگردان باگذشتادن این امتحان و اخذ نتیجه مثبت نمره دوازده سال کار شانرا بدست می آورند و دو دیگر، امتحان کانکور برای شمولیت در پوهنتون. این امتحان برای شاگردان نقش تعیین کننده داشته نقطه عطف و فصل جدیدی در حیات

تعلیمی جوانان بحساب میسرود. ازینرو، تمام متعلمان مکاتب درین مرحله ازدوره تعلیمی تلاش بسیار بخرج میدهند تا شامل دومین دوره تعلیمی شده و دانش شانرا در محیط پوهنتون که یک مرجع آموزش برای تعلیمات عالی میباشد بیش از پیش توسعه و گسترش دهند. متعلمان صنف دوازدهم که اکنون درآستانه امتحانات سالانه قرار دارند، برای سپری نمودن کانکور پوهنتون چانس بیشتری در دست دارند. زیرا متعلمان اکنون این چانس را در اختیار دارند که یک بار دیگر تمام کتسب

بنیاد علمی رئیس دولت و صدراعظم به مناسبت روز جهانی ملل متحد گفتند:

تاسیس یک نظم اقتصادی بین المللی برای تقلیل تفاوت‌ها یک امر ضروری می‌باشد

آرزو مندیم مردمانیکه در راه احقاق حقوق حقه شان در مبارزه اند به آرزوی شان نایل گردند .

بنیاد علمی رئیس دولت و صدراعظم پیام آنرا به مناسبت روز ملل متحد صادر فرمودند :
مسرت داریم درین فرصت که سوئمن سالگرد ملل متحد را تجلیل میکنیم از طرف حکومت و مردم افغانستان روز ملل متحد را بکافه مردمان صلح دوست جهان تهنیت گویم .
افغانستان از بدو شمولیت آن به عضویت سازمان ملل متحد همواره به اصول منشور

ملل متحد به نظر احترام نگریسته و در راه تطبیق اساسات و تامین اهداف عالی آن که حفظ صلح و امنیت بین المللی میباشد مجدانه همکاری نموده و در راه نیل به این مأمول سهم خود را بنوع احسن ایفا نموده است .
ماتیقینم که ضرورت غیر قابل انکار به صلح و رفاه بین المللی نقش منشور ملل متحد را

در تامین این امر از همه بیشتر مبرم تر ساخته است .
در طول یکسال گذشته کشور های دیگر نیز از یوغ استعمار و تسلط بیگانه رها گردیده و عضویت سازمان ملل متحد را حاصل کرده‌اند که این امر بذات خود در تحکیم پرنسیپ جهان شمول سازمان ملل متحد و در پیش برد اهداف

آن سازمان نقش موثری را ایفا خواهد نمود .
آرزو مندیم تا کشور ها و مردمان دیگری که هنوز هم در راه احقاق حقوق حقه شان در مبارزه اند نیز هر چه زود تر به این آرزوی شان نایل گردند .

تاسیس یک نظم بین المللی جدید اقتصادی برای از بین بردن عدم مساوات همچنان تقلیل تفاوت بین کشور های انکشاف یافته و روبه انکشاف یک امر ضروری بشمار میرود، این نظم جدید فقط میتواند از طریق مشوره و اتحاد نظر بین جوانب ذینفع از طریق این موسسه جهانی تامین گردد .

نظام جدید اقتصادی بایست متکی به پرنسیپ باشد که همه کشورهای جهان از روابط بین المللی اقتصادی بصورت عادلانه بهره‌مند شوند ، چنین وضع اقتصادی زمانی رویکار خواهد آمد که انتقال و وسایل تکنالوژی از کشور های انکشاف یافته به کشورهای روپا انکشاف جریان یافته و در سازمانهای مربوطه بین المللی ریفرم های لازم مطابق به تصاویر سازمان ملل متحد عملی گردد .

با اعلام سال ۱۹۷۵ بحیث سال بین المللی زن یک سلسله فعالیت های بیشتر و سریعتری در مورد انکشاف سویه ذهنی و حیاتی زنان جهان صورت گرفت که یقین داریم دیگری نخواهد گذشت با مساعی ملل متحد همه زنان جهان بتوانند در جهت تامین حقوق حقه شان و سهمگیری در امور انکشافی و تحکیم صلح بین المللی بموفقیتی نایل آیند .

موسسه ملل متحد مرجع مهم اعمال بشریت برای نجات از جنگ ، فقر ، بیسوادی ، بیماری و سایر مشکلات دیگر بشمار میرود، امید است این موسسه جهانی بتواند قدم های موثری در این راه بردارد .

حکومت افغانستان با اساس گذشته و با پیروی از تصمیم جهانی برای رسیدن با اهداف منشور ملل متحد صرف مساعی نموده و از امکانات موجوده به نحو مطلوب استفاده خواهد کرد .
در خانه یکبار دیگر آرزو مندی خود، مردم و حکومت افغانستان را برای پیشرفت هر چه بیشتر اهداف سازمان ملل متحد ابراز نموده و امید داریم مساعی ملل متحد در راه بسط و تحکیم صلح و رفاه بین المللی قرین موفقیت باشد .

متن پیام بنیاد علمی رئیس دولت و صدراعظم عنوانی دکتور کورت والد هایم

با ابراز تبریکات صمیمانه قلبی مردم و حکومت جمهوری افغانستان به مناسبت روز فرخنده ملل متحد ازین فرصت استفاده نموده میخواهم یکبار دیگر اعتقاد مارا به پرنسیپ های مندرجه در منشور موسسه ملل متحد و اهداف عالی موسسه ای که جناب شما در آن خدمت می کنید تأیید نمائیم .
افغانستان بحیث یک ملت صلح دوست با اعتقاد راسخ باینکه پیشرفت و سعادت بشر تنها فضای صلح و تفاهم بین المللی تامین شده می تواند از هر نوع مساعی در یمن راه استقبال و پشتیبانی خواهد کرد .
ما از نقش مهمی که موسسه ملل متحد در ایجاد روحیه تفاهم و همکاری بین جامعه بشری ایفا نموده است تقدیر نموده و موفقیت مزید آن موسسه را در سالهای آینده آرزو مندیم .
تمنیات نیک مارا برای صحت شما و موفقیت های مزید موسسه ملل متحد بپذیرید .

پیغام سرمنشی ملل متحد

به مناسبت تجلیل روز ملل متحد (۲۴) اکتوبر ۱۹۷۵ :

باینکه تمام مردم گیتی از نعمات دنیای ما مساویانه بهره ببرند باید دانش و اداری که در جهان موجود است در راه اعمار یک نظم نوین اقتصادی بکار انداخته شود .
در مقابله با این چلنج ضرورت به ملل متحد از هر زمان دیگر بیشتر محسوس است .
چنانچه جلسه خاص هفتم اسامبله عمومی به اتفاق آراء موافقه کرد کامیابی درین راه مستلزم تصمیم و اراده تمام ممالک عضو است بر اینکه به صورت همه جانبه اشتراک مساعی نمایند .

عزفرد این جهان اعم از مردوزن با آینده موسسه ملل متحد علایق شخصی دارد، اگر ما بهین روحیه دوستی و تفاهم کار کنیم دیگر نباید از چیزی هراسید .

بیانید در این فرصت که سی امین سال موسسه ملل متحد را تجلیل میکنیم همین وجیهه و ابیحت تعهد شخص قبول نمائیم .

امسال سال سرام موسسه خود را تجلیل میکنیم که در اوایل تشکیلی ساده دانست ولی به تدریج به یک سازمان تقریباً عالم شمول و مرکز جهان همکاری همگانی تبدیل گردید که در تاریخ نظیر آن به مشاهده نرسیده است . ملل متحد در به میان آوردن یک جهان بهتر برای همه جدا کار میکند ملل متحد در عملیه مبارزه با استعمار نقش اساسی بازی کرده که هنوز هم ادامه دارد، این موسسه در مرکز جدوجهد تشکیل یک همکاری عالم شمول اقتصادی، اجتماعی و بشری قرار دارد .

ملل متحد کما فی السابق در حفظ صلح و امنیت بین المللی دلچسپی مبسوم دارد .
در چنین یک جهان خطرناک و مملو از کشیدگی های منظور صلح، بایست به تولید و انباشته شدن سلاح جنگ گام زده شود .
بلای عظیم تحریت، گرسنگی، مرض و بیسوادی هنوز مهار نگردیده است اگر قرار



دوکتور کورت والد هایم سرمنشی ملل متحد

رساله به تاریخ ۲۴ اکتوبر (۲ عفر ب) سالگرد روزی را تجلیل میکنیم که در سال ۱۹۴۵ منشور ملل متحد نافذ گردید .

پیام بخوانندگان

جهت کشف و تثبیت ذخایر معادن بخصوص معادنيکه استخراج آن دارای اهمیت تجارتي میباشد مطالعات به شدت صورت گرفت . تفحصات در ساحة معادن طلا، سيماب، مس کرومیت و ابرك ادامه یافته و پروگرام تفحصات در ساحة معادن مس لوگر كه آینده خوبی را نوید میدهد، تشدید گردید . نقشه جیالوجی افغانستان به مقياس يك بر ۵۰۰۰۰۰ تکمیل گردید . امور اکتشافی طلای سمی خاتمه یافت و اقدامات جدی جهت استخراج آن رویدست گرفته شد .

پروگرام تفحصات نفت و گاز به منظور تثبیت ذخایر بیشتر آن ادامه و توسعه یافت و به اندازه تقریباً دو هزار متر برمه کاری اکتشافی و استخراجی مازاد بر بلان پیشبینی شده صورت گرفت . با افزایش در ذخیره گاز سلفردار به اندازه (۱۵) میلیارد متر مکعب و استفاده از ذخیره سابقه قرارداد پروژه سازی فابریکه تجرید سلفر از گاز امضاء و کاران عنقریب آغاز میگردد . همچنان با کشف ذخیره جدید نفت و توسعه فعالیت درین ساحة پروژه سازی فابریکه تصفیه نفت که در گذشته به ظرفیت ۱۰۰ هزار تن در نظر گرفته شده بود ظرفیت بیشتر در ساحة تطبیق گذاشته خواهد شد . پایب لاین هوایی گاز بطول شصت و شصت متر بالای دریای آمو تکمیل و افتتاح گردید . از معدن بیرایت که در ماه اخیر سال ۱۳۵۲ افتتاح گردید به اندازه بیشتر از هفت هزار تن بیرایت استخراج گردید .

در ساحة صنایع در نتیجه افزایش مسواد زراعتی بخصوص بخته و استفاده اعظمی از ظرفیت تاسیسات صنعتی موجوده و تثبیت ساعات کار و حداقل مزد کارگران در میزان تولیدات صنعتی بمقایسه سال ۱۳۵۱ افزایش قابل ملاحظه نمود .

جهت رفع قسمت بیشتر حواجی عامه در ساحة منسوجات نخی تجویز گرفته شده که فابریکه های نساجی افغان، بلخ و بگرامی بجای دوشفت در سه شفت فعالیت نمایند. این امر طوریکه گفته شد نه تنها در دفع نیازمندی مردم بصورت قابل ملاحظه کمک خواهد نمود بلکه زمینه استخدام را برای بیشتر از يك هزار نفر کارگر مهیا خواهد ساخت .

فابریکه کود برق حرارتی بعد از تکمیل امور ساختمانی و تولید دوره امتحانی اخیراً افتتاح گردید .

تاسیس بانک صنعتی افغانستان از طرف حکومت جمهوری افغانستان به سرمایه مجوزة ۲۴۰ میلیون افغانی تأیید گردید . پروگرام مرحله اول پارک صنعتی بشمول تاسیس تسهیلات مشترک از قبیل ورکشاپ ها و غیره بیشتر از شصت فیصد تکمیل گردید .

تیمت

۵۵

تحتی

درین شماره

نفت یا طلای منبیه	ص ۷	از: گ. ز. سراب
انبوه جنگل ها	ص ۸	راپوراز: گل احمد زهاب توری
بزرگترین نمایشگاه رسامی	ص ۱۰	راپوراز: عزیز اورمی
سوارکاران بر پشت یکصدویست اسب	ص ۱۲	راپوراز: ع - بلیکا
نمایشگاه آلات موسیقی	ص ۱۲	راپوراز: ز
سیاهبوستان يك باستانشناسی ...	ص ۱۸	ترجمه: برومند
جزیره ایکه آنرا بریتانیا فروخت	ص ۲۰	ترجمه: رهپو
زنان و دهه انکشاف	ص ۲۲	نوشته: راحله راسخ
خوجه خس تول کور	ص ۲۴	دالف، الف ژبا په
در راه طولانی	ص ۲۶	ترجمه از: رز
فرانسوا ساگان فلم میسازد	ص ۳۰	ترجمه: اسد
ولی قندی مواد چاغوونکی دی	ص ۳۱	دمنت بار ژبا په
افسر دگی چیست	ص ۳۴	ترجمه: رز
ساختن گرامافون هائیکه ...	ص ۴۶	ترجمه: دیپلوم الجنیور سروری
کودی	ص ۵۴	دامین افغانپور لیکنه
مقاومت در مقابل منبیه اسکندر و...	ص ۶۲	تتمع از: اشعه
عشق پدری	ص ۱۵	عکاسی شرار

عکس روی جلد مهوش و زیلا عکاسی ستار جفایی



شمیت

در

پیکنگ

وقایع

مهم

سیاسی

مفید

سفر هیلموت شمیت صدراعظم آلمان غربی به پیکنگ که روز چهارشنبه آغاز گردید، از چندین نقطه نظر در خور توجه بوده و ناظرین سیاسی آنرا که اولین سفر یک صدراعظم آن مملکت به جمهوری مردم چین است، خیلی مهم میخوانند. هیلموت شمیت که صرف دو هفته بعد از ختم سفر دوکتور هنری کینسجر وزیر خارجه امریکا وارد چین شده در حقیقت به مذاکراتی بازعمای چین خواهد پرداخت که از نقطه نظر روحیه و متن موازی با نظریات کینسجر خواهد بود.

هیلموت شمیت که عضو کابینه (ویلی برانت) سازنده سیاست اوست پو لتیک بود و در ماه می (۱۹۷۴) جانشین وی شد یکی از چهره های برازنده جهان سیاست بشمار میرود. آلمان غرب تحت صدارت وی یگانه مملکتی است که توانسته از تأثیرات انقلاب سیون و تورمات بولی جلوگیری نماید و با وجود پرداخت مبالغ هنگفت برای نفت بیشتر از (۳۵) میلیون دلار ذخیره اسعاری تجمع نماید. با وجود یکه همسایگان غربی آلمان غرب و دیگر اعضای بازار مشترک اروپا با مشکلات عدیده مالی دچار اند آلمان غرب نه تنها دارای وضع مالی قوی است بلکه با ایتالیا و دیگر ممالک بازار-کمکهای متعدد مالی نموده است.

مبصرین سیاسی در مورد آجندای مذاکرات شمیت با ماوتسی تو نگ

معاون صدراعظم (تنگ شیائو پینگ) و وزیر خارجه (چیاو کوان هـوا) معتقدند که همه جانبه بوده و محتوی آن شباهت کامل با آجندای مذاکرات با کینسجر خواهد داشت یگانگی نه فرق بارز اینست که در این تماسها روابط ذات البینی دو مملکت مورد توجه بیشتر قرار خواهد گرفت.

پیکنگ در بین تمام ممالک سوسیالیستی یگانه دولتی است که بازار مشترک اروپا را بر شمیت شناخته و با آن روابط سیاسی قایم کرده. شمیت وحدت بازار مشترک و وحدت پکت ناتو را از زمره دوستون مهم سیاست خارجی خود میدانند روی این اصل، شمیت خواستار همکاری بیشتر و همه جانبه بین بازار مشترک اروپا و جمهوری مردم چین خواهد گردید. هر نوع توافق سیاسی در این زمینه به نفع اروپای غربی و خود چین تمام خواهد شد.

پیکنگ پکت نظامی ناتو را در اوضاع فعلی یک ضرورت سیاسی میداند اگرچه توقع هیچنوع همکاری بین این پکت و چین دیده نمیشود یقیناً دول غربی ارزش آنرا برای اروپا به زعمای چین شرح داده و خواهان همدردی برای بقای آن خواهند گردید

یک تخفیف سیاسی که چین همیشه از ۱۹۴۹ باینطرف خواهان آنست قطع روابط سیاسی دول غربی با تایوان و شناختن آن بحیث جزء لاینفک جمهوری مردم چین

میباشد جای شک نیست که از زمان سفر ریچارد نیکسن به پیکنگ در ۱۹۷۲ تا ایندم دول متعدد حاضر شده با تایوان قطع روابط نمایند اما امریکا و دول بازار مشترک بصورت قطع روابط شانرا با فارموسا نبریده اند توقع نمیرود که شمیت در سفر فعلی خود که قبل از سفر فور رئیس جمهور امریکا به پیکنگ صورت میگیرد دست به ابتکاری بزند که ارزش سفر ویرا تقلیل بخشد.

دیتانت بحیثیک پالیسی قوه های بزرگ موضوع دیگری است که در مذاکرات شمیت بازعمای چین طرح خواهد گردید. طوریکه از مذاکرات دوکتور کینسجر بازعمای چین واضح گردید دیتانت سیاستی نیست که رهبران چین آنرا پسند نمایند طوریکه بارها در نشرات روزنامه مردم منطبعه پیکنگ دیده شده جمهوری مردم چین دیتانت را وسیله برای (هیچی مونی) یا کنترل سیاسی در مناسبات بین الدول میدانند و بر امریکا تاخت و تازهای متواتر در این حصه نموده است.

راجع به نتایج سفر شمیت بیشتر از این پیشگویی شده نمیتوانند عکس العمل اولی که عبارت از استقبال شمیت باشد فوق العاده صمیمی بود چنانچه هزاران نفر از وی و خانمش در میدان هوایی پیکنگ با گل های کاغذی استقبال کردند.

شیوه استقبال از یک زعمیم خارجی توسط زعمای چین نزد ناظرین سیاسی شباهت به بارو متری دارد که توسط آن درجه اهمیت سفر، توقعات از مذاکرات، ارزش روابط ذات البینی و آینده این روابط قضاوت میشود.

در فرانسه تربیه نموده و از همکاری جوانان افغانی استفاده نماید .
 فعلا سروی امور جیو لو ژ یسکی منطقه مذکور آغاز گردیده و البته بروی آن پلان های تفحصاتی آن تر تیب میگردد .
 می پرسیم :

- سروی نقاط نفت خیز، چگونه پیش می رود ؟
 منبع میگوید :

- فعالیت در مورد نفت و گاز در مناطق شمال کشور ، از سال ۱۳۳۴- آغاز گردید و با استقرار نظام جمهوری در کشور ، دولت

به این موضوع توجه جدی معطوف کرد . علاوه بر بر مه کاری ساحه

۲۴۵ هزار متر مربع بمنظور اکتشاف و استخراجی ، کوشیده میشود تا امور مربوط به نفت و گاز به طور منسجم و سیستماتیک پیش برده شود ، مخصوصاً در ساحاتی که امکان تجمع نفت و گاز بیشتر میسر است ، پلانگذاری دقیق صورت گیرد . در اثر همین تلاش ها ، تثبیت ساختمان ها و نقاطی که در آن ها بر مه کاری صورت گیرد تعیین گردید که بالنتیجه در تثبیت بیشتر ذخایر نفت و گاز کمک کرد .

منبع علاوه کرد :

- از آغاز بر مه کاری تا ختم سال ۱۳۵۳ طبق راپور های بدست آمده ۳۲۸۴۶۷ متر بر مه کاری صورت گرفته ، که شکل اکتشافی تفحصاتی و استخراجی داشته است . ساحاتی که در آن ها بر مه کاری شده است مشتمل بر جر قدوغ ، سر پیل ، سنگچارک ، گل تپه ، عرب پای ، ده ملک ، سوزمه قلعه ، قراول تپه ، آق دریا ، خان آباد و خواجه گوگردک می باشد .

منبع نتایج حاصله را مثبت خوانده افزود :

- این تفحصات در پهلوی نفت ، به منظور کشف و استخراج ذخایر گاز نیز بوده است .

- نواحی قلعه نو ، هسرات ، شبرغان ، میمنه ، کندز ، تالقان و هزار شریف نیز شامل این حوزه است .

همچنان ذخایر پترول در ساحه وادی هلمند نیز پیش بینی گردیده است .

منبع افزود :

- ذخایر این ماده بر ارزش در ساحه «انگوت» و «آق دریا» مهم خوانده شده ، که حجم مجموعی نفت قابل استخراج محلات مذکور ، چهار الی پنج میلیون تن ، تخمین گردیده است . همچنان درین نواحی امکان موجودیت معادن دیگر نفت و گاز نیز متصور است .

منبع در باره نوعیت نفت این ساحات گفت :

- هنگام بر مه کاری های ساحه جدید آق دریا ، مجرای نفت استحصالی از طبقات تحتانی دارای سلفر کم (صفر اعشاریه نود و سه فیصد) و متحرک بوده ، لیکن نفت طبقات گتریف سنگین ، یعنی صفر اعشاریه نهصد و بیست و پنج و دارای دو اعشاریه نه فیصد سلفر غلیظ می باشد .

پرسش دیگرم پیرا مون کمپنی های است ، که در ساحه استخراج نفت با افغانستان همکاری میکنند .

منبع درین مورد میگوید :

- دافغانستان د تیلوملی موسسه مذاکرات مقدماتی با کمپنی های مختلف نفتی به عمل آورد و از جمله مذاکرات با کمپنی تو تال فرانسوی به نتیجه رسید و موافقتنامه استخراج نفت بین د افغانستان د تیلوملی موسسه و کمپنی مذکور در ماه ثور امسال ، به امضاء رسید .

منبع افزود :

- به اساس این قرار داد کمپنی مذکور به مصرف خود و تسخت مراقبت دافغانستان د تیلوملی موسسه به تفحص نفت و گاز در ساحه بیست کیلو متر مربع ، در منطقه گتواز پر داخته وهنگام کشف تجارتی آن ، به اشتراک موسسه ملی نفت افغانستان ، به استخراج و انتقال آن اقدام میکنند .

همچنان کمپنی مذکور متعهد شده تا یکنه تعداد متخصصین فنی افغانی را درین ساحه به مصرف خود ،

ازگک ، ز (سراب)

نفت

یا

طلای سیاه

همزمان با سایر فعالیت های اقتصادی و انکشافی کشف و استخراج معادن و ذخایر زیر زمینی را نیز از نظر دور نداشت و کشف و استخراج نفت نیز از اقدامات سودمند دولت بشمار میرود .

یک منبع وزارت معادن و صنایع در برابرین پرسش که :

- در کدام نقاط افغانستان ذخایر کشف شده است و مقدار آن ها به چه پیمانیه میرسد ؟
 گفت :

- نتیجه مطالعات نشان میدهد که موجودیت پترول در صفحات شمال کشور از ولایت تخار تا سرحد ایران و در غرب کشور از مناطق شمالی هندو کش و سلسله های تیربند تر گستان تا دریای آمو ، تثبیت گردیده است .
 منبع علاوه کرد :

ذخایر نفت ساحه انگوت و آق دریا به پنج میلیون تن می رسد .
 در بیشتر و لایسات کشور موجودیت نفت تثبیت گردیده است .
 نتیجه بر مه کاری های اکتشافی نفت و گاز امید بخش خوانده شده است .

نفت در جهان امروز غوغا بر پا کرده ، چرخهای اقتصاد کشور های بزرگ جهان بر محور نفت می چرخد ، نفت کشور ها را بسوی انکشاف و ترقی میراند ، نسبت بحیث موثر ترین حربه سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد ...

افغانستان کشور غنی بی است ، غنی از مواد معدنی گو نه گو نی ، که طی سالهای دراز ، دست ناخورده برجای مانده است . دولت جمهوری

در پهن دشت های افغانستان، در دامنه کوهسار ها، در میان دره ها و در جلگه ها و قریه ها، در ساحه شرق و غرب سایه درختان تنومند و کهنسال، جنگل های انبوهی را تشکیل کرده است، که بر زیبایی و گوارایی کشور از یکسو و بر اقتصاد مملکت از طرف دیگر ارزشمند است.

سر زمین ما از لحاظ طبیعی، برای رشد و نموی جنگل ها و درخت های با امر و زینتی مساعد بوده و بسا توسعه پروگرام های جنگل داری بر این سرمایه ملی نیز، سال به سال افزون میگردد.

همین حالا سه فیصد اراضی افغانستان پوشیده از درختان است، که ساحه مجموعی آن به نه میلیون هکتار زمین میرسد. با مقایسه این رقم و با در نظر داشت نوعیت خاک، آب و هوا، به این نتیجه می رسیم، که از یکسو ضرورت های ابتدایی مملکت از راه جنگل های موجود تا مین شده می تواند و از سوی دیگر با تطبیق پلان های حفاظوی و توسعهی دو لت، برپهنای جنگل ها، افزوده می گردد.

شباغلی سید آقا زمام رئیس جنگلات و علفچر های وزارت زراعت در برابر ۱۸ شهری، پیرامون جنگل های کشور گفت:

- وقتی به گذشته های دور تاریخ نظر اندازیم، بی می بریم که صفحات شمال افغانستان پوشیده از جنگل های پسته بوده که به مرور زمان، از بین رفته است، تک درخت ۴۰۰ ساله که هنوز در دشت خشک اند خوی موجود است، شاهد خوب این ادعا بشمار میرود، به همین



عده ای از کارگران که به رهنمایی متخصصین کار خود را در جنگل دنبال می کنند

انبوه جنگل ها

از گل احمد زهاب نوری

- در افغانستان ۹۰۰۰۰۰۰ هکتار زمین از جنگل پوشیده است.
- تک درخت ۴۰۰ ساله دشت اندخوی . . .
- از نظر علمی دو نوع جنگل در شرق و شمال غرب وجود دارد.





محصولات جنگل همیشه مورد احتیاج انسانهاست در عکس مقدار چوب را می بینید که برای عرضه بیاباز آماده شده .

ادراحتی از جنگل ها ، بدون تکثیر طبیعی و مصنوعی تأثیر بازرسی نسل آن ، سبب شده بود ، تا خواهد انداخت . نخستین قدم این در هر دوره ، پهنای جنگلات کاهش پروگرام مطالعه و سروی جنگل ها یابد و البته اگر دو لت متوجه این است ، تا از نگاه موقعیت ، نوعیت مسئله مهم نمی شد ، جنگل های وسایر مشخصات علمی تفکیک شوند موجود نیز تاده یا بیست سال آینده و همچنان عوامل طبیعی تخریب جنگل از بین میرفت .

وی می افزاید :
- وزارت زراعت برای جنگل ها در افغانستان ، پروگرام های خاصی مدنظر دارد ، که با تطبیق آن ها ، بر توسعه و حفاظت جنگل های بناعلی زمام میگوید :
- تا سال های اخیر قطع جنگل های کشور ، بمنظور تهیه مواد تعمیراتی و محرو قاتی آزاد بود و از بقیه در صفحه ۵۱



همچو درختان بسیاری از نقاط کشور ما را پوشانیده بود

ترتیب از هرات تا بدخشان از آن می را ، اینطور وانمود میکند :
جنگل زار بوده ، که امروز متاسفانه - عدم تمرکز قوای بشری در کمتر اثری از آن باقی مانده است . دشت های قریب جنگلزار ها ، نبودن وی علت اساسی امحای جنگلات ذهنیت حفاظوی و بالاخره استفاده





این تابلو را میرمن شکور ولی - لی و نال نام گذاشته است.

از: عزیز اودم

بزرگترین نمایشگاهی رسامی

هفت

خوشی و افغان میدانند و هرگز خود را غیر از یک فرد افغان چینی دیگر نمیپندارد.

سیمون شکور ولی با نزدیک شدن آگاهی به کلتور و فرهنگ غنی کشور ما افغانستان منجبت یک هنرمند ورزیده و متکی بواقعیت هنر، بزیبایی های طبیعت و روحیه متین و استوار افغان ها زود معرفت حاصل کرد این آشنایی دیر با گردید و امروز درجه آثار این هنرمند طبیعت زیبای کشور ما، سنت های نیک و باستانی ما چهره های متین و با وقار افغان ها بر برد بازی و لیاقت آنها را در میدان زندگی و گوشه های دلغریب طبیعت با عظمت و سربلند کشیده این سرزمین نمودار است.

سیمون شکور ولی با استاد قند (برهینا) از نزدیک همکار بود موصوف با وجود آنکه تریه اش در کشور غیر صورت گرفته ولی

چهار شنبه گذشته یعنی روز ۳۰ میزبان بزرگترین نمایش آثار رسامی سیمون شکور ولی، به مناسبت سال بین المللی زن در فرانت خانه لیسبه امانی برگزار گردید.

درین نمایشگاه که ۱۱۰ تابلو و ۱۴ پارچه تابه کاریهای سیمون شکور ولی در معرض نمایش قرار گرفته شده است در نوع خود بزرگترین نمایشگاهی است که از آثار نقاشان کشور ما تاکنون در کابل برگزار میگردد.

درین نمایش که آثار تازه و تابلو های زمان قبل سیمون شکور ولی نمایش گذاشته شده، برای تماشاگر از آنچه در کار این هنرمند چهره دست پدید آمده میتوان دید.

میرمن شکور ولی که در فرانسه تولد یافته و در آنجا تحصیل نموده است گرچه پدر و مادر و زادگاهش همه فرانسوی است ولی او خود را افغان میگوید.

تعمیرات استفاده بعمل آمده است.

آثار این هنرمند بدفعات در کابل و همچنین در کشور های خارج چون هند، اتحاد شوروی فرانسه، چین، ترکیه، انگلستان و بسیاری از کشور های اروپای شرقی به معرض نمایش گذاشته شده موصوف چندین بار در نمایشگاه های بین المللی رسامی و نقاشی منجبت آرتیست افغانی برنده جایزه اول گردیده است.

سیمون شکور ولی منجبت یک هنرمند معروف کشور در نقاشی عضو اتحادیه بین المللی فرهنگ و هنری زنان است که مرکز آن در (ویس) فرانسه میباشد.

این اتحادیه به منظور همکاری و ایجاد یک تفاهم نزدیک و همبستگی هنری در بین زنان آرتیست، شاعر، موسیقی دان، نقاش، مکتب



تراش، نویسنده، ادیب و دیگورتور در سال
۱۹۴۸ بدون در نظر گرفتن اهداف سیاسی
تاسیس گردید.

این هنر مند چیره دست که عموری
به تریبیه اولاد کشور صرف کرده و در
لیسه ملالی به تدریس پیدا کوژی و دیگر
مضامین میپرداخت کتون مضمم است با همکاری
میرمنو توله که آرزوی تاسیس انجمن را در
پرتو آرزو های اتحادیه متذکره تاسیس خواهد
کرد دست به عملی زند ناشاکردانی را که
خود می خواهد در دست پرورش گیرد و از خود
آنطوریکه آثار زیادی گذاشته با زهم بگذارد.
درینجا بی لزوم نمیدانم تبصره ای یکی از
هنردوستانرا که درباره این هنر مند نموده
خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم نمایم.

(اسم شکورولی از برای جمله صنعت آفرینان
و دوستانان هنر این سرزمین مفهوم پرارزشی
است. این نقاش هنرمند در نمایشگاه های
علی بدفعات نمونه هایی از آثار هنری و افرو
کثیرالانواع خویش را ارائه نموده است ...
هنر مختص بخودش این هنرمند را منحیت
انتو ینک در نظر ها معسر فسی میدارد.
وی به وج حساسیتی که دارد احساس
تعالی روحی و بینایی باطنی خویش را با رنگ
های تیز ارائه میدارد.

از میرمن شکورولی پرسیدم که از چه وقت
به نقاشی پرداختی به جواب گفت: من اصلا
نمیدانم. تنها بخاطر دارم آن هنگامی را که
خیلی خورد بوم و در بشقاب غذای که مادرم
تهیه میکرد رسم میکردم تا آنکه این ذوق و
علاقه مرا به مکتب آورد و از آنجا به پوهنتون
رفتم و دوره شش ساله پوهنتون را در هنر
نقاشی در طرف سه سال پایان رسانیدم و بعد
از آن ذوق خویش را نه تنها با استعداد بلکه
با تجربه و تهرین دنبال کردم.

پرسیدم که تا حال چند تابلو رسم کرده اید
و خوبترین و پر خاطره ترین تابلوی تان کدام
است ؟

سیمون شکورولی خنده ای کرد و بعد گفت :
من اصلا گفته ای درین مورد ندارم زیرا هر یک
از تابلو هایم نزد من ارزش دارد که نمیتوانم
یکی را بر دیگری ترجیح بدهم و در مورد سوال
دیگر باید گفت که تا بحال در حد ود هشت
هزار تابلو رسم کرده ام در مورد خاطرات
خویش باید بگویم که وقتی من می خواهم
تابلویی را بکشم اصلا نکته ای که من خیلی
به آن توجه دارم این است تا از چیزی مثل
طبیعت و یایک قطعه شعر و یا کمپوز موسیقی
یاداستان و غیره الهام گرفته و بعد مطابق ذوق
خویش به ترسیم تابلو پردازم زیرا من از
کایی حتی اگر از طبیعت هم باشد خیلی بدم
می آید با وجود آنکه در سبک ریالیزم اکثرا
آنچه است در تابلوی نقاش بوجود می آید .
من تنها الهام از طبیعت می گیرم ولی آنرا
کایی نمیکم زیرا کایی آنچه را که باید برای
تابلو ارزش گفت آنرا از بین میبرد .

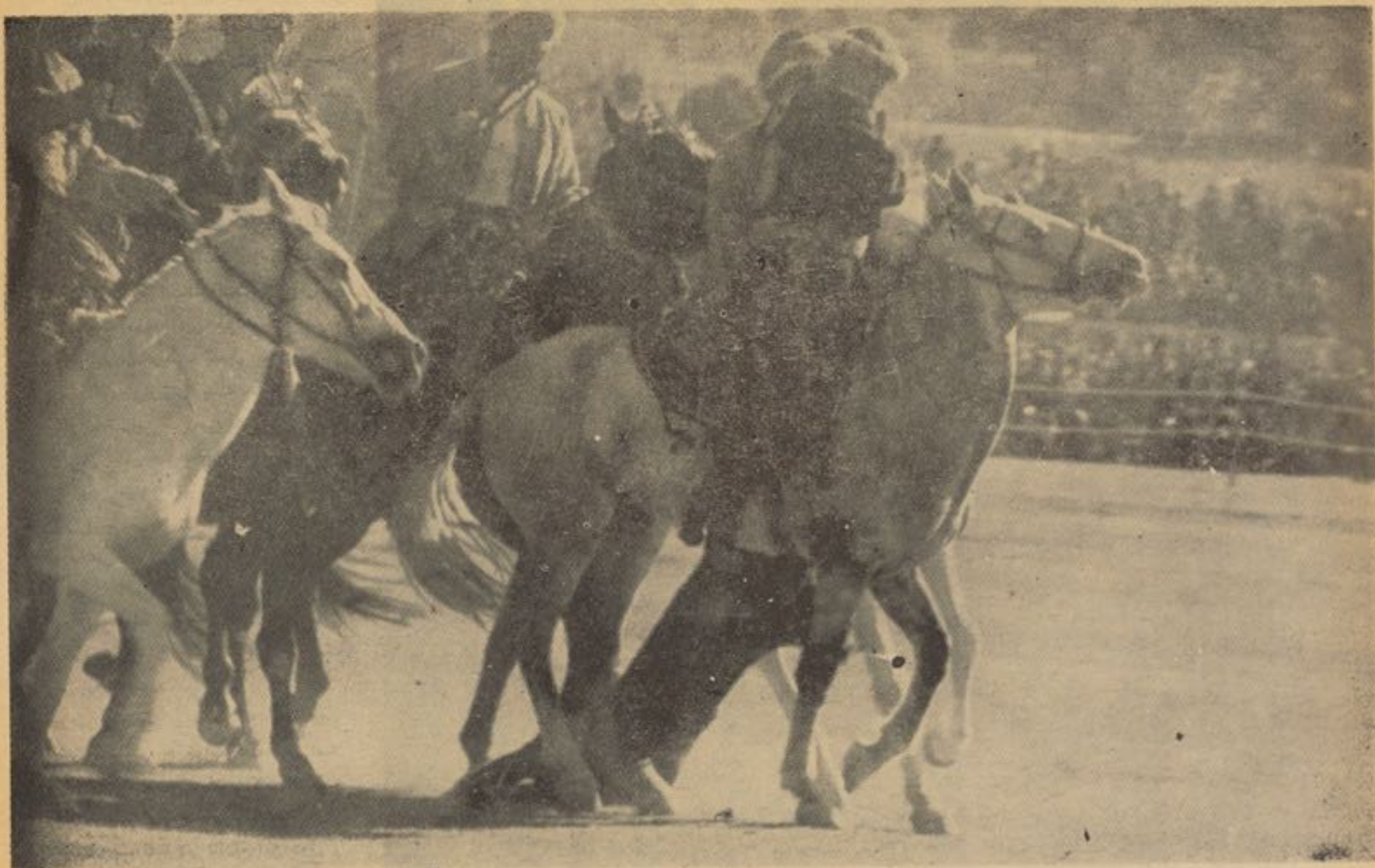
بقیه در صفحه ۵۷

از بالا به پائین :

۱- تابلوی (زن روشنی می آورد).

۲- تابلوی (گلستان)





سوار کاران مشهور با آخرین قدرت خویش مانع پیروزی حریف میگردند

از: ع - بلیکا

سوار کاران بر پشت یکصد و بیست اسب

در هیجان انگیزترین مسابقات بزکشی

وامسال برای اولین بار از ولایت پروان نیز تیمی اشتراک نمود که به این اساس تعداد تیم های اشتراک کنندگان برده رسید که هر تیم دارای لباس های دارای رنگ های مختلف و سمبول هاویبرق های مختلف میباشد تا در وقت مسابقه از هم تفریق گردند . نامگفته نماند که این همه سمبول ها و رنگ های پیراهن های آنها از طرف المپیک تثبیت گردیده و اکنون قابل تبدیل و تغییر نمیشوند ولی در آینده امکانات آن میسر است البته با تصمیمی که از طرف کمیته موقت در مورد اتخاذ خواهد شد درین جایی لزوم نمیدانم اگر از سمبول های هر یک از ولایات یادآوری نمایم به این شرح که از بلخ (گل لاله) از کندز (گل غوزه) از بغلان (گل آفتاب پرست) از بسدخشان (مارکوبولو) از سمنگان (یک درخت) از جوزجان (نقش قالین) از فاریاب (گوسفند قره قلی) از تخار (رکاب اسب) از بامیان (بندامیر) و از پروان (بلخمان) تثبیت گردیده است .

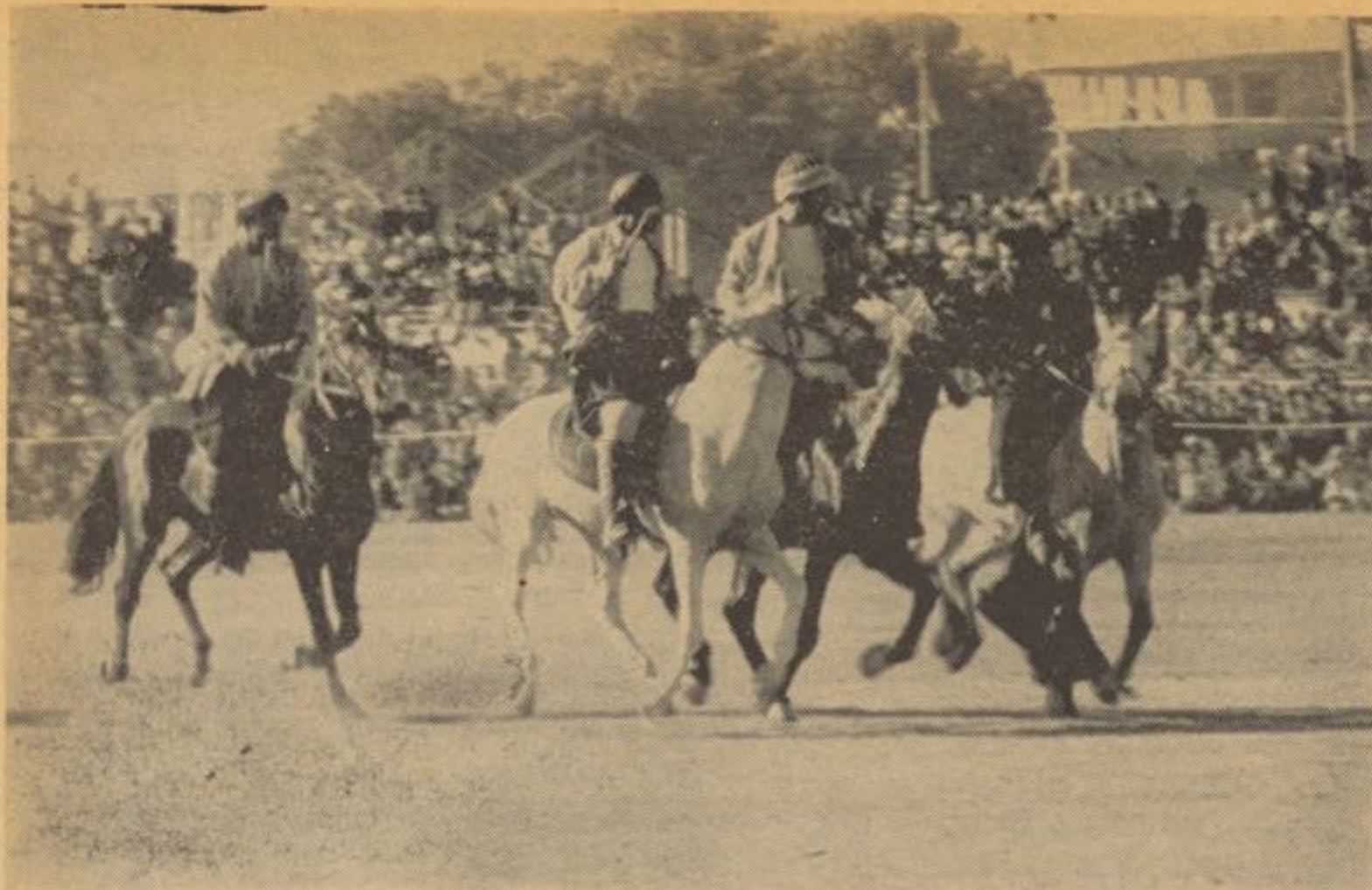
در نخستین روز مسابقات بزکشی ده تیم از ولایات در برابر هم قرار گرفتند . تیم های وزیده با اسب های تندرو و قوی درین مسابقه که تیم هاهر کدام تب و تلاش می نمودند تا برنده شوند تیم سمنگان گوی سبقت را برد و آنروز این تیم برنده اعلام گردید . ولی مسابقات بزکشی به سیستم (دبسل ناک اوت) صورت میگردد تا دیده شود که در فرجامین کدام یک از این تیم هایمان رامیبرند و با کپ قهرمانی به ولایت شان برمی گردند .

مقررات آمده بیشتر آنرا اصلاح و تحت مقررات و دستپلین آورد تا از یکطرف بر هیجان و زیبایی بازی افزوده شده و از جانبی هماهنگی رامیان همه چاپ اندازان کشور مرعی دارند تا باشد روزی این بازی در جمله بهترین بازی ها قرار گیرد .

بناغلی وحید اعتمادی در مورد تیم های که امسال درین مسابقات اشتراک دارند گفت: تا دو سال قبل هشت تیم از ولایات بدخشان، تخار، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان و فاریاب اشتراک داشتند که سال قبل برای اولین بار تیم بامیان نیز بر آنها افزود گردید .

سیاحتیکه آرزوی دیدن این ورزش باستانی مردمان مارادارند بعد از مفاهمه و مذاکره با سابقه داران و صاحبان اسب و چاپ اندازان ولایات تجویز گرفته شد تا همه ساله از اول عقرب الی ختم مسابقات و هم از اول حمل الی ختم مسابقات در کابل دوالی سه بار هم در ولایات کندز و بلخ که دارای ستدیوم بهتر برای تماشاچیان را دارا میباشد دایر گردد، و هم چون همه بازی هامستلزم یک عده قوانین و مقررات است لازم دیده شد تا مشوره با اهل بزکشی این بازی را که روزگاری فاقد مقررات بود و از چند سال قبل داخل یک سلسله

عقد از تدویر مسابقات بزکشی که طبق پروگرام مرتبه کمیته ملی المپیک همه ساله بروز اول عقرب برگزار میگردد . بناغلی وحید اعتمادی سرپرست المپیک در مورد چنین توضیح کرد: از بدو تاسیس جمهوریست در کشور دولت متوجه ورزش گردیده تصمیم و رونق همه انواع سپورت ها را در کشور جزء پروگرام ملی المپیک قرارداد که انکشاف و پیشرفت بزکشی نیز جزء آن است، از آنجائیکه انکشاف ورزش بدایر شدن تورنمنت ها ضرورت مبرم دارد کمیته ای که به اشتراک نمایندگان ریاست المپیک - مگر خندوی سره میانت و غیره به همین مناسبت ترتیب شده بود چنین تجویز گرفت تا سالانه یک سلسله مسابقات بزکشی در مرکز ولایات بغاظر معرفی آن دایر شود. تا از یکطرف هم آهنگی و پیشرفت درین ورزش رونما گردد و از جانبی چون عساکمندان زیادی در جهان خارج دارد بمنظور معرفی و رفع عطش آن عده از



وقتی بز بدست چاب اندازی می افتاد با نظارت تام بسوی هدف می شتافت.

یک دور مسابقه را بیاعتمادی سی دقیقه گفت وهم اظهار داشت که باراول این مسابقات به اشتراك سی اسپ یعنی از هرولایت سه سه اسپ باهم به مسابقه پرداخته وبعدها آن مسابقات بشکلی دایسر خواهد شد که دودو ولایت باهم مسابقه داده وپس از آن کسی خواهد بود که بیشترین نمره را در مجموع مسابقات بدست آورد .

امسال از هرولایت ۱۲ اسپ ده چاپ انداز وده میتر وده نفر مالک اسپ ها از طرف ریاست المپیک دعوت گردیده که ازروز حرکت ازولایات تاخیر مهمان ریاست المپیک بوده ودوازده اسپ برای این است تا یک اسپ برای رئیس هر تیم ویک یک هم برای معاونین تیم هادر روز مسابقات در نظر گرفته شده است. از سرپرست المپیک پرسیدم که چه تعدیلی در مقررات گذشته بزگشی وارد شده که در جواب گفت: در قسمت ابعاد میدان که سال گذشته چهار صد متر در چهار صد متر بشکل مربع بود امسال ۲۵۰ متر بر ۲۵۰ متر تعدیل کرده زیرا از یکطرف هوا هنوز کاملا سرد نگردیده واز جانبی از تعداد اسپ ها کاسته شده ازینرو اگر از یکطرف میدان گلان واز جانبی تعداد اسپ ها زیاد باشد نه تنها جزایب بازی را ازین میبرد از جانبی برای اسپ ها که بعد از یک استراحت شش یا هفت ماهه دوباره به مسابقه پرداخته اند نیزگران تمام خواهد شد روی همین منظور تصمیم خورد ساختن میدان مسابقه گرفته شد همچنانقول ها که سابقا یک عده زیادش در مقررات گنجائده شده بود آنها نیز تنظیم وترتیب گردیده تا از بی نظمی وپراگندگی و بی بندوباری مسابقه چنان کاسته شده باشد . یکی ازین مقررات را میتوان در مورد محاسبه

نمرات دانست وآنهم طور است که در گذشته یک چاپ انداز با هزار زحمت بزرا برداشته و بدور بیرق چرخ خورده و خود را در نزدیک ترین قسمت دایره حلال میرسانید ولی بخت باو یاری نمیگردد و بز از دستش می افتاد درین فرصت حریفش خود را بر بز رسانیده و آنرا (حلال) میکرد که به این اساس یک نمره برای شخص اولی و دو نمره برای شخص دومی داده میشد که این چندان منصفانه نبود ازینرو چنین تصمیم اتخاذ گردید تا درین فرصت وقتی بز را طرف مقابل میگردد دوباره از بیرق گذشتانده وبعدها دایره حلال برساند تا بازی روی شانس

نبوده همانطوریکه تهور قدرت و تجربه اساس این بازی را تشکیل میدهد باز هم زور خود قضاوت کند و آنکه نیروی زیادتر دارد مستحق به گرفتن نمره باشد . بیاعتمادی در حالیکه از همکاری های قوماندانی قوای مرکز در مورد تدارک اعاشه و رابطه مهمانان المپیک یادآوری میکرد توقع میشود تا قوماندانان عزیز را در بهتر نگهداشتن و زنده داشتن و نگهداری نسل اسپ های خوب و تریه آن برای بزگشی تاکید مینمود و توجه همه ای هموطنان را برای آن میخواست تا باشد با اندر اسپون های بزگشی که ممکن

است در آینده نزدیک در کشور تاسیس گردد بهترین اسپ هادر اختیار هموطنان عزیز ما قرار گیرد . قبل از آنکه راپور ترتیب شده ای خبرنگار ورزشی ژوندون را تقدیم شما دو ستداران ورزش نمایم لازم میدانم اگر چند نکته ای پیرامون این ورزش باستانی سرزمین کشور ما بشما بنویسیم . بزگشی که اساسا یک نوع مبارزه جنگی است برای اولین بار در میان مردمان سرزمین مادر آن آوانیکه کشور شان بنام آریانا نامیده . لطفا ورق بزنید.



سپورت بز کشتی برای اولین بار بعد از حملات سکه‌ساز کبیر بر آریانا بوجود آمد

۳۰ چاپ انداز آغاز یافت .

بازی خیلی جالب و هیجانی مینمود شطارت همه چاپ اندازان درخور توصیف بود زیرا هر یک بی باکانه حمله میکردند و با آخرین قدرت اسب خود را بجلو میراند گاهی چنان میشد که یکی دو اسب وقتی بالای بز تعداد زیادی را میدیدند و یا هم شاید از ذوق زیاد و یا از فشار یکه از جانب سوار گارش بر او وارد میشد بردو پامی ایستاد و بالای بز به حمله میرداخت ولی یکی هم موفق نمیشد تا بز را از زمین بردرد زیرا بالای گوساله ای که قرار اعلان را دیو از ۳۰ سالی ۵۰ کیلو وزن را داشت چندین سم اسب قرار داشت وقتی یک پای گوساله را چاپ اندازی بدست می گرفت اسب های دیگر مانع آن میشد تا آنکه بعد از یازده دقیقه یکتا از چاپ اندازان تیم ولایت تغر موفق شد گوساله را از دایره برداشت و بسوی بیرق برود ولی موفق نشد زیرا دیگران مانع او گردیده و او را مجبور ساختند تا بعد از یک دقیقه بز را دوباره به زمین اندازد درین هنگام که بز در قسمت شمالی میدان افتاده بود باز هم حملات و زور آزمایی پهلوانان و اسب هارا بخوبی میشد مشاهده کرد .

درین جا تقریباً پنج دقیقه بز بحالت اولی قرار داشت و هیچک موفق نمیشد تا آنرا از زمین بردارد تا آنکه دو چاپ انداز یکی از سمتگان و دیگری از جوزجان بز را برداشته در حالیکه با هم به مجادله میرداختند بسوی بسیرق میردند ولی اینبار هم هیچک نتوانست آنرا نگه دارد بز به زمین افتاد و باز هم همه بردور آن جمع شدند تا آنکه یکتا از چاپ اندازان تیم ولایت بلخ در حالیکه بز یک اسب خیلی

چاپ انداز دارا میباشد یعنی اگر اسب خوب نباشد چاپ انداز کدام کاری کرده نمیتواند بز هم اگر چاپ انداز دارای نیروی کافی و تجارب زیاد نباشد اسب نمیتواند او را به مقصدش برساند یعنی اسب و چاپ انداز در بز کشتی لازم و ملزوم یک دیگر میباشد . روز اول غروب چند دقیقه به دو مانده بود که وارد منطقه جشن شدم هزاران نفر از هموطنان که عدهای زیادی از آنها از کابل و یکتعداد آنها هم از ولایات بمنظور دیدن بز کشتی از ولایات به کابل آمده بودند در دورا دورچمن جمع شده بودند جاده های اطراف چمن با بیرق های ملی تزیین شده بود عوام خیلی صاف بود مردم بی صبرانه انتظار ورود رهبر انقلاب را در آنجا می کشیدند چاپ انداز ها با روسای تیم ها و هیات حکم همه بالای اسب ها سوار و همه بی صبرانه انتظار داشتند دو نفر از روسای تیم ها که سال گذشته کب و بیرق را گرفته بودند در مقابل در ورودی لوز جمهوری بادسته های گل هم انتظار بودند . درست ساعت یک و چهل و سه دقیقه ورود رهبر انقلاب را موزیک با سرود ملی اعلام داشت که همه ای حاضرین به پا برخواستند بعد از آن همه اعضای تیم های ولایات در حالیکه در صف اول هیات حکم در صف دوم روسای تیم ها و در صف سوم بیرق های تیم های مربوط قرار داشتند آهسته آهسته بسوی لوز جمهوری بغاطر تقدیم احترام بحضور رهبر انقلاب می آمدند اسب عاجین به آهستگی و موزون پامی گذاشتند که گویا سالباً تعلیم گرفته بودند بالاخره مراسم احترام خاتمه یافت و مسابقه میان ده تیم به اشتراک ۳۰ اسب و

میشد رواج پیدا نمود آنهم روی تصادف نبوده بلکه در موقع لشکر کشی سکندر مقدونی درین سرزمین که مبارزه مردمان آن و مقاومت بسیار شهادت آنها در دل تاریخ ثبت است موقعیکه میخواستند در جنگ هاترس و وحشت را بردل لشکریان سکندر بیندازند و آنها را مجبور به عقب نشینی سازند تکتیکی بکار بردند تا با سرعت هر چه تمامتر در میان آنها حمله برند و سپاهیان سکندر را با زور بازو و توانایی و چابکی که از خواسته های سوارکاری مخصوصاً بز کشتی است گروگان بگیرند و با خود بیاورند عدهای هم عقیده بر آن دارند که با وجود اینکه سوارکاری و علاقه به اسب میان مردمان آریانا خیلی زیاد بود که حتی نام های خانواده هارابه آن سما میگرددند ولی این ورزش با آمدن مغل و حمله لشکریان چنگیز خان در میان مبارزین این سرزمین آغاز گردیده به سر صورت چون اساسش گذاشته شده چون مردم مانع میخواستند غفلت نمایند و تنبلی را بخود راه دهند و درین اندیشه بودند نادر صورت حمله از کدام طرف آماده هرگونه مجادله باشند این تاکتیک جنگی را بالاخره رنگ ورزش دادند تا هم اسب هاهمیشه آماده بیکار باشند و هم جوانان و این ورزش بالاخره یک ورزش مردمی در میان مردمان صفحات شمال کشور ما که بهترین محل برای تربیه اسب هاست باقی ماند زمانی تنها مردم در روز های عید و محافل عروسی مسابقات آنرا بر پا میکردند و از دیدن آن لذت میبردند تا آنکه آوازه اش بلند شد که نه تنها مردمان داخل کشور بلکه خارجی ها خیلی به آن علاقه مند شدند و آرزوی دیدن آنرا کردند و نویسندگان رومانیای در مورد بز کشتی نوشتند و قهرمان های داستانهای خود را چاپ انداز ها انتخاب کردند تا بالاخره کمی های فلمبرداری متوجه آن شده و فلمی هم از آن تهیه کردند .

از آنجائیکه امروز مردمان زیادی در سراسر جهان مشتاق تماشای این ورزش هستند دولت جمهوری هم برای رونق آن توجه نموده از این رو برگزاری مسابقات آنرا مخصوصاً همه ساله در اول غروب در کابل تصمیم گرفت .

در کشور ما دو نوع اسب برای بز کشتی گمانته میشود که یکی تاناراست و یکی هم اسب خالص افغانی که اولی دارای اندام مناسب ولی تیز بوده در ولایات بدخشان ، تخار ، کندز ، بغلان و سمتگان یافت شده و نسل دوم در ولایات بلخ ، جوزجان و فاریاب پیدا میشود که دارای هیكل خیلی قوی بوده و خیلی نیرومند است . خوراک اسب های بز کشتی جو ، علف ، بیده ، مالیده و تخم مرغ است یک اسب بز کشتی از اوایل بهار الی اوایل خزان جای بند بوده تنها میخورد و میخوابد و تشنه ایسام زمستان از آنها برای بز کشتی استفاده نمیکنند ، اسب ها آنقدر در بز کشتی اهمیت دارد که

قوی هیكل و زیبا سوار بود و بز را در دست داشت یکباره از میان اسب های بیرون شد بر دیگران مجال نداد و بیرق را دور زد گرچه اسب های دیگر میخواستند مانع او شوند ولی سود نبخشید و او موفق به گرفتن یک نمره برای تیم خود شد ولی نتوانست کار خود را دوام بدهد زیرا دیگران او را دنبال کردند تا آنکه بز به زمین افتاد ، درین فرصت چند دقیقه ای بیش به ختم بازی نمانده بود ولی چاپ انداز ها از تلاش نمی ایستادند هر یک میخواست نمره ای برای تیم خود کمایی نماید هر لحظه صدای بهم خوردن رکاب ها و قمچین ها بگوش میرسید تلاش ها جایی را نمیگرفت زیرا خیلی مشکل مینمود که از میان ۳۰ تن از قوی ترین چاپ انداز ها و اسب ها چیزی بدست آورد تا آنکه ریفری ختم بازی را طوری اعلان کرد که بازی تنها یک نمره به نفع تیم ولایت بلخ بود .

ما میخواستیم راپور تازه مفصل همه بازی های همانروز را برای خوانندگان ارجمند ژوندون تهیه داریم ولی نسبت ضعیفی صفحات از آن معذرت خواسته تشنه در اینجا از بازی ها و نتایج آن تذکری داده صحبت را ختم می کنیم . بازی اول میان تیم های ولایات جوزجان و فاریاب ۴ مقابل ۴ مساویانه خاتمه یافت .

بازی دوم میان ولایات تخار و سمتگان ۱۳ مقابل ۷ به نفع تیم سمتگان خاتمه یافت که در نتیجه سمتگان با گرفتن این رقم قهرمان بز کشتی امسال شده بیرق را بدست آورد . مسابقه سوم میان ولایات بلخ و کندز که ۱۱ مقابل ۷ به نفع تیم کندز خاتمه یافت و کندز مقام دوم را حایز شد .

مسابقه چهارم میان بغلان و بدخشان بود که بازی ده مقابل هفت به نفع بدخشان خاتمه یافت و مسابقه پنجم میان ولایات پروان و بامیان بود که بازی یک مقابل صفر به نفع تیم بامیان خاتمه افت .

به این اساس تیم ولایت سمتگان مقام اول و تیم ولایت کندز مقام دوم و تیم ولایت بدخشان مقام سوم را حایز گردیدند .







آلات موسیقی افغان توجه زیادی از علاقمندان را جلب نموده است

نمایشگاه آلات

موسیقی افغانی

از چند مملکت دیگر دارم فرار میدهم .
 - شما گفتید کلکسیون های آلات موسیقی
 بعضی ممالک را دارید ؟
 - بلی .
 - از کدام ممالک ؟
 - من تا حال موفق شده ام کلکسیون آلات
 موسیقی افریقا و امریکای جنوبی را بدست
 آورم . این آلات موسیقی افغانی را نیز در پهلوی
 آنها جا میدهم و کوشش میکنم تا بعضی آلات
 موسیقی افغانی را که تا حال نخریده ام تا موقع
 رفتنم به فرانسه خریداری نمایم .
 - درباره آلات موسیقی افغانی چه نقلی
 دارید ؟
 - آلات موسیقی افغانی از نگاه آواز خوش
 که دارد فکر میکنم سرآمد تمام آلات موسیقی
 جهان باشد .

آلات موسیقی افغانی نظریه بسیاری از آلات
 موسیقی غربی مکمل تراست مثال، رباب و
 تنبور از نگاه تاریخی فرعی (بجگی) نسبت به
 گیتار که آله موسیقی غرب بشمار میسرود
 مکمل تر میباشد .

لوموون می افزاید: موسیقی افغانی بسیار
 زیبا و جالب است مخصوصا موقعیکه دستجمعی
 نواخته میشود .

دلچسپتر اینکه در این سرزمین آواز خوانان
 آن آزدانه میتوانند در هر کنج و کنار آلات
 موسیقی شانرا بصدا درآورند که این خود به
 زیبایی طبیعت می افزاید در حالیکه در مملکت
 ما (فرانسه) چنین نیست .

به نظر بنده هر وقت و در هر جاییکه دل
 انسان خواست آله موسیقی را که در دست
 دارد بنوازد و بشنواند .

- تا چه اندازه به موسیقی افغانی بلدیت
 دارید ؟

- از بسکه موسیقی افغانی را زیاد شنیده ام،
 حالا میتوانم که آواز يك آله موسیقی را از
 دیگرش تشخیص بدهم، در حالیکه برای يك
 خارجی بار اول که می شنود، تشخیص آن کار
 آسان نیست .

- کدام آله موسیقی افغانی را میتوانست
 بنوازد ؟

- تا حال نه اما، میخواهم رباب و تبله را نزد
 کدام استاد فن آن فراگیرم، زیرا به تنهایی
 نمیشود به آن دسترس پیدا کرد .

- مقایسه بین آلات موسیقی افغانی و غربی
 را چگونه بررسی می کنید ؟

- موجودیت آلات ساده در موسیقی افغانی
 از قبیل دایره، زیر بقلی، دنبوره، نیچک و غیره
 که زمینه نواختن را برای هر علاقمند آن مهیا
 میسازد که به این اساس تعداد نوازنده چنین
 آلات در افغانستان به وفرت بملاحظه میرسد،
 موسیقی افغانی را از موسیقی غربی متمایز
 میسازد .

بلی اکثر این آلات موسیقی از سر زمین
 باستانی افغانستان است، منتهی چند آله
 محدود آن از هندوستان میباشد، که آنهم
 بطور ماهرانه در افغانستان نواخته میشود و
 نواختن آن در افغانستان رایج است .
 - تعداد این آلات در نمایشگاه به چند
 میرسد ؟

- تعداد آنها در حدود سی آله موسیقی
 میرسد، تا جاییکه توانسته ام آنها را پیدا
 کرده ام، بعضی از آلات را که نتوانسته ام
 بیابم . عکسهای آنها در نمایشگاه جاداده ام .

- این آلات را از کجا بدست آورده اید ؟
 - تقریبا نصف آنها خریداری نموده ام ،
 بعضی از آنها را دوستان افغانی ام برایم
 به امانت داده اند .

که از همکاری همه دوستان سپاسگزارم .
 - بیشتر گفتید که نصف این آلات را
 خریداری نموده اید، با آنها بعد از ختم نمایشگاه
 چه میکنید ؟

- آنها را با خود به فرانسه می برم و در
 پهلوی دیگر کلکسیون های آلات موسیقی که

قرار داد .
 از لوموون می پرسیم : هدف از دایر نمودن
 این نمایشگاه چیست؟ در جواب میگوید: مرکز
 کلتوری فرانسه همیشه نمایشاتی را در سالون
 ایسه استقلال برگزار میسازد، چنانچه چندی
 قبل نمایشگاه آثار رسامی متعلمین ایسه
 استقلال را دایر نموده بود. به سلسله همین
 نمایشات مرکز کلتوری فرانسه دست به
 ترتیب چنین نمایشگاهی زده است .
 - لطفا بگویید که چه مدنی را ترتیب این
 نمایشگاه در بر گرفته ؟

- ترتیب این نمایشگاه تقریبا دو ماه را در
 بر گرفته است، باید اضافه کنم که من در این
 دو ماه متواتر کار نکرده ام، فقط در اوقات فراغت
 در جمع آوری آلات موسیقی مصروف می بودم،
 زیرا کارهای درسی ام خیلی زیاد است ، اگر
 چنین نمیبود، میتوانستم در ظرف چند روزی
 آنها بطور متواتر، چنین نمایشگاهی را بوجود
 آورم .

- آلات که شامل نمایشگاه است تمام آن از
 سرزمین افغانستان است یا .. ؟
 حرفم را بریده میگوید: مقصدانرا فہمیدم،

نمایشگاه آلات موسیقی افغانی در سالون
 نمایش های ایسه عالی استقلال افتتاح گردید.
 در این نمایش که از طرف مرکز کلتوری
 فرانسه دایر گردیده بود ، جمع غفیری از
 علاقمندان آلات و هنر موسیقی اشتراک نموده
 بودند .

ما برای ازدیاد معلومات خوانندگان گرامی
 مجله ژوندون و دوستان اران موسیقی افغانی
 مصاحبه ای با مسیو (لوموون) که تنظیم کننده
 این نمایشگاه بود و یکتن از معلمین مرکز
 کلتوری فرانسه است بعمل آوردیم که ذیلا
 تقدیم میگردد:

مسیو لوموون مدت نه ماه میشود که در
 افغانستان اقامت دارد و هشت ماه دیگر نیز
 در افغانستان خواهد بود . او به کشور ما و
 آثارش علاقه فراوان داشته و از اینکه فعلا در
 افغانستان است خیلی خوشحال به نظر
 میرسد .

نظریه همین علاقه اش بود که بنا به پیشنهاد
 مرکز کلتوری فرانسه در کابل نمایشگاه آلات
 موسیقی افغانی و آلانی را که در افغانستان
 نواخته میشود ترتیب نموده و بمعرض نمایش



همه با علاقمندی خاصی ازین نمایشگاه دیدن میکردند

می پسندید ؟
 - به آهنگ رباب و تنبور علاقه زیاد دارم .
 - کدام نوازنده آله موسیقی افغانی را می شناسید یا خیر ؟
 - بلی، آقای روحنواز رامی شناسم و هنر مندی وی درنواختن رباب قابل ستایش است .
 - شما که از خلال گفتار تان معلوم شد تا

اندازه به موسیقی افغانی ونوازندگان آن آشنایی دارید، آیا آواز کدام هنرمند افغانی را هم دوست دارید ؟
 - بلی آواز استاد محمد حسین سراهنگ رادوست دارم و شب های رمضان در کنسرتش اشتراک میکردم .
 - آیا باز هم میخواهید کدام نمایشگاه دیگری نیز برگزار کنید ؟
 - بلی مرکز کلتوری فرانسه همیشه سعی

دارد تا نمایشگاههای از آثار مقبول افغانستان ترتیب دهد . خود امیدوارم در پهلوی این نمایشگاه بتوانم نمایشگاه های از قالین های افغانی ، زیورات افغانی و آرت افغانی ترتیب دهم .
 از مسیولان و موزون که حاضر شده بود تا لحظه ای با هم درباره این نمایشگاه به گفتگو بنشینیم از جانب خود و اداره مجله تشکر نموده

میخواستم خدا حافظی نمایم که گفت: همکای وزحمت کسی آقای سلطان میازوی معلم لیسه عالی استقلال که بامن در ترتیب این نمایشگاه بعمل آورده قابل ذکر است و من بدینوسیله از ایشان و کسانی که همراهیم در اعانت گذاشتن بعضی آلات خود همکاری نموده اند تشکر می نمایم .



درنمایشگاه تقریباً تمام آلات موسیقی افغانی به معرض نمایش گذاشته شده بود

(شما داروی خواب ابدی دارید بایست بدانید که من اکنون دیگر امیدی بر هایی از جنگل این آدم های کثیف و قسی القلب ندارم ، باور کنید شما مگان ها ن همینکه - آفتاب غروب میکند فکر میکنم بایان روزهای زندگمی منست و شاید از فرط اینهمه شکنجه های روحی - فردا بر نخیزم ، خوا عیش میکنم ، التماس میکنم اگر باخود چنین - دارویی داشته باشید لطفا از روی عطوفت و نود عدوستی آنرا در - اختیارم گذارید میخوا هم بهمه چیز امان دهم ، بخودم ، به آرزو هایم و...) این جملات دردناک را (فرا نسوی - یز سلاوستری) یکرزن باستانا شناس فرانسوی در حالیکه دانه های اشک چون مر وارید روی صورتش می غلتید و بغض گلویش را میفشرد دو به ۳ ژورنال ایست فرا نسوی هنگام مقابله شدن بیان داشت ، این زن ۳۸ سال دارد ، ازدواج کرده و طوریکه گفته آمد شغلش باستان شناسی است و ادعا دارد که از زندگمی سپیر شده زیرا پوره این شانزده ماه میشود که در وسط دشتهای سو زان و سنگلاخی و سخره سنگهای - (تیبستی) ویا (تشتات) سر زمین غیرقابل اسکان افریقای که آنجا راجل یغما گران و چیاول گران افریقا نامیده اند به اساس - ایجاب و وظیفه آنجا رسیده بود به وسیله تیبستی ها گروهی از - سیاه پوستان افریقا اسیر گردید ، وقتی هر صبح آفتاب طلوع میکند او را هشت مرد مسلح از مخفیگاه بیرون می کشند و با لایش اعمال طاقت فرسا و شاقه را انجام می دهند ، بعدی که این حرکت برای زن باستان شناس سخت تکلیف ده است و بیچاره همواره فکر می کند که راهی زندان است .

سروز شما ری های سلاوستری بایانی ندارد ، سلاوستری که تاب شکنجه را پیش از آن آورد نمی تواند در (۲۱) اپریل ۱۹۷۴ شنبه مریض میگردد ، در همین تاریخ در (وازی باردای) یکی از نقاط کوهستانی (تشتات) بهمکاری (مارس گومی) ویک داکتر آلمانی (گریستوف استافن) دوباره صحتش را باز می یابد و بدینتر تیب (مارس گومی) همکار و استافن دکتور آلمانی که با او همراه بودند نیز اسیر می ماند .



باستانشناس فرانسوی در حال تهیه غذا



(فرانسوی یز سلاوستری) برای آخرین بار در کنار شوهر و فرزندش



بیچاره سلاوستری بیش از شانزده ماه تمام رادر چنین کلبه هایی که از نی ساخته شده گذرانده

از منابع آلمانی :

ترجمه : میرحسام الدین برومند

سیاهپوستان افریقائی یکرزن باستانشناس

۳۸ ساله امریکائی را اسیر گرفتند

سلاوستری باستانشناس بسوی نا معلوم می برده شده است زن باستانشناس با شنیدن این خبر دلخراشانه توانست از شدت تأثرش بکاهد زیرا فرانسوی ها معتقد بودند که سلاوستری برده و تلاش برای آزادی او بی فایده خواهد بود ، زور نا لیستان فرانسوی که می دانستند سلاوستری زنده است و این خبر رادیوی فرانسه

سلاوستری) بود که در دست یغما گران افریقای محله تشتات اسیر باقیمانده بود ، چندین بار مباحثاتی بین فرانسه و سران - سکنه (تشتات) صورت گرفت اما هر بار این مباحثات به ناکامی - منتهی میشد .

یکروز سلاوستری فرانسوی از رادیوی ترا نرستورش این خبر را از رادیوی فرانسه شنید که

دکتور استافن که از برادرزاده های گوستاف هاینمن رئیس جمهور سابق آلمان بود پس از سه ماه آزاد شد و بجهت آنکه روابط دیپلماتی دولت فدرالی آلمان و (تشتات) قطع شده بود ، «بن بیخاطر» رهایی دکتور استافن دو میلیون مارك پرداخت . مارس گومی نیز در ماه می همین سال بسوی ایبیا فرار کرد و فقط تنها این و فرانسویز



درین عکس سلا وستری و ادرقبیله جاسو سان می یابند .

تمام نقاط صحرا ها و بین سخره های (تیبستی) را که بنام سرزمین (فورت لامی) نیز یاد میشود . -
تفتیش کردند و در هر روز تقریباً ۸۰ کلمه مت راما ش. مکتوبند.

سرانجام بهد فرسیدند و سلا وستری را پیدا کردند و همراهی آن زن -
ستمیدیده حرف زدند . زن اسیری که پیوسته از یک مخفیگاه بد یگر مخفیگاه و از یک سنگلاخ به -
سنگلاخ دیگر برده می شد . -
ربایندگان تیبستی هر لحظه برای بیچاره خطر مرگ را تولید کرده بودند که در اثر فشار های زیاد تمام قوای جسمانی اش به تحلیل رفته بود اما هنوز هم زنده بود و میدوار تاروژی آزاد شود به آنهمه شکنجه ها پایان بد هد، در گرمای روز دردل دشتها و سخره سنگها و -
سنگلاخ های سو زان کار میکردند و شبانگاه بالجن زار ها و صد ها حیوان وحشرات موزی همبستر بود با آنها میگفت من یک باستان شناس هستم و تا اینجا هستم سعی خواهم کرد روی شغل خویش کار کنم.



(مارس گو مبی) فرا نسوی که بوسیله مونسری بزودی از چنگک سیا هیوستان فرار کرد .

برایشان هیچان آور مینمود به وسیله طیاره به سر زمین سنگلاخی (تشتات) پایین آمده و خواستند اجازه ملاقات اسیر مذکور را از -
سیا هیوستان بگیرند و به اصرار پیمبران (الیساین هابری) قوماندان آنجا بالاخره موافقت کرد.
سزور نالیستان فرانسوی -
مارش کنان بهمراهی گو ماندوئی

سلا وستری بسیار آرزو داشت بخانه اش برگردد جایی که شوهرش و فرزندانش انتظارش را دارند -
آخر اویس از سال ۱۹۷۳ نه توانسته فامیلش را ببیند . -
مخصوصاً پس از رها یی دکتور استفان و ماریس گو مبی) تاثر این باستان شناس عمیقتر و رقتبارتر گردید، سلا وستری فکر میکرد -
مباحثات مجدد فرانسوی ها باعث رهایی او خواهد شد . سفیر فرانسه روزانه دسته های گل سرخ برای سلا وستری می فرستاد اما این زن ازینکار سفیر مملکتش زیاد راضی نبود زیرا او معتقد بود که دسته های گل چه کمکی میتوانست برای او بکنند بعد هایکی از جاسوسان تشتات سلا وستری را در محل دیگری می برند و رسیدن ژور نالیستان -
فرانسوی بدان محل باز هم این -
امید واری را برای زن باستان شناس تولید کرد که از اسارت نجات خواهد یافت.

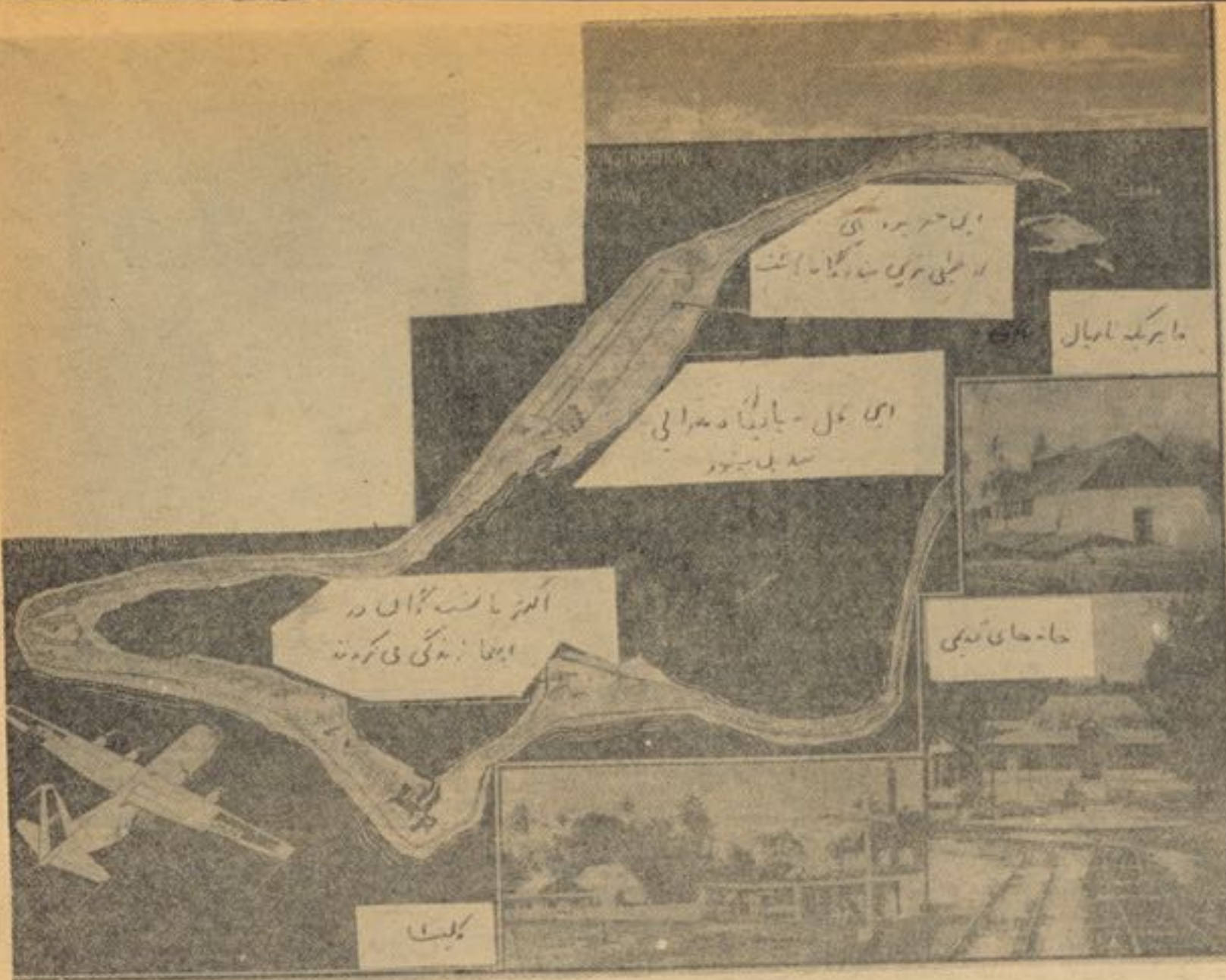
سلا وستری بسیار آرزو داشت بخانه اش برگردد جایی که شوهرش و فرزندانش انتظارش را دارند -
آخر اویس از سال ۱۹۷۳ نه توانسته فامیلش را ببیند . -
مخصوصاً پس از رها یی دکتور استفان و ماریس گو مبی) تاثر این باستان شناس عمیقتر و رقتبارتر گردید، سلا وستری فکر میکرد



باستان شناسی فرانسوی در سنگلاخهای تیبستی .

در پایان ماه جولای ۱۹۷۵ بازهم مباحثه تازه ای در ینمورد صورت گرفت و پافشاری های (استفان هنسل) نماینده فرانسوی جایی را گرفته نتوانست و حکومت تشتات دنباله مباحثه را قطع کرد.
ماه اگوست روبه اتمام بود و فرانسویز سلا وستری هنوز هم در جنگال سیا هیوستان اسیر بود، درائتای عزیمت ژور نالیستان به سوی فرانسه سلا وستری گریه را راه انداخت اما متاسفانه هیچ کس حاضر نشد برای زنی که (۱۶) ماه تمام رنج فراوان کشیده بود دوا ی خواب ابدی بدهد .

جزیره‌های که آن‌را بریتانیا فروخت



در اینجا موقعیت عالی جزیره نشان داده شده است

(این جزیره یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های کره ماه می باشد.)

طی سال‌های ۱۷۸۰ یک کمیته فرانسوی شروع به بهره‌کشی از روغن ناربال و مردمان آن‌که شامل بردگان می‌شد. و تعدادشان به ۲۷۵ نفر می‌رسید، نمود.

باشکست ناپلیون، جزیره دیگورگاریسیا از دست فرانسویان به انگلیس‌ها رسید و مانند بسیاری مستعمرات فرانسوی در بحر هند تاکنون ارتباطات قوی فرانسوی را حفظ کرده است.

در این سرزمین صنعت کوپرا (ناریس ل خشک) با آزادی بردگان و تبدیل شدن انسان به کارگران (قراردادی) شفایی، رونق یافت و شیوه زندگی مردم آن تا اندازه‌ای تغییر کرد. با گذشت قرن، دیگورگاریسیا دارای سه کارخانه ناربال خشک‌گردیده و محلی برای زغال‌گیری گشتی‌های شده‌که روانه استرالیا می‌گردیدند، بحساب آمد. در این جزیره یک کلیسا، یک شفاخانه، یک زندان، خط آهن کوچک، برخی خانه‌های فرانسوی ساخت بسمیان آمد و نفوسش به ۵۰۰ نفر رسید.

آن‌نیکه با (قرار داد نوشته شده) به کمیته‌های کوپرا پیوند یافته بودند به اقلیت بوده و بیش از سه ربع نفوس، خود را باشندگان دایمی می‌انگاشتند.

با آغاز سال ۱۸۷۰ باشندگان جزیره کلبه

دولار بدست آورده باشند ولی این مطالب هم اکنون روشن است که:

- ۱- باشندگان جزیره که به مورتیوس و جزیره همانندی در بحر هند. انتقال داده شده زندگی بدی را می‌گذرانند. این هائوز غرامت خانه و زندگی شان را بدست نیاورده‌اند.
- ۲- با وجود اظهارات‌ها بیکه در مورد استفاده مشترکی از جزیره داده شده است اکنون معلوم گردیده که جزیره کاملاً دودسته تقدیم ایالات متحده گردیده است.
- ۳- حتی هنگامیکه صدای مخالفت علیه ساختمان این پایگاه در واشنگتن بلند شد

هر دو حزب کارگر و محافظه کار خاموشانه به ایالات متحده اجازه دادند که پایه‌های خود را بر آن جزیره محکم کند.

دیگورگاریسیا از همان آوان کشفش، توسط پرتگالیان در قرن شانزدهم، رویا هر بچه مکتبی را برمی‌گرد که از این محل دور افتاده دیدن نماید. رشته‌ای از خاک‌کره‌مانندی که متشکل از صخره‌های آبگیر، ریگستان درخشان و درختان ناربال می‌باشد دریاچه‌ای را که ۱۴ مایل درازی و ۴ مایل بر دارد به‌آغوش گرفته و بسیاری دریانوردان آن را یکی از بهترین لنگرگاه‌های طبیعی دنیا می‌دانند.

نمای عمومی این جزیره را می‌سازد. جمعی هارس بورگ یکی از دریانوردان انگلیسی که کشتی‌اش در سال ۱۷۸۶ در این جزیره دستخوش توفان بحری گردید نوشت که:

جزیره کوچک به آرامی کار می‌کردند و زندگی می‌نمودند تا اینکه حکومت انگلیس در مذاکره مخفی بی‌باایالات متحده سعی نمود از این منطقه آرامش بخش، بحیث مجتمع بسزرگ دفاعی بحر هند استفاده کند. در یک مرحله پس از دوران امپراتوری انگلستان این جزیره را خرید و حالا آنرا بنام یک سرزمین (غیرمسکون) به قوای نظامی ایالات متحده سپرد.

اینکه انگلستان از این خرید و فروش سودی بجیب زده. تا حال روشن نیست. ما لیس دهندگان انگلیس برای خرید آن چار میلیون پوند پرداختند و ممکن با کمی تفاوت از آن

* چگونه یک معامله آرام و خموش به یک تعهد بزرگ مبدل شد.

* انگلستان این جزیره را خرید، خود را از دست مردمش رهانید و آن را با سود کوچکی به قوای بحری امریکا هدیه داد.

فصله دیگو گاریسیا که آن را در این صفحه‌های خوانید آمیزه‌ای از تراژیدی یک جزیره دورافتاده، جنگ قدرت‌های بزرگ و اهمیت ندادن به احساس بشری است. در اینجا بیش از هزار همسپری انگلیس بروی سه



موقعیت جزیره دیگورگاریسیا

های خصوصی خود را برپا داشته و از محل های مسکونی که کمپنی برایتان داده بسو د خارج شدند .

هنگام جنگ عمومی دوم دیگوبیچیت پایگاه کشتی های سریع و رادیوی بحری مبدل شد. دوکشتی تندرو که در توفان بحری سال ۱۹۴۴ در هم کوبیده شدند هنوز آثار آنها در جنگل این جزیره وجود دارد. روبرت سگات که با گروه چاکوس در سال ۱۹۵۰ به جزیره سفر کرد گزارش داد که در دامنه شرقی جزیره نیز دهکاه های کوچکی بوجود آمده است. اومی نویسد : (دفاعه شرقی شباهت زیاد به دهکده های ساحلی فرانسه دارد) او همچنان نوشت (رنگ روشنی از سنن کهن که با کلیسا ارتباط دارد دیده می شود ... در دهکده ها گدام های سید، فابریکه ها و کارگاه ها دیده میشود که در اطراف زمین هاسر سبز تمبه شده اند .)

همچنان اواز استقبال گرم اهالی و اینکه مانند انگلیس ها به پیشو از مردم با بوق می روند، چیزهای نوشت .

باشندگان جزیره صاحب کشتی های شخصی، وسایل ماهیگیری ، باغ های سرسبز و گله حیوانات بوده و در جامعه مشترکی زندگی می کردند که بگفته سگات (ریشه های

آن درهم کوبیده شده و جامعه ای که مناسب به شرایط جزیره است رشد کرده است .) در آغاز سال های شصت صنعت کوپرا با کشف گوا (کودی که از فسله مرغ دریایی یا زماهی می سازند و همراه با فوسفات برای کود کیمیاوی بکار می رود ۴۰) رونق بیشتری یافت و این ماده به بیرون صادر گردید . با جنبشی که برای استقلال این جزایر در موریوس بحیت مرکز آن صورت گرفت ممکن این جزیره روزی یکی از جالب ترین جاسای برای سیاحان می بود ولی این کار صورت نگرفت .

مجموع الجزایر چاکوس به آرامی به منطقه استراتژیک دفاع غرب در اواخر سال ۵۰ بدل شد. از آن پس متخصصان نظامی امریکا به ضرورت داشتن وسایل مخابراتی در بحر هند آگاهی یافتند . زیرا از اربتر بای جبهه تا فلیپین چنین وسایلی در دسترس نبود. و هر دو کشور امریکا و انگلستان از مو قعیست جغرافیایی و طبیعی مناسب دریاچه دیگوگاریا آگاهی داشتند.

و عده به هند :

تقریباً سال های ۱۹۶۳-۱۹۶۴ بیسن دو حکومت انگلستان و ایالات متحده روی سر نوشت آینده جزایر واقع بحر هند مذاکره آغاز شد

و آنان با خروج انگلستان از عدن متوجه شدند که پایگاه دیگری برای سوخت گیری به طیاره های نظامی که از جزیره گان بسوی سنگاپور پرواز می کنند ضرورت است .

این کار صدای اعتراض هند را بلند کرد ولی حکومت انگلستان وعده داد که نه پسه خودش و نه هیچ کشور دیگر اجازه میدهد که يك (پایگاه بحری در بحر هند) برپا دارد . و ویلسن بارها گفت که حاضر نیست پایگاه نظامی بی رابرمردمان اصلی جزایر تحمیل کند .

ولی این اطمینان هادر عمل به سراب مبدل شد. انتونی گرینود وزیر امور مستعمرات بتاريخ اپریل ۱۹۶۵ سفری به موریوس نمود تا روی مساله استقلال برخی جزایر مذاکره کند. در نتیجه برخی از جزایر کوچکتر بشمول گروه جزایر چاکوس همچنان مستمره ماند و بنام ساحه خاک بریتانوی بحر هند نام گذاری شد .

حکومت انگلستان برای جزایر سیشل و موریوس مبلغ ۳ میلیون پوند دوازده خرید برخی جزایر پرداخت .

اکنون انتونی گرینود استدلال می کند که او در آن زمان فکر کرده ساکنین جزایر (گروه کوچکی از ماهیگیران و شکارچیان اند .)

بهر ترتیب ساکنان جزیره باید کوچانده شوند زیرا انگلستان وبخصوص ایالات متحده برای امنیتش به آن جزایر ضرورت دارند . باشندگان ناراض و همسایگان عاصی مورد غضب پایگاه های خارجی ایالات متحده قرار گرفتند .

انگلستان به ایالات متحده گفت: که باید کمپنی ها و (کارگران قراردادی) خریده شوند. به این ترتیب کمپنی چاکوس ، اکالیکاوشرکا مبلغ يك میلیون پوند دوازده ترک جزایر بدست آورد .

این منطق توسط اعلامیه ای بتاريخ ۴ می ۱۹۶۶ مبنی بر اینکه حکومت انگلستان میخواهد که جزایر ساحه خاک بریتانوی بحر هند را (بی نفوس) بسازد، ارائه شد. در همان موقع موافقت نامه ای بین لارڈ چالانت از وزارت خارجه انگلستان و داوید بروس سفیر ایالات متحده امضا شد که در نتیجه آن جزیره دیگوگاریا می تواند برای (مقاصد نظامی تا مدت پنجاه سال استفاده شود .)

در همان موقع نه ایالات متحده و نه حکومت انگلستان قدرت آت را داشتند که تشریح کند که چه ضرورت است که جزایر غیر مسکون لطف اورد بزنید



تا این اواخر ، ساکنان جزیره زندگی آرام و بی درد سر داشتند .



به اوکینا وای دیگری مبدل کنند .
 در این جریان ، بحری که سیاستمداران
 امریکایی به سمول دانیال مویشیان نماینده
 آن کشور در مو سسه ملل متحد، آترامپترین
 جای برای حفظ منافع امریکا خوانده اند .
 اکنون به نقطه داغ برخورد بین غرب و شرق
 مبدل شده است .

در واشنگتن صاحب منصبان پنتاگون در
 استدلال خود از پشتیبانی حکومتات کارگر و
 محافظه کار انگلستان حرف زدند .
 در سال ۱۹۶۶ که قرار داد امضا شد امریکا
 مصروف جنگ ویتنام بود، ولی در سال ۱۹۶۷
 دانشمندان نظامی امریکا و انگلستان جزیره را
 سروری کردند .

ادمیرال جان مک سین این جزیره را (مالتای
 بحرهند) خواند .
 اتحاد شوروی فرستادن قهر مصنوعی زونده
 بر منطقه نظارت را آغاز کرد. طی سال های
 ۱۹۶۸-۶۹ تعداد گشتی های جنگی از ۵۲۹
 به ۱۱۳۸ افزایش یافت .

بعد از پیروزی محافظه کاران در انتخابات
 سال ۱۹۷۰ ادمیرال الموزوسوالت قوماندان
 قوای بحری ایالات متحده به سرالک دوکلاس
 سوم پیام تبریکی فرستاد و خواهان همکاری
 بیشتر گردید . به این ترتیب در دسامبر
 همانسال موافقت نامه ای برای استفاده مشترک
 از امکانات (مخابراتی) امضا شد .

به این ترتیب جزیره از یک مرکز مخابراتی
 طول موج کوتاه به سیستم مخابرات بحری
 امیکا که بوسیله آن زیر دریایی های ذروی

در ماه مارچ همان سال امریکاییان آمدند .
 ایشان به مردمان کوچک ، شیرینی و بیرو میدادند
 و تغذیه توسط دوگشتی آغاز شد .

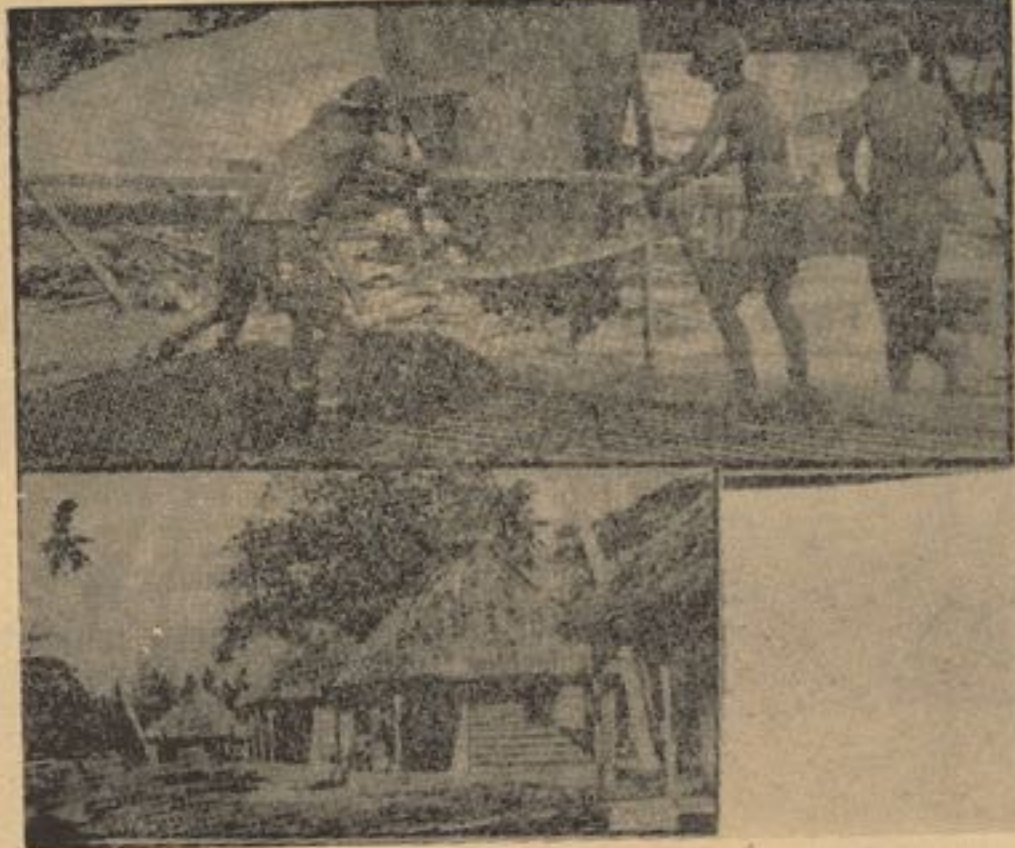
دراول اهالی اجازه داشتند تا برخی اموال
 را با خود ببرند و به ۳۵ نفر آخر فقط اجازه بردن
 بارویستره داده و حیوا ناتیکه شدیداً به آنها
 علاقه داشتند باقی ماند .

و تیکه با ۵۰ نفر اهالی جزیره در موریتوس
 صحبت شد زنان گفتند بخاطری ما آرامش جزیره
 را ترک کردند که چاره دیگر نداشتند و از
 طرفی به آنها گفته شده بود که در موریتوس
 زمین و پول برایتان داده میشود .

یکی از اهالی قصه می کند که : (هنگامیکه
 به جزیره سیسل پیاده شدیم پاول موسنی
 که امور دادن خانه و زمین را برای ما به عهده
 داشت هر لحظه خود را تیر می کرد تا اینکه ما
 را به زندان سپر بردند و در آنجا شب
 خوابیدیم) .

آخرین دسته بسال ۱۹۷۳ وارد موریتوس
 می شدند با آگاهی از اینکه نه پولی نه زمینی
 به انتظار شان است از گشتی پیاده نمیشدند
 تا اینکه حملان بندر حاضر شدند آنان را بخانه
 هایشان جای بدهند. تاکنون از پول و زمین
 خبری نیست . مقامات موریتوس ملامتی را به
 گردن توفان بحری ماه فیوروری که ۹۰ هزار نفر
 را بی خانمان کرد، می اندازند .

خانه های سابق جزیره دیگوارسیا توسط
 امریکاییان از یک (محل سکونت همگانی) یک
 منطقه خشک نظامی مبدل شده است . طی
 نه سال اخیر امریکاییان به صورت مخفی طرح
 نموده اند که چگونه این جزیره را از هر لحاظ



ساخته شود در حالیکه از آن حافظه به مقاصد
 (مخابراتی) استفاده میشود و یا اینکه چراکپنی
 های کوپراسازی مسدود شوند .

این مساله هنوز در برده اسرار مانده که
 واقعا حکومت انگلستان و مالیه دهندگان آن
 چه اندازه پول در برابر پیشکش این جزیره
 (غیرمسکون) به ایالات متحده که آن را یکی
 از بزرگترین پایگاه هایش مبدل کند، بدست
 آورده اند. برای بدست آوردن این جزیره
 حکومت انگلستان چار میلیون پوند (بسرای
 جزایر موریتوس، سیسل و کمپنی های ناریال)
 پرداخت . در موافقت نامه چنین گفته میشود
 که هر دو کشوری توانند از این جزیره استفاده
 کنند و اندازه کار گرفت آن هم بسته بمقدار
 پرداخت پول می باشد در حالیکه ایالات متحده
 مجبوره پرداخت (کرایه) نیست .

با نهم درواشنگتن اشاء شده که ایالات
 متحده ۱۱۵ میلیون دالر در ازای ساختمان
 های سابق و کوچاندن اهالی این جزیره به
 انگلستان می پردازد .

این پول از جانب کانگرس تصویب نشد.
 زیرا گفته شده که این پول باید در عوض خرید
 تحقیقات راکت های پولاریس که انگلستان
 آن را بدست آورده مجرا شود . به این ترتیب
 انگلستان بدترین معامله را نموده است .

اکنون اداره گران مستعمرات انگلستان در
 جزایر سیسل به مشکل جای دادن امریکاییان
 مواجهه اند . اینان برای اخراج گارگسران
 هنگامیکه آنان به تفریح رفته بودند اجازه
 بازگشت ندارد و ۷۰۰ نفر تا پایان سال ۱۹۷۰
 از این جزایر اخراج شدند .

برای اینکه پای حکومت انگلستان کشیده
 نشود این کار را توسط روسای کمپنی های
 فعال در جزایر انجام دادند . و این کار را با
 کوچاندن اهالی دیگوارسیا به موریتوس که
 ۱۲۰۰ میل فاصله دارد انجام دادند .

موسینی صاحب کمپنی نار یال در جزیره
 می گوید :

(از لحظه ای که چشمم به این جزایر افتاد
 به آن علاقمند شدم. اینجابه بیشتر می ماند
 و هنگامیکه اهالی را گفتم که جزیره ترک کنند
 موجی از ناراضیاتی بر چهره های شان دوید .
 این هاینج نسل میشود که بر این جزیره زندگی
 می کنند به آن خو گرفته و مانند آن است که
 درختی را از ریشه بکنیم) .
 کار در فابریک سال ۱۹۷۱ متوقف شد .

در این چهره موج اندوه دیده می شود

می توانند با درستی بیشتر هدف را تعیین کنند.
 مبدل شد .

جنگ اخیر عرب و اسرائیل بیشتر امریکا
 را متوجه بحر هند نمود و جیمز شلیسینجروزیبر
 دفاع از کانگرس پول بیشتر خواست تا قدرت
 زیادت در بحر هند بدست آورد و برای اینکار
 خواست تا پایگاه دیگوارسیا وسعت بیشتری
 از لحاظ تسهیلات برای نشستن طیاره های
 بی ۵۲ بیابد . کانگرس در برابر ۲۹ میلیون
 دالر درخواستی پنتاگون اعتراض کرد. این
 کار برای یک سال به تعویق افتاد. پنتاگون
 به چال دیگری متوسل شد و عکس های را به
 کانگرس تقدیم کرد که نشان داد اتحاد شوروی
 دست به ساختمان پایگاه بزرگی در بندرگاه
 ببرا واقع سو مالیا زده است بالاخره بتاريخ
 ۲۸ جولای امسال پنتاگون قدرت مصارف را در
 جزیره یافت .

این کار رقابت بین شرق و غرب را در راه
 مسلح ساختن بحر هند تشدید کرده و به همین
 دلیل کشور های مربوط به بحر هند از یمن
 وضع ناراضی اند .

خطر عمده این است که پایگاه دیگوارسیا
 نه فقط مصارف زیاد را جذب می کند بلکه نقطه
 دائمی را برای برخورد دو قدرت بزرگ آماده
 می کند .

زنان و

دهه انکشاف

به مناسبت سال بین‌المللی زن

نوشته: راحله راسخ

به ارتباط گفته‌های که به ترتیب آمده است اهمیت و ارزش اجتماعی زن چنان بر ملا گردیده که هیچکس عملاً نمی‌تواند در مقابل حق مساوی زن بامرد در همه امور مخالفت ورزند جز عقب‌گرایان و کهنه پرستان. با اهمیت شایانیکه روز به روز به نفع زن در جامعه به چشم بسارز دیده می‌شود، سال بین‌المللی زن و دهه انکشاف از جمله اقدامات برگشت‌ناپذیری خواهد بود که در آینده بشریت مترقی در پرتو ایجاد جوامع فارغ از تناقضات اجتماعی به رفاه همگانی خواهند رسید زیرا ظلم و تعدیکه بر زنان روا داشته اند، مستقیماً در جامعه اثر داشته و لنگش اساسی که تا کنون در جهان دیده می‌شود از عدم توازن منشأ میگرد که سالها زن را در حصار و دور از اجتماع نگه داشته اند. بهر حال تصمیمات بین‌المللی و اقدامات پیهم‌درین راه گام به گام مبارزه زنان در راه ایجاد آرا می‌همگانی نوید بخش آینده باسعادت‌یست که امکان آن محتوم است.

چنانچه در سال ۱۹۶۶ بنابر جبر تاریخ و خواست زمان در کمیسیون موقف‌زن در ملل متحد درباره زنان دنیا و مقام اجتماعی آن‌ها غور و تعمق صورت گرفت و با پیشبینی یک دهه انکشاف برای زنان دنیا، تصویب سازمان ملل متحد در زمینه حاصل نمودند.

بنابراین تعقیب این فیصله نامه در سال ۱۹۷۲ در اثر پیشنهاد کمیسیون موقف‌زن در ملل متحد با احساس خطرانی که فقر و گرسنگی جمعیت کره ارض را تهدید می‌کند و با نقش همه جانبه که زنان در راه تنظیم خانواده دارند و با سهمگری در انکشاف ملل با نام حق مساوی به مردان در برابر قساوت و همچنین جانی‌داری فعال ایشان در تحکیم صلح جهانی سال ۱۹۷۵ بنام سال جهانی نقوس و سال ۱۹۷۵ بنام سال جهانی زن تصویب گردید.

البته متصل به آن دهه انکشاف به منظور ارتقای سوبه اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان و نقش بارز آنها در پیشرفت جوامع بشری، در ملل متحد پیشبینی گردیده است. و زنان سراسر جهان امیدوارند تا در جریان دهه انکشاف که از جنوری ۱۹۷۶ آغاز می‌گردد نوید بخش حل پروبلم‌های جادو مضمونی برای همه زنان مخصوصاً زنان آسیا، آفریقا و امریکا لاتین باشند.

نقاط جهان آهسته آهسته زنجیرهای تعصب و قیود را از هم بکنند و موقف خود را منحیت همسر، مادر، مربی، معلم رهنا و پرستاری و داکتر و غیره در اجتماع ثابت سازند و در راه ترقی و تعالی جهان بشریت گام‌های استواری بردارند و نقش خود را در بهسازی و نو سازی جوامع بشری مؤفقا نه و بیروز مندانه ایفاء نمایند. یقیناً تجلیل از موقف و مقام معنوی زن یکبار دیگر نیمه از بیکر اجتماع را به این امر خطیر ملتفت ساخته تا با دریافت راه‌های مؤثر و مفید برای بدست آوردن حقوق تلف شده خویش بر زمین تاتساوی حقوق زنان با مردان در برابر قانون با مضمون واقعی آن عملاً در جوامع تأمین گردد و همه نسل‌های بشر بدون تبعیض و امتیاز در پناه حیات مرفه و مسعود در پرتو تحکیم صلح جهانی زندگی نمایند و باید متذکر شد که زنان سراسر جهان با احساسات عمیق انسان‌ها و با روحیه‌شعارهای سترگ مساوات انکشاف و صلح کشور های جهان را با نظام‌های مختلف ایشان به هیچان آورده و توجه جدی جهان را به حقیقت نیروی واقعی انسان‌ها نسبی خویش، در اعمار جوامع بشری جلب نموده اند که بر سمیت شناختن هر چه بیشتر موقف اجتماعی زنان به حیث عضویت مساوی حقوق جامعه بشری اعتراف گردیده است.

سال بین‌المللی زن باشعاً رسه گانه آن (مساوات، صلح و انکشاف) تقریباً یکسال قبل آغاز گردید و اهمیت خاص آن از آنجا نمایان می‌گردد که یک جنبش جهانی در راه تقویت و ارتقای مقام زن از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صورت گرفته و به موقف و شان زن بسویه جهانی تسویه مبدول گردیده است.

گذشت زمان باوقایع و رویداد هایش گهی نقش و ارزش معنوی زن را بطور برجسته تبارز می‌دهد و گهی شخصیت اجتماعی و حقوقی او را در عقب برده‌های ابهام و تاریک مخفی می‌سازد اغلب زمان زنان در محکومیت و اسارت بسر بردند و کمتر فرصت آنرا یافتند تا برای بدست آوردن حقوق طبیعی خود مبارزه کنند و از حقوق حقه خویش استفاده نمایند.

اما جبر زمان با جنبش‌های دیموکراتیک زنان سبب شد تا در همه

وگوری، او هغه اقدامات چه داشتم. لکرو قوتونو له خوا ترسره شويدي، وڅيړي او هغه کارونه مطالعه کاندې چه د جگړې دودونو او قوانينو سره سم يې دغیر فوځي عناصرو دساتني په برخه کېنې بايد دهغوی له خوا تر سره شوی وای، ځکه وپړه نلری او څه شمی دپټولو لپاره ندی نوبیا هغوی ته دویزی له ورکولو څخه ډډه کول ځه معنی لری؟ خو پدی صورت سره داڅېره ددرک کولو وړنده .

دهغه رپوټ په دویم مخ کې چه ددهغه بین المللی سازمان له خوا خپور شوی دی هم دایه ډاگه شویده چه، «ددوی (ددموکراتو حقوق پوهانو دبین - المللی اتحادیې هیات) په مقابل کېنې چه داسرايیلو دحکومت له خوا کوم مضرمانه اقدامات ترسره شول وپي نشول کولی چه هغوی دحقوق پین- الدول دضد اعمالو له کتنې څخه لری وساتي. هغه اعمال چه بدغو نیولو شویو سیمو کېنې ترسره کیدل، د همدغی یانې په پای لیک کېنې لولو: «اته میاشتی وروسته داسرا ییلو حکومت هغه لیبرل شوی کمیسیون ته اجازه ورنکړه چه اشغالی سیمې وگوری چه ملگرو ملتو دامنیت شورا هلته د۱۹۶۸ کال دسپتامبر ۲۷ نیتی دتصمیم دترسره کولو لپساره هلته ورته.»

پدی برخه کېنې داهم دیا دو نی وړده چه داسرايیل یوځل بیا هم هغه مخصوص هیات ته اجازه ور نکړه چه اشغالی سیمو ته ولاړشی او هلته د اشغالی سیمو دغیر فوځي افرا دو وضعه وگوری. دغه هیات دسیلون سومالی، اویوگو سلاوی داستازویه شمول هلته ورلیبرل کیده. اسرا- ییلو په کلکه سره، عربی اشغال شویو سیمو ته ددغه هیات له ورتگ څخه مخنیوی وکړ.

که چیرې اسرا ییل داسی تصور اوسوچ کوی چه هر کله خپلی دروازی دبین المللی هیاتونو پر مخ وتړی او هغوی لدغه کار سره ددغو سیمو دکتنې څخه مخنیوی وکړی او پدی توگه قادرشی چه حقایق په یوه تیاره کنده اوڅاه کې وساتي یوا ځنسی نتیجه چه لدی کارڅخه اخستله کیرې داده چه اسرايیل دهغه زرک کیسه کوی چه خپل سر په واورو کې منوی چه څوک یی ونه وینی! ځکه دغه حقایق تر هغه څه ډیر ترخه دی چه څوک یی پټ وساتلی شی. لدی خبرې څخه انکار نشی کیدی چه صهیو نستانو وکولی شول چه دنیمی پیری لپاره

دغه حقایق پټ کاندې، یواځی پدی دلیل چه سیاسی چاری دیولر لوکس اوتجملی شیانو په څیر شمیرل کیدل چه په سالونو کېنې اینودل کیده. خواوس په وضعی کېنې زینت زیات بدلون راغلی دی. اوس سیاسی چاری یواځی دسیاستمدارانو او سیاسی مشرانو انحصاری حق اود تفریح وسیلی ندی. نن ورځ سیاسی مسایل دخلکو دبرگنو په ورځنیو مشغو لاوو باندي بدل شويدي .

که چیرې خلکو ددی پیری په ددی تیرو لسیزو کېنې پامڅکي تر هغو صهیو نستې حساب شوی دیپلوماسی اودجل اوټگي څخه ډکو پروېکیندو ته اجازه ورکړه چه هغوی تیربایسی، اوس اوس نور پدی پو هید لی چه یوڅه هم وو چه هغوی ترینه غافل یانې شويدي. ځکه چه وروسته تر شل کلو ددغو زاریو او ننواتو لدی گونکو سیمو څخه چه د «سوله ایزو اوسوله غوښتونکی» دولت، اوداسی دولت چه د تیری گونکو گاونډ یانو له خوا ورته گواښ کیرې او هغه اسرايیل ترستونی تیروی او «یهو- دیان سمندر ته ورتویوی» په باره کی ترسره شول، دادی نری دداسی بیونو دچاودنی سره له خوبه راپا- څیده چه نه داعرابو له خوا بلکه اسرايیلی الوتکو څخه راتویې کیرې اود عربی هیوادو او گاونډیانو دغیر پوځیانو لپاره مرگ او نیستی، له خانه سره منوغات راوړی .

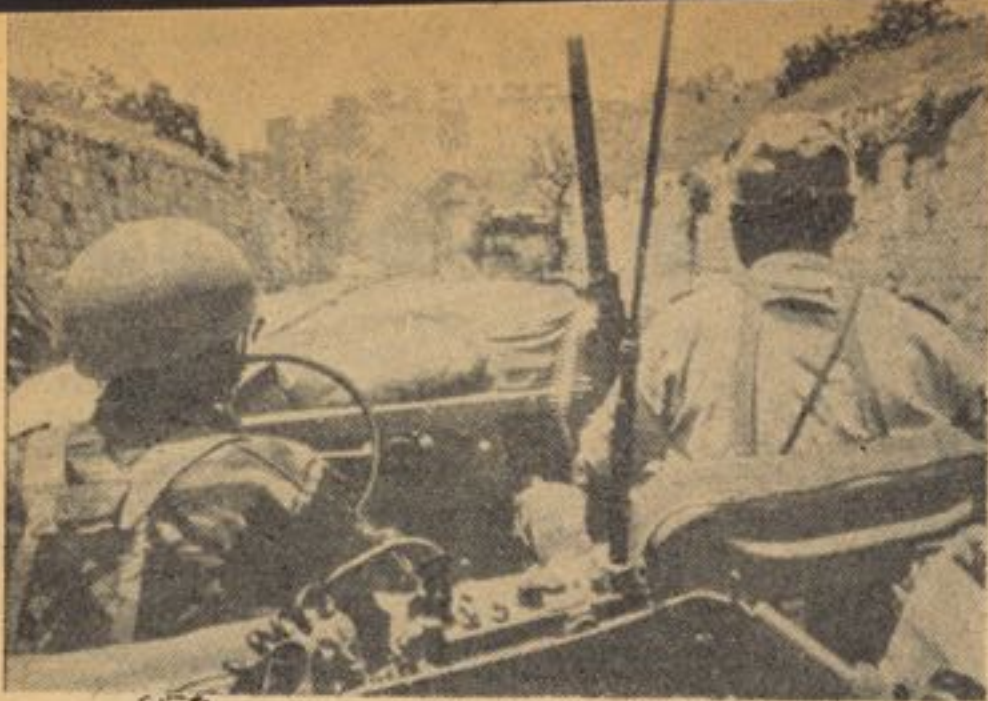
لومړی په کال ۱۹۵۶ او بیا په کال ۱۹۶۸ کې هغه هم په غیر قابل تصور توگه داسرايیلو «سوله غوښتونکی، پراختیا نه غوښتونکی او کوچنی» هیواد ډیرا ختیا له مخه دری واره زیات شويدي. داکاربنایې چه داسرا ییلو دامپراتوری دتحقیق موندلو په برخه کېنې ترسره شوی وی. هغه امپراتوری چه له ډیری اوږدی مودی راهیسی یی داسرا ییلو دجنگ وزیر موشه دایان خوب لیده، لکه څنکه چه هغه ۱۹۵۲ کال د فیروزی په ۱۲ نیټه په یوه راد یوی عربی تقریر کې وویل: «دا دخلکو وظیفه ده چه جگړی ته چمتو شی خو دغه وظیفه داسرايیلو په اردو پوری اړه لری چه هغه جگړه ترسره کړی چه وروستی هدف یی داسرا ییلو دامپرا- توری منځ ته راوستل دی ښکاره ده چه ددغو بیابیا تیریوانگیزه چه دلبنان په جنوب باندي کیرې همدغه خوب دی. سره لدی هم ورځ ترورځی لازیات شمیر نړیوال پدی باوری کیرې چه

دویمه برخه دالف، الف ژباړه

څو چه خس ټول کړو

یوه خوا پر پردواوهغه دواقعیتونو دنیا وڅیړو چه اسرايیل خپل ورځنی نقش پکښی لوبوی. او وگورو چه هغه دبشر دپرمختگ په برخه کېنې څنکه ونه اخلی. پدی هیله چه مور وکولی شو دعینی وضعی یوه عینی کتنه وکړی شو نو په هغو شاهدی گانو باندي تکیه کوو چه هغه ته په عربانو پوری اړه لری اونه په اسرا- ییلیانو پوری. اودا کار یوی کوچنی ډلی کړی پدی چه هغه پر پر دیوال مات کاندې چه اسرا ییلیانو له خپله خانه چاپیر کړی دی. اولدغه دیوال څخه ورپوری ننوځی او واقعیتونه دسربه سترگو وگوری. لدغی ډلی څخه یو هم ښاغلی مایکل آدامس دی چه د لندن دتایمز خبر یال بلل کیرې. له بلی خوا ددمو کراتو حقوق پوهانو بین المللی اتحادیې دتصمیم ونیوچه پوهیات چه پکښی ښاغلو ژول چم دبروکسل دوکیلانو داتحادیې حقوقی مشاور او فرا نسیسکو فابری د ایتالیی دنابل دپو هنتون دبین المللی حقوقو دکرسی اسپتانت هم شامل وود عربی نیول شویو سیمو دننه ولیرې څو چه له هغه ځای څخه یو کره او سم رپوټ برابر کاندې او په عربی نیول شویو سیمو کې د عربانو یوه پر پردواوهغه دواقعیتونو دوضعی په باب عینی څیړنی وکړی. نوموړی هیات چه اسرا ییلو مقاماتو هغوی ته دعربی نیول شویو سیمو دکتنې اجازه ور نکړه مجبور اوارشو چه خپله څیړنه په اردن اود مصر په عربی جمهوریت کې دکه والو اوآواره گانو له کمپونو څخه ییل کاندې. دغه کتنی د۱۹۶۸ کال دجنوری له دیرشمی نیتی څخه د همدغه کال دفیروزی دمباشتی تر لسمه پوری سر ته ورسیدلی. خو سره لدی هم ددموکراتو حقوق پوهانو بین المللی اتحادیې، خپل هیات ته داسرايیلی مقاماتو له خوا په اجازی نه ورکولو باندي ۱۹۶۸ کال دجنوری په دیرشمی نیتی څپاره شوی رسمی پروتست کې اعتراض وکړ. په نوموړی رسمی اعلامیې کېنې ویل کیری:

«ددموکراتو حقوق پوهانو بین- المللی اتحادیه، ددغی اتحاد یی لیبرل شوی هیات ته داسرايیلی مقاماتو له خوا په اجازی نه ورکولو او لدغه کار څخه په ډډه کولو باندي اعتراض کوی. ځکه که داسرايیلی مقامات اشغالی سیمو ته ددغی اتحاد یی هیات له ورتگ څخه چه غواړی په دغو سیمو کېنې داآواره گانو کمپونه



اسرائیل همدو بدعی لری خا وری بانندی قناعت نکوی چه تر اوسه یوری بی نیولی ده. دغه خاوره اسرا بیلو به هغی سیمی کبسی نیولی ده چه دعربی پراخو سیمو به منخ کبسی پرته ده. طبعی ده چه دغه خاوره اسراییلو له دری ملیونه جمعیت، اوله دا یسی کسر بودجی او ویجاړ فوخی حالت سره نشوه نیولی. نو بدی اساس نشی ویل کیدی چه دا کار بی یواخی پخبله کړی دی. نو بدی اساس ښکاره ده چه به یوه بل قوت بانندی تکیه دی اودا خبره دلمر به شان روښانه ده چه دغه قوت پرته له امیریا لیزم چه د امریکې د متحدو ایالاتو په مشری لکیادی دا کار کوی بل چه نشی کیدی چه روښانه هدفی دادی چه بدی سیمه کبسی یوه کلکه او یخه اده ولری. دا هغه واقعیت دی چه بیابیا او اسراییلو ته د امریکې اولویدیخو هیوادو د بیلابیلو مرستو سره تایید شویدی.

خو چه لږ خس ټول کړو

ښاغلی مایکل آدامس به خپلسی یوی مقالې کی چه عنوان یی دی، «زیته بیت توبه، یالو اود اسرا بیلیانو به وسیله د سپیخلی خمکی خخه دهغو د نشت کیدو څرنکوالی» اود ۱۹۶۸ کال د جون په ۱۶ نېټه د سنوی ټایمز په ورځپاڼی کبسی خیره شویده هغه وحشیانه فاشیستی اقدامات چه په عربی نیولو شو یو خاورو کبسی د اسراییلی پرغلگرو قوتونو له خواتر سره شویدی څرگندوی او وایی، «خو ورځی دمخه زه یوه ملگری د فلسطینی کلی زیته دکتلو لپاره دخانه سره بوتلم. لدی کبله چه په لاره بانندی بلدنه وونو له اورشلیم خخه به وتلو کبسی دیوی نقشی داخیستلو لپاره تم شولو. یواخی نقشه چه ما وکولی شول پیدا کړم هغه نقشه وه چه د زیارت کونکو لپاره له «سپیخلی وطن» خخه تهیه او برابره شوی وه. بدی نقشه کبسی یولې و سوسه کونکی اطلاعات و چه د سپیخلی وطن به باب به سپیخلو کتابونو کی راغلی دی. او دی د ۱۹۴۹ کال د اوربند موا ققت

لیک یو د وفاکتو بوله منخ ته راوستله او بدی وسیلی سره یی دزیته دعربی کلی کلیوال له خپلو کړوندو خخه چه هلته یی کرکیله کوله بیل کړل. هغه خخه چه دوی یی لار ورکی کړل داوچه دهغوی کړوندی او خمکی د اسراییل د دولت برخه شوی اود هغوی کلی به اردن کبسی پاتی شو.

هغوی چاره وکړه. کلیوال بدی یوه شول چه باید ژوند بیرته پیل

کړی. هغوی د کلی به ختیخ سیمه کی دبری اولوئی ټولی کړی اود هغو خمکو به خای یی چه له لاسه ور کړی وی به هغو کبسی یی به کر کیلسی لاس پوری کړ. او به راتلو نکو کلو کبسی یی نسبتا ښه کار هم وکړ. او بیا ۱۹۶۷ کال را ورسید.

دهمغه کال دجون به نهمه یعنی

د ۱۹۶۷ کال دجگری به پنځمه ورځ اسراییلی یونپونه دغه کلی ته راغلل البته جگری نه وه. خو اسرا بیلیانو خو هاوانه بدی کلی بانندی فیر کړل چه وروسته تر هغه تسلیمیدل یو هرو مرو کاروه!

دوه ورځی ویری او وحشت به کلی بانندی و زرو نه خپاره کړی وو. په کلی بانندی د مارشلا مقررات جلیدل او هیخ بیښه دلانندی شوی قوت او بانندی شوی فوخی تر منخ ونشوه.

د دویمی ورځی به ماښام، یعنی د جون په یوو لسمه نېټه اسرا بیلی بولندوی (قوماندان) دزیته د کلی د ملک کره ورغی او هغه یی وپوښته چه خه شکایت پاغوبښتنه لری که نه؟ دزیته د کلی ملک چه «مختار» نومیده هغه وویل چه خه خبره نلری خو که امکان ولری د مارشلا او فوخی حکومت د مقرراتو وخت دی لږ خه کم شی خو چه کلیوال او بزرگان وکولی شی د

نوریا.



در راه طوفانی



کورت وومیکوت نویسنده داستان

(کورت وومیکوت) نویسنده آمریکایی آثار کوناگونی دارد. این نویسنده به خاطر حمله هایش بر پهلوی های ضعیف اخلاقی و پرزندگان معاصر اصلاح متعده، در میان جوانان خوب پذیرفته شده است. از رومانهای معروف این نویسنده (گهواره گربه) و (خداوند شما را خیر بدهد) را میتوان نام برد. داستان کوتاهی که درین صفحه میخوانید، مانند بسیاری از نوشته های دیگر این نویسنده طنز و تمسخری درخود نیفته دارد.

آنسو در همسایگی همدگر، در گوشه یسی از یک شهر، بزرگ شدند. خانه های شان نزدیک کشتزار ها، جنگلها و باغها واقع بود و از آنجا منظره دلنشین برجی که زنگی داشت، دیده میشد. این برج به یک مدرسه خاص نابینایان متعلق بود.

حالا هر دوی شان بیست سال داشتند و برای تقریباً یک سال همدگر رانندگی بودند. روابط شان همواره گرم، صمیمانه و توأم با شوخی بود، اما هرگز باهم سخنی از عشق نگفته بودند.

پسر نامش (نوت) بود و دختر (کاترین) نام داشت. یکروز در اول بعد از ظهر، (نوت) دروازه خانه (کاترین) را به صدا درآورد.

(کاترین) در دروازه آمد. مجله بزرگ و جلا داری را به دست داشت. مجله سراسر به مسایل عروسان تخصیص داده شده بود.

(کاترین) گفت: - (نوت)!

از دیدن پسر شگفتی زده بود.

پسر گفت: - می آیی کمی قدم بزنیم؟

پسر خجالتی بود، حتی در برابر (کاترین) برای اینکه خجالتش را پنهان کند، چنان صحبت میکرد انگار که ذهنش به جای دیگری باشد. این شیوه همیشه کم زدن او بود. حتی در مواردی که امیدی نداشت.

(کاترین) گفت: - قدم بزنیم؟

- (نوت) گفت: - ها، گامی به جلو بر میداریم. بعد هم گامی دیگر.... روی برگها و بالای پلها ...

دختر گفت: - نمیدانستم نودر شهر هستی.

پسر گفت: - همین حالا وارد شهر شدم.

دختر پرسید: - هنوز هم در دوران عسکری هستی؟

پسر جواب داد: - تا هفت ماه دیگر خلاص میشوم.

(نوت) خدمت عسکری رادر قوای توپچی صفحه ۳۶

سیری میکرد. یونیفورمش چمک شده بود. بوتهایش پراز گردوخاک بود. ریشش تراشیده بود. دستش را به سوی مجله دراز کرد: - بگذار این کتاب زیبارا ببینم.

دختر مجله را به او داد و گفت: - من به زودی عروسی میکنم.

پسر گفت: - میدانم، بیایم قدم بزنیم.

دختر گفت: - من سخت مصروف هستم. آخر تایم هفته دیگر ازدواج میکنم.

پسر گفت: - اگر با من به قدم زدن بیایی، زیباتر میشوی. عروس زیبایی میشوی. صفحات مجله را ورق زد و عکسهای را به دختر نشان داد:

- مثل این یکی ... مثل این یکی

دختر به یاد عروسهای زیبا استاد. چهره اش گلگون شد.

پسر گفت: - زیبا ساختن توهیدیه من به (هنری استیوارت چلیستی) خواهد بود. وقتی ترابه قدم زدن ببرم، به او عروس خوشگلی خواهم داد.

دختر پرسید: - تونا م او را میدانی؟

پسر جواب داد: - ها، مادرم بهم نوشت. از (پتسبورگ) است. اینطور نیست؟

دختر گفت: - درست است. از او خوشتر خواهد آمد.

پسر گفت: - شاید.

دختر پرسید: - به عروسی ما می آیی؟

پسر جواب داد: - فکر نمیکنم.

دختر پرسید: - از (فورت براگ)؟

پسر گفت: - برای اینکه رخصتی کافی نیست؟

- منظورت کارولینای شمالیست؟

پسر گفت: - درست است. نزدیک (فیت ویسل). همانجاییکه (اسکارلیت اوهارا) مدرسه میرفت دختر پرسید:

- به چه وسیله می اینجا آمدی؟

پسر دست وانگشتهايش را حرکت داد و به دختر فهماند که از موترها خواهش کرده است وی را بر دارند و گفت:

- دوروز رادر بر گرفت.

دختر پرسید: - مادرت خبر دارد؟

پسر جواب داد: - من برای دیدن مادرم نیامده ام.

دختر پرسید: - برای دیدن چه کسی آمده ای؟

پسر جواب داد: - برای دیدن تو.

دختر گفت: - چرا برای دیدن من؟

پسر گفت: - برای اینکه دوست دارم ... حال میتوانم قدم زدن برویم؟ گامی به جلو بر میداریم. بعد هم گامی دیگر روی برگها و بالای پلها

حالا مشغول قدم زدن بودند. در جنگلی که با برگهای قهوه ای رنگ پوشیده شده بود. (کاترین) گهر بود و میخواست گریه را سر بدهد. گفت:

- (نوت)، این دیگر دیوانگیست.

(نوت) گفت: - چرا؟

دختر گفت: - وقت بدی را برای اظهار عشق انتخاب کرده ای. پیش ازین هرگز چنین سخنی نژده بودی.

(کاترین) ایستاد.

پسر گفت: - بیایم بزنیم.

دختر گفت: - نی، همین قدر بس است. من اصلاً نباید با تو می آمدم.

پسر گفت: - ولی آمدی.

دختر گفت: - برای این آمدم که ترا از خانه دور کرده باشم. اگر در آن لحظه کسی ترا میدید که یک هفته پیش از عروسی من با چنان وضعی با من صحبت میکنی

پسر گفت: - خوب، چه فکر میکرد؟

دختر جواب داد: - فکر میکرد که تودیهوانه شده ای.

پسر سوال کرد: - چرا؟

پسر که اعلان انشای نقره ای رادر مجله میخواند، گفت:

- رخصتی؟ من رخصتی ندارم.

دختر گفت: - چرا؟

پسر گفت: - من فرار کرده ام.

دختر گفت: - نی، اینطور نیست.

پسر در حالی که هنوز مجله را مینگریست، گفت:

- راست میگویم.

دختر پرسید: - چرا فرار کرده ای؟

پسر گفت: - باید دریابم که نمونه نقره کاری مورد نظرتو کدام است.

بعد، نامهای نمونه هارا از روی مجله خواند:

- الهانه، خارزار، گل پرورنده؟

سرس را بلند کرد و تبسمی در لبهايش دويد:

- در نظر دارم برای شوهرت يك قاشق نقره هدیه بدهم.

دختر گفت: - بگو، تو واقعا

پسر گفت: - میخوام بروم قدم زدن ..

دختر دستهایش را بهم فشرد و با علاقه خواهرانه گفت:

- تودرباره فرار کردنت دروغ میگویی.

پسر ابروهایش را بالا برد و مانند یاسبان ها شلاق زد.

دختر پرسید: - تو از کجا فرار کرده ای؟

پسر جواب داد: - از (فورت براگ).

دختر گفت: -

(کاترین) نفس عمیقی کشید و جواب داد :
 - بگذار بگویم که ازین کار دیوانه وار
 بسیار ممنوم . نمیتوانم قبول کنم که تو
 فرار کرده ای . شاید هم کرده باشی .
 نمیتوانم باور کنم که تو واقعاً مرا دوست
 داری . شاید هم داشته باشی . ولی ...
 (نوت) گفت :
 - دوست دارم .
 (کاترین) گفت :
 - بسیار ممنوم . من به حیت یک دوست
 خیلی علاقه مند هستم . خیلی زیاد علاقه مند
 هستم . ولی دیگر خیلی دیر شده است .
 گامی از (نوت) دور شد و ادامه داد :
 - توحی مرا نبوسیده ای .
 بعد ، دستپایش را به عنوان دفاع حرکت
 داد :

- منظورم این نیست که حالاً این کار را بکنی .
 فقط منظورم این است که همه چیز برای من
 غیر منتظره است . کوچکترین تصویری ندارم
 که چگونه جوابی بدهم .

(نوت) گفت :
 - کمی بیشتر قدم بزنیم ولت ببریم .
 دوباره به قدم زدن پرداختند . دختر گفت :
 - ازمن انتظار چه عکس العملی راداشتی ؟
 پسر جواب داد :

- چطور میتوانستم عکس العملی را پیش
 بینی کنم ؟ پیش ازین هرگز چنین کاری
 نکرده بودم .
 دختر پرسید :

- فکر میکردی خودم را در آغوش بیندازم ؟
 پسر جواب داد :
 - شاید .
 دختر گفت :

- متاسفم که نومیدت میسازم .
 پسر گفت :
 - من نومید نیستم . من انتظار زیادی
 نداشتم . همین خیلی خوب است که آدم قدم
 بزند .

(کاترین) بار دیگر ایستاد :
 - میدانی پس ازین چه واقع خواهد شد ؟
 (نوت) جواب داد :
 - نه .
 دختر گفت :

- مادست میدهیم و مثل دونار فیک از هم
 جدا میشویم . مرحله بعدی همین است .
 پسر سرش را تکان داد :
 - خیلی خوب ! گاه گاهی مرا به یاد باور .
 به یاد باور که چقدر دوست داشتم .

(کاترین) بی اختیار به گریه درآمد . رویش
 راز (نوت) گشتانده و به ردیف بی انتهای
 درختهای جنگل خیره شد . (نوت) پرسید :
 - منظورت ازین کار چیست ؟
 (کاترین) جواب داد :

- خشم !
 بعد دستپایش را تکان داد و گفت :

- توحی نداری ...
 پسر گفت :
 - من میخواستم بفهمم که
 دختر گفت :
 - که دوست دارم ! من پیش ازین هم
 میتوانستم این مطلب را بگویم .

- میگفتی ؟
 دختر جواب داد :
 - ها .
 - به سوی پسر نگریست . چهره اش
 سرخ میزد . گفت :

- تومیتوانستی این مطلب را بفهمی .
 پسر گفت :
 - چطور ؟
 دختر گفت :

- تومیتوانستی بفهمی . زنها این نکته را
 پنهان کرده نمیتوانند .

(نوت) از نزدیک چهره (کاترین) را نگریست .
 از اشفتگی چهره او فهمید که زنها پرستی هم
 عشق شان را پنهان کرده نمیتوانند . حالا در
 سیمای دختر عشق را میخواند . بعد ، کاری را
 کرد که باید میکرد . دختر را بوسید .

وقتی (نوت) (کاترین) را گذاشت برود ،
 دختر گفت :
 - تو کار های احمقانه ای میکنی .
 پسر گفت :

- راست میگوئی ؟
 دختر گفت :
 - تونباید این کار را میکردی .
 پسر سوال کرد :

- توخواست نیامد ؟
 دختر گفت :
 - توجه انتظار داشتی ؟ یک اشتیاق

عوسناک ؟
 پسر گفت :
 - میخواهم بهت بگویم که هرگز نمیدانم
 بعد چه واقع خواهد شد .
 دختر گفت :

- ما باهم خدا حافظی میکنیم .
 پسر اندکی چهره اش درهم شد :
 - خیلی خوب !
 دختر دوباره به سخن پرداخت :

- ازینکه همدگر را بوسیدیم ، متاسف
 نیستم . خوشایند بود . ما خیلی باهم نزدیک
 بودیم . بایستی همدگر را ببوسیم . من
 همواره ترابه یاد خواهم داشت .
 خو شبخت باشی .
 پسر گفت :

بقیه در صفحه ۵۰



زندگی امروز



* تحقیقاتیکه تاکنون روی طول عمر انسان در هر گوشه ای از دنیا صورت گرفته نشان میدهد که عمر متوسط مردان بطورعموم کمتر از زنان است .

* زنان نسبت به مردان در مقابل بسیاری از امراض و عفونت ها مقاومت بیشتر دارند .
* اشک بهترین عامل محوکننده سموم بدن .

مردان این دسته نیرومند که قدرت جسمی فوق العاده و غیر قابل مقایسه با زنان دارند در مقابل بسیاری از امراض مقاومت بدنیشان کمتر و ضعیف تر از زنان است . این بارزنان اندکه درمجادله با امراض نسبت به مردان بانبروی بیشتر مقاومت مینمایند و قدرتی به مراتب زیاده تر از آنها دارند !
چرا چنین است ؟ :

پرده زیبا جلوه خاص به اتاق

میبخشد

بنابرآن در انتخاب پرده ، رنگ و هم آهنگی آن بادیگر اشیا و لوازم اتاق باید نهایت دقت و سلیقه بکار برد . رنگ پرده هابایست حتمی بارتک در ، دیوار ، فرش ، مبیل و یا اگر اتاق خواب است باروتختی ، میز آرایش و یا اگر اتاق دیگر است باچه ... وجه مناسب و هم آهنگ باشد تازیبایی اتاق رادو چندان وبلکه سه چندان سازد .
درانتخاب پرده جنس تکه آنرا نیز نباید فراموش کرد . تکه پرده باید جنسی باشد که رنگ ندهد ، زود فرسوده نشود وازهمه مهتر اینکه به مقابل نورآفتاب مقاومت نماید و رنگش رابزودی ازدست ندهد .

پرده علاوه براینکه ازوسایل ضروری هر اتاق است و برای جلوگیری از سرما ، گرما ، نورزیادی و موارد گوناگون دیگر ، ازآن استفاده مزید به عمل می آید ، وسیله ایست زیبایی آفرین در دکور اتاق ها .
یک پرده زیبا جلوه خاصی به اتاق میبخشد .
پرده مناسب مکمل زیبایی اتاق است . دریک اتاق هر قدر سامان و لوازم قیمتی چیده شده باشد ویان آن اتاق باقالین های پر بها و گران قیمت مفروش گردد هرگاه پرده هایش ناچور و ناهم آهنگ باشد ویا کلکین ها اصلا بدون پرده باشد دکور آن اتاق ناقص است .



آینده نگری را از مور

باید آموخت

زندگی انسان نیز فصولی دارد و فراز و نشیب هایی . بهار زندگی انسان هم مانند فصل بهار سال ، زود گلر و ناپایدار است . زودتر از آنچه تصور میشود به زمستان عمر میانجامد و آنچه باقی مینماند ندامت است و حسرت خوردن عمر و جوانی ازدست رفته ایکه بر گشتنی نیست .

سیر زندگی انسان همچو آب چورفته ایست که توقف یا برگشت آن محال و به معنی واقعی از امکان بدور است . نه میشود زمانرا متوقف کرد تا برای همیشه در جوانی بسر برد و نه میشود چرخ گردون زابه عقب گرداند تا از کبولت به جوانی گذشته راه یالت ، تنهاکاری که میشود کرد استفاده مزید از وقت و ایام جوانی است برای حال و برای آینده .

گذشته هابا همه زشتی ها و زیبایی هایش گذشته . آنچه درخور توجه و تفکر است حال است و آینده . به فکر گذشته بودن حسرت ایام ازدست رفته را خوردن جز شیاع وقت حاصلی ندارد .

برای بهترین و بیشترین استفاده بردن از ایام گردون و برای دسربردن رفاه و آسایش طولانی حیات بایست درب های دیروز را کاملاً به عقب بست و دریچه نوین فردا و آینده دور را گشود و به فکر اسباب رفاه و جلجراغ زیبایی آفرینش بود .

مورچگان موجودات عجیبی اند ، کوچک ، زحمت کش ، آینده نگر و مصمم .

آیا هیچ شده موری رادیده باشید که از تصمیمش در بردن بار سنگین که حتی بیشتر از توانش بوده دست برداشته باشد ؟ نه ، اوبه این زودی و سهولت از مجادله اش دست بردار نیست . او تا آخرین قدرت سعی اش را میکند و اگر باز هم موفق نشد مایوس نمیشود دیگری رابه کمک میطلبد و به اتفاق به انجامش میرساند . (ایترا بارهابه چشمان خودم دیده ام و به یقین شما هم متوجه شده اید .)

مور آینده نگر است و دور اندیش . اوبه خوبی میدانند که وقتی سوز سرما به همه جا حکمفرما شد ، دیگر نمی تواند از لانه اش بخزد و خوراک و آذوقه ایکه لازمه حیاتش است تهیه بیند . بنابراین او خودش را مجبور و مکلف ساخته تا در ایامیکه میتواند آزادانه و بدون دست و پا گیری کار کند و حرکت نماید به فکر فردانیز باشد .

ازاینرو امروز راکه هم وقتش را دارد و هم قدرت و انرژی کار را تنها به رفاه امروز هدر نمیدهد و به فکر آن ایامی نیز است که نمیتواند کار کند . شاید ببر سید زندگی مور ، چه ربطی به ما دارد ؟ زندگی آنان نه تنها بی ربط نیست بلکه درسی بزرگی است برای ما . درسی از زندگی ، آموزنده و خیلی هم پر معنا .

چرا مردان کمتر از زنان عمر میکنند؟

کوشش نمی خوانند که يك زن نباید بگیرد زیرا به این عقیده اند که گریه کار زنانه است و او چون دختر است اشکالی ندارد بآن عادت کند! نتیجه چه میشود؟ نتیجه همانی است که در اطراف خویش زیاد می بینیم - زنان چون به اشک وآه عادت کرده اند در برابر حوادث ناهنجار ومشکلات روزگار با گریه وناله به اصطلاح دل خود را خالی مینمایند و سموم ناشی از ناراحتی را در پیچه اشک وقیل و قال از بدن دفع میکنند یا به عبارت دیگر اندوه درونی خود را با اشک میسوزند وآرام میگیرند. در حالیکه مردان بآن تربیت خطایکه آموخته اند مرکز نباید بگیرند، مهر سکوت به لب میزنند و گریه وزاری را در برابر ناملایمات بقیه در صفحه ۵۷

می آورد وسلامتش باخطر مواجه میگردد . دلیل عمده ومهم دیگر اینست که تربیت نادرست و دو کاسه - دختر و پسر - به مردان از همان طفلی تلقین کرده که ناله و زاری و شکوه وشکایت از زندگی ومسایل آن کاریست زنانه و در خور مرد نیست . والدین از همان آغاز و از کودکی در گوش پسران شان که وقتی میگیرند زمزمه میکنند: تویک پسری ومرد آینده، ویک مرد نباید گریه کند . ولی همین پدر ومادر به آن فرزند شان که دختر است مرکز چنین کلمات را نمیگویند . چه گریه را درون شان اوت میدانند و هیچگاهی به

از حد راپرخود تحمیل میکنند وگاهی آنقدر کار وفعالیت مینمایند که اصلا خواب واستراحت فراموش شان میشود وسوموم خستگی درخون شان راه یافته باعث ناراحتی های عصبی ، قلبی، بلند رفتن قندخون، زخم معده، فشار خون و... به صدها مرض دیگر ازین قبیل در آنها میگردد. سرانجام این عوارض که مسبب اصلی مرگ زودرس در آقایان است آنها را به مرگ دعوت میکند. بنابراین بخاطر باید داشت مردی که بیش از حد توانایی خود کار میکند روحا وجسما خسته میشود واین خستگی از وی يك مرد تندخو وعصبی بسار

این بخاطریست که مردان در رسیدگی به سرووضع وسلامت شان سهل انگارند وآن توجهی را که زنان به شادابی، صحت وسلامت شان دارند در مردان کمتر می بینیم، حتی گاهی این توجه اصلا وجود ندارد . اکثر مردان چنین می پندارند که توجه و رسیدگی بخود کار خانمهاست وعقیده دارند که مرد بودن یعنی کارکردن، پول در آوردن، خانواده را اداره کردن، ازخطر نهراسیدن و ناراحتی ها کوچیک روحی وجسمی را نا دیده گرفتن! وروی این ملحوظ وباین افکارس غیرواقعی ودور ازحقیقت فشار وخستگی بیش

مجادله باسوز وسردی آن اند .

باآمدن زمستان که ازهم اکنون مقدمانش چیده شده همه به فکر این اند که چگونه وبچه وسیله ای میتوانند خویشتن را از سردی آن حفظ نمایند .

هون وجاکت های بافتگی باآن یکی ازین وسایل است که اتفاقا هم خیلی مروج بوده ومطرفداران زیاد دارد. چنانچه کمتر دختر و

طرح و رنگهای آنها در بافتنی های تان الهام گیرید وبوشیدنی های زیبا بیافید . نمونه هایی را که درین جامشاهده میکنید مدلهایی است ازبافت های رنگارنگ وگل چین شده ازعیان طرح های بافتن با نقوش واشکال متنوع که به شما عرضه شده است. اینک انتخاب باشما تا کلام يك راهی پسندید وچه می بیافید .

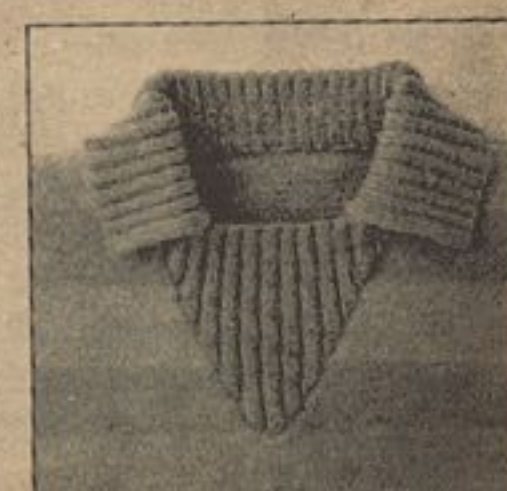
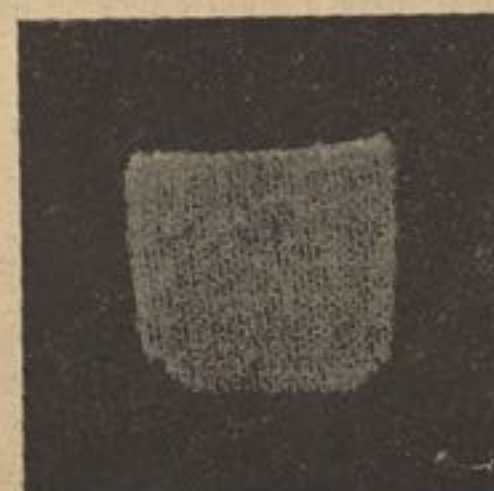
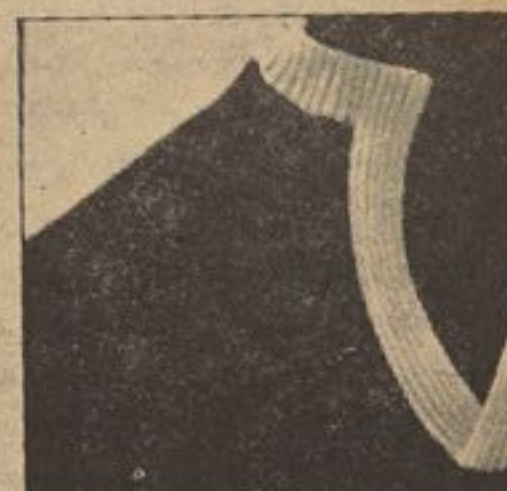
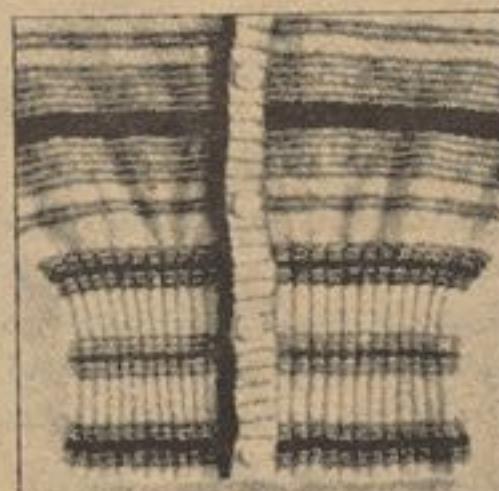
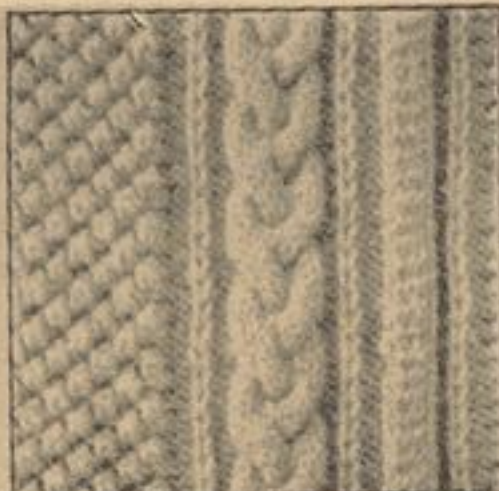
خانمی رامیتوان سراغ کرد که درین روزها بافتی نداشته باشد، هونی وباسیخی بسرای بافتن جاکت وبیادام بافتنی دیگر خریدنکرده باشد وبیاهم اینکه به فکر نقش های زیبا و تازه وبافت جدیدی برنیامده باشد .

بنابراین وروی این ضرورت ماهر خواستیم درمورد، خدمتی به شما انجام دهیم. ازاینرو نمونه های فوق را انتخاب وتقدیم کردیم تااز

پائیز

فصل هون، سیخ وبافت

درین روزها که زمستان کم کم خودش را نزدیک میسازد وآهسته آهسته در صد د آنست تا با سرمایش همه چارا در برگرفته جانشین فصول دیگر گردد، مردم به فکر





«فرانسواز ساگان» میگوید که حتی عکس ساده بی هم بر داشته نمیتواند. ولی تصمیم گرفته است فلمی را کارگردانی کند.

از مجله نیوز ویک

ترجمه «وز»

«فرانسواز ساگان» فلم میسازد

فرانسواز ساگان هنگامی

که تنها هژده سال داشت، نخستین رومانس رابه نام سلام بر غم منتشر ساخت این داستان سرگذشت دختر جوانیست که برای بار اول در زندگی با مسایل عشقی روبه رو میشود. در پهلوی تجربه این دختر، روابط پدرش بازن دیگر مطرح میگردد این رومان که فرانسواز را تکان داد، فرانسواز ساگان وزندگانی بی بند و بار او را به سویه جهانی پر آوازه ساخت.

امروز فرانسواز ساگان که چهل سال دارد و صاحب یازده رومان و شش نمایشنامه است راه های تازه بی نیاز ماید. در میان این راهها میتوان از نخستین فلمش نام برد داستان این فلم را ساگان نوشته و کارگردانی آن رانیز خودش انجام خواهد داد. پیش از آنکه وی برای فلمبراری به سوی آلپ برود، چین-فرید من با او این گفت و شنود رابه

عمل آورد.

س- فلم شما در باره چیست و چرا به کار فلم روی آورده اید؟
ج- این من نبودم که اندیشه فلمسازی به ذهنم راه یافت. با نزده سال میشود که تولید گر سینما روزی دو بورگارد در باره کارگردانی يك فلم بیخ گوشم داستان میخوانند من بارها به او گفته ام که از فلمسازی چیزی نمیدانم و حتی يك عکس ساده برداشته نمیتوانم حالا سرانجام این کار را پذیرفته ام.

فلمی که من میسازم داستان عاشقانه بی رادرد دارد. این فلم سرگذشت زن و شوهریست که به شکار می روند. بهترین دوست شوهر نیز با آندو همراه است. این مرد دختری را با خودش میاورد که به دختران هر-جایی میماند درین سفر شوهر درمی یابد که بهترین دوستش عاشق زنش میباشد ازینرو تصمیم میگیرد که هنگام شکار دوستش را بکشد

ولی سر انجام هیچکس را حتی يك آهو را هم نمیکشد وی می فهمد که خودش ملاقات است و بازنش به خانه بر میگردد. داستانی بسیار ساده است.

س- آیا این فلم هر حله تازه بی در کار های شماست؟
ج- کار فلم کاملاً از نوشتن فرقی دارد فلمسازی يك سر گر میست، يك تنوع است نوشتن چیز یست که بیشتر از هر چیز دیگر در جهان به آن علاقه دارم. به طور مثال، من عاشق آنهم که در جستجوی زمان از دست رفته را بنویسیم جدی میگویم من میخواهم هم که روزی کتاب خوبی بنویسم پروا ندارد اگر این کتاب هم مانند سلام بر غم سر و صدا به بار آرد من فقط میخواهم کتابی بنویسم که از آن خوشم بیاید و به خاطر آن احساس غرور کنم سر- انجام این کار را خواهم کرد نوشتن این کتاب شاید سه سال رادر بر سر گیرد.

س- به نظر میرسد که شما همواره داستانهای عاشقانه می نویسید آیا به عقیده شما جنبه روانی و عاطفی زندگی بسیار مهم است؟
آیا این جنبه از جنبه های اساسی زندگیست؟

ج- بلی هم برای من و هم برای هر کس دیگری اینطور است مردم نا-توان هستند آنان به لطف و مهر بانی بیشتر از هر چیز دیگری نیاز دارند. مردم به مواظبت نیاز مند هستند. حتی مردان برابر به زنان و کودکان به دلا سایی و مهربانی احتیاج دارند
س- در کتاب سلام بر غم چنین به نظر میرسد که میخواهید بگویند مردم خودخواه هستند آیا فلسفه شما این است که آدمیان در تنهایی زیست میکنند؟

ج- وقتی این کتاب را نوشتم، خیلی جوان بودم خود خواهی سنگدلی و بدبینی بر من تسلط داشت. ما پس از جوانی مردم و زندگی را بیشتر می شناسیم.

س- ولی سلام بر غم رسوا یسی بزرگی به بار آورد علت چه بود؟
ج- علت این بود که درین کتاب دختر جوانی در جستجوی لذت است و تنها به خاطر لذت با مردی همبستر میشود او این مرد را دوست ندارد خودش هم باک و پوست کنده این مطلب را میگوید بدون آنکه احساس یشمبانی، شرم و یاتا سف کند. وقتی این کتاب انتشار یافت، عشق و رزی برای دختران جوان ممنوع بود، ولی در حال حاضر این کارنه تنها ممنوع نیست، بلکه اجبار یست.

س- خیلی چیز ها در گون شده است بیست سال پیش این سخن شما خیلی عام بود که «در چهل سالگی کسی، به خصوص يك زن نمیتواند

شکل زندگیش را انتخاب کند زیرا زن در رابطه با مرد خودش را مشخص میسازد. در سن چهل سالگی زن دیگر نمیتواند شکل زندگیش را برگزیند باید هر چه هست، همان را بپذیرد» حالا که خودتان چهل ساله شده اید باز هم به همین عقیده هستید؟

ج- بلی، مثل هر کس دیگری. وقتی بیست ساله هستیم میبنداریم که در چهل سالگی همه چیز برای مان به پایان میرسد در چهل سالگی فکر می کنیم که زندگی در شصت سالگی کمتر خوش شایند است و من فکر میکنم که وقتی شصت ساله شویم همین نکته را در باره هشتاد سالگی خواهیم گفت.

بقیه در صفحه ۵۶

ژوندون

دعبدا للطف منت بارژباره

ولی قندی مواد چاغو و نکى دى

دهر څه نه به دا ښه وي چه په ورځنيو خوړو کښي دقندی موادو اندازه ډير کمه وي او يا بالکل دنظر نه لو يدلی وي داځکه چه قندی مواد دهری غذا او خوړونه زیات د چاغی سبب گرځي سره له دې چه انسان ترینه عذاب مومی بياهم په هر ځای او هره کورني کښي قندی موادو ته به اهمیت قابل کيږي او په خپلو وړ- ځينو خوړو کښي ورته ځای ورکوي. په دې وروستيو کلونو کښي دقندی موادو دخوراک اندازه دپخوا په نسبت ډري برابره شوی ده چه دداکترانو پاملرنه يې ځانته اړولی ده.

ډير داسی شواهد او دلایل زمونږ سره شته چه دقندی موادو هرگرام څلور کالري ضرور دځان سره لري او په بدن کښي دزیاتو ورزگو دپیدا کولو سبب گرځي چه هر گرام يې نهه کالري حرارت پیدا کوي.

دقندی موادو نه دوازگو ترکیب دهر څه نه زیات دی همدغه نسبت دی چه ویل کيږي دقندی موادو دور- ځنی لگښت څخه ډډه کول په کار دی.

دقندی موادو زیات استعمال په بدن کښي دزیاتو وازگو دپیدا کولو زمینی برابروي چه دبدن دپاره زیات تاوانونه رسوي.

قندی مواد دلوزې په کمولو کښي دومره تاثیر نه لري ځکه کله چه دغه مواد دخوراک لاندی نیسو نو لږڅه وروسته راته دلوزې احساس پیدا کيږي، همدغه راز که دقندی موادو اندازه پسي زیا تیري په همدغه توگه دجوړښت او سوزیدلو فعالیت زیا- تیري، چه په نتیجه کښي دویښی

قند لږيږي . لکه څنگه چه مو مخکښي وویل قندی مواد دکالري دپیدا کولو یوا- زینی وسیله گرځي که چيري په همدی ترتیب یوڅه نور خواړه په همدغه اندازه کالري تولید کړي او یوپی هم په قندی موادو کښي گډون ولري نودغه راز خواړه به په زیاته اندازه دچاغی وسیله وي.

داکتر «جی دبري» هغه کسان چه ځانونه به یی غذایی رژیم ته تسلیمول په دوو ډلو ویشلي وو او یوزرو دوه سوه کالري رژیم یې دوی ته ورکړ چه اولنی ډلی به قندی مواد زیات اوغوړ مواد ډير لږ لگول .

داولنی ډلی، دبدن وزن په یوه ورځ کښي یو اعشاریه پنځه اتیا گرامه کم شو او دوهمه ډله په عمومی توگه ۱۱۹ گرامه دوزن دکموالی سره مخامخ وه خو داچه دوی ته نابته وه چه قندی مواد دچاغوا لی یوازینی وسیله گرځي او دابه کافی وی چه دغه رژیم ته په یوزرودوه سوه کالري کښي پنځوس گرامه قندی مواد زیات شی تر څو په یوه ورځ کښي یې پنځه سوه گرامه په وزن کښي زیاتوالی پیدا شی .

داړتیا نه زیات دقندی موادواستعمال خطر ناک دی، دامریکا په متحده ای- لاتو کښي سپین ټیري او بوډاگان دنورو خلکو په نسبت په سلوکی کښي شل زیات وزن لري .

اودغه وزن دکو چنیوالی دوخت نه ددوی سره یو ځای شوی دی. داځکه چه امریکایی ماشو مان په کوچنیوالی کښي دخوړو او قندی موادو سره زیاته علاقه ښی اوهره ورځ په

زیاته اندازه قندی مواد خوري . او کله چه یی به تدریجی توگه په عمر کښي زیاتوالی ورځي بیا هم دعاداتو له مخی دقندی موادو سره علاقه څرگندوی .

په مترقی اوږر مختللو هیوادونو کښي واره ماشو مان په زیاته اندازه قندی مواد خوري او همدغه نسبت دی چه زیات یې د «دیابت» په ناروغی باندی اخته کيږي .

له دې امله چه دچاغی مخه نیول شوی وی او تاسی ته یی دو سره سر گردانی نه وی پیدا کړي نوښه به داری چه به ورځنیو خوړو کښي د قندی موادو اندازه کمه کړي او په دی توگه دچاغی دناروغی نه مصون پاتی شی .

دشیدو او غوښی په ځای انگور وخورئ:

له هغه وخت راپه دپخوا چه د خوراکي موادو دمعنوی ارزښت په باره کښي څيړنی شروع شوی دی نودی نتیجی ته رسیدلی یو چه انگور دزیاتو خوراکي موادو نه په زړه پوری دی او خوراک یې زیات گټور دی.

انگور له دی امله چه دویتا مینو زیاته اندازه پکښي ځای شوی ده نو پوهان ورته دیوه کوچنی در ملتون په نوم قابل شوی دی. او «پسی، ار هرپین» دانگورو دغذایی ارزښت په باره کښي داسی ویلی دی.

دانگورو او په یو ډول نیا تسی شیدي دی چه دغذایی موادو تر کيب یې دښځو دشیدو سره یو شان انډول کیدلی شی چه هضم یسی اسان او جذبول یې دبدن دپاره هم ساده او اسانه دی.

رسیدلی اوپاڅه انگوردنورو میوو په نسبت دزیاتو «آ، ب او ث» ویتا- مینونو نه برخورداره دی. چه په قندی موادو اوسر بیره کانی موادو هم پکښي ځای شوی دی.

په انگورو کښي اوسپنه هم ډیره ده چه دغه اندازه په تورو انگورو کښي خورا زیاته ده دغه میوه علاوه له دی چه پرکلسیم، فسفور، منیزیم، پتاسیم، ید، منگنز، لری غوړلرونکی مواد چه د البوین، اوتانن څخه عبارت دی هم پکښي ځای لري .

هغه طبی کتابونه او طبی بو تی چه دخوراکي موادو کار پیژندونکو لیکلی او یا یې پیژندلی دی په پای کښي دی نتیجی ته رسیدلی دی چه انگور دمعدی التهاب، توره توخلی، سل، دوینو دکمښت دپاره زیات گټور دی.

دانگورو رادیو اکتیو یته خاصیت:

انگور دشیمیایی تر کيبا تو په نسبت دمتیازودزیاتوالی سبب گرځي دغه میوه دبدن داسیدیته اواسیداوریک په برخه کښي به زړه پوری نقشی سرته رسوي .

انگور دکو لمو فرمانتو سیون لږ وی اود هاضمی عمل اسانه کوي، د وینو د فشار مخه نیسی، دپو ستمکی دناروغی دپاره چه د هاضمی دجهاز په واسطه منځ ته راځي په زړه پوری نقش سر ته رسوي. انگور دزړه د تقوی دپاره گټوره میوه ده اود انگورو خوړه هغه ماده ده چه دویښی دسیروم دپاره زیاته گټه رسوي .

«داکتر کویه» په دی عقیده دی چه انگور درادیو اکتیو پته په درلودلو سره ښه تاثیرات منځ ته راوړي.

انگور دویښی دکمښت او مسو میت مخه نیسی، بدن دسختی په مقابل کی هوساکوي، دهاضمی دگټو ډی د بندونو ددرودروماتیزمو دلیری کولو سره زیاته مرسته کوي.

یوبل پوه او پیاوړی دا کتورد انگورو دگټورتیا په برخه کی داسی نظریات څرگندوي .

انگور دخاصیت له نظره معتدل دی، هر څومره چه خواړه وی تود- والی لری هغه وینه چه دانگورود استعمال له مخی بدن ته ننوزی دهغی وینی نه چه دخرما داستعمال له لاری بدن ته ننوزی ډیره ښه او په زړه پوری ده.

«داکترگیلور هاورز» په خپلو زیاتو کتا بونو کښي دانگورو رژیم ډير گټور بللی او ډيري ناروغی یې په انگورو باندی له منځه وړی دی.

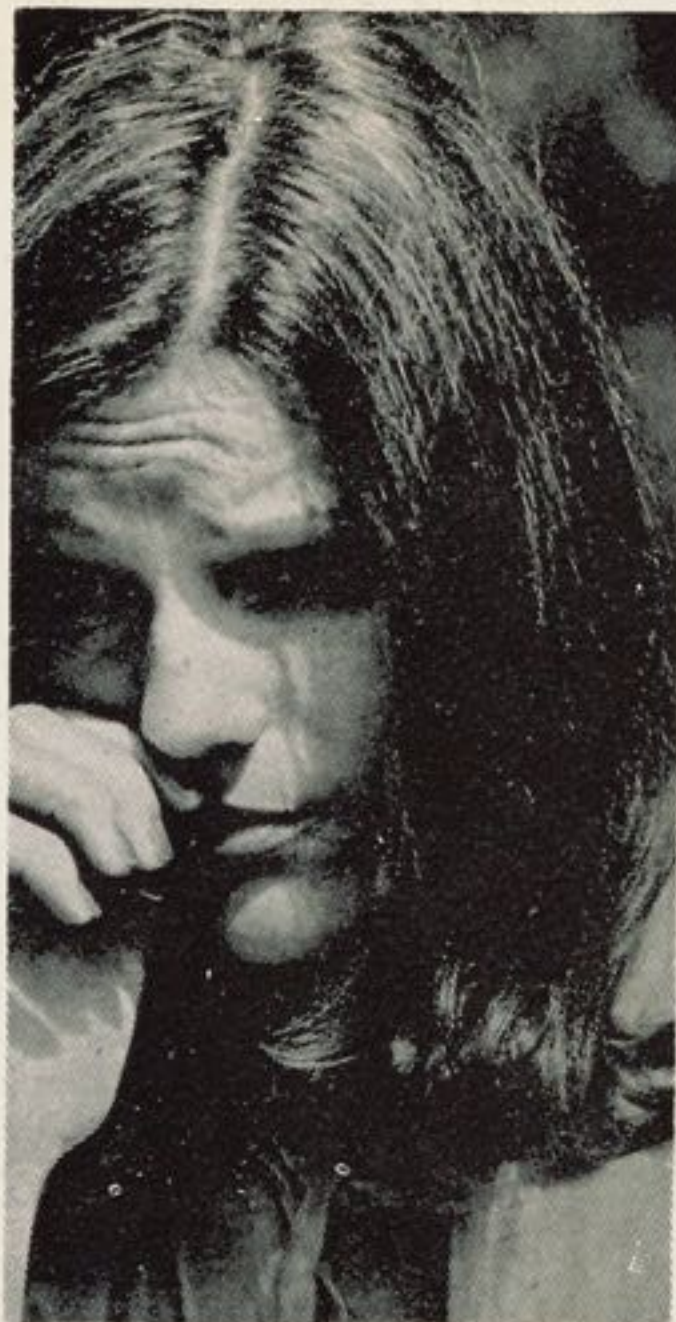
دانگورو معنوی ارزښت دپخوا زمانی نه خلکو پیژندلی او حتی په هغو وختونو کښي چه دطب علم لادومره پرمختیا نه وه میند لی نو خلک دانگورو په زیات اهمیت باندی قابل شوی وو.

زمونږ په موجوده طب او طبابت کښي پوهان دانگورو دپاره په زیات اهمیت قابل شوی اوغیر له دی چه د بدن دغوړو سره مرسته کوي. دبدن په ښکلا او ښایست کښي هم بسی تاثیر نه شی پاتی کیدلی، دا چه انگور دمزاج دپاره گټور اعمال سرته رسوي روح ته خوښی وړ - بخښی او دردونو ته تسکین ورکوي.

انگور دمعدی دپا کوالی سره مرسته کوي دویښو وران راپاروی دمعدی ټولو گټو ډیو ته ځواب وایی اودزړه دناروغی دپاره ډير گټور دی.



در اینجا متن گفت و شنو دی از نظر تان میگذرد که با داکتر برترام براون رئیس انستیتوت ملی تندرستی دماغی اضلاع متحده امریکا صورت گرفته است و در ضمن آن آخرین نگرشها در زمینه افسردگی مورد بحث قرار میگیرد.



افسردگی چیست!

نومیدی و بدبختی بیکرانی دست می دهد.

س- آیا نشانه های جسمانی هم با افسردگی همراه است؟

براون- بلی. وقتی افسردگی شدید باشد، نشانه های جسمانی به صورت آشکار نمودار میگردد به طور نمونه، به ندرت میتوان افسردگی شدیدی را یافت که با بی اشتیاهی توأم نباشد. برخی از اوقات افسردگی بالاخر شدن همراه است. ازینرو طیب همواره جویای دگر گونی وزن بدن میگردد.

نشانه دیگر جسمانی تغییر در وضع خواب است. در عام ترین شکلش شخص صبح خیلی وقت از خواب بر میخیزد، بدون آن که علت معقولی در میان باشد. در بعضی از موارد دیگر شخص به سختی به خواب میرود.

سو مین نشانه جسمانی افسردگی احساس درد و شکایت از این درد است بیمار در سینه، سروعضلات احساس درد میکند و می پندارد که استخوان هایش صدا میدهند.

س- تشخیص این نشانه ها آسان است؟

براون- تشخیص این نشانه ها در یکی از اعضای خانواده و یا در یکی

از دوستان آسانتر است تا تشخیص آن در خویشتن. با اینهم هر گاه احساس دردهای تشریح نا شدنی کردید، بهتر است به فکر افسردگی بپفکید.

س- آیا افسردگی گاهی با اشکال دیگر بیمار یهای دماغی، مثلا اختلال حواس، اشتباه میشود؟

براون- در موارد شدید، افسردگی به صورت موقتی میتواند با اختلال حواس اشتباه شود. زیرا درین موارد افسردگی بادگر گونی در شیوه اندیشه، یا اندیشه های غیر منطقی و بیمار گونه همراه است. ما این گونه افسردگی را افسردگی روانی مینامیم که بدترین شکل افسردگیست. تشخیص بیماری افسردگی بنا بر علل گوناگون شاید بادشوار یهایی روبه رو گردد. بر رسیهای آخرین نشان میدهد که در یکی از شهر اضلاع متحده بیست درصد کسانی که به نام اختلال حواس وارد بیمار ستانها شده بودند از بیماری افسردگی رنج میکشیدند.

س- آیا در افسردگی عامل ارثی وجود دارد؟

براون- بلی. این عامل گاهی بزرگ و گاهی کوچک است و به شکل

کار های روز مره .

معیار سوم، در پهلوی احساس فقدان نیرو و عدم دل بستگی به زندگی، این است که شخص مبتلا به افسردگی، به حالت تقریباً فلج گونه، در گوشه بی می نشیند و خیره خیره رها رامینگیرد.

به طور نمونه زنی را در نظر میگیریم که به افسردگی دچار شده است.

اگر این زن بخواهد با شما صحبت کند، که غالباً نمیخواهد، از او پرسید که در باره چه چیزی فکر میکند. وی جواب خواهد داد که زندگی به درد سرش نمیآورد و یا اینکه وی انسانی وحشتناک است. این زن درباره رویداد هایی که اخیراً و یاد گذشته های دور اتفاق افتاده است. خودش را گناهکار میداند. وی خودش و جهان را تیره و تار می بیند. تا اندازه ای که این تیرگی ذهن و روانش را تسخیر میکند.

س- آیا این وضع درین مرحله به بیماری دماغی مبدل میشود؟

براون- بلی، من فکر میکنم که افسردگی در این مرحله خود یک بیماری دماغیست. یکی از شیوه های شناخت این مرحله آن است که به انسان احساس ناتوانی،

س- داکتر، به طور مشخص افسردگی را چگونه تعریف میکنید؟

براون- از دیدگاه یک مرد عامی، گاهی از اوقات مردم میگویند که احساس افسردگی میکنند، حالا نکه اندکی گرفته هستند، اندکی دق هستند. این وضع کاملاً عام است. اگر ازین دید گاه به موضوع بنگریم باید بگوییم که سی درصد مردم در ایالات متحده، گاه و بیگاه، از افسردگی رنج میبرند.

ولی هنگامی که از دید گاه طب به بررسی افسردگی میپردازیم، مساله شکل جدی تری را به خود میگیرد. انسان مبتلا به افسردگی احساس میکند که نیروی کافی ندارد و به زندگی دل بستگی نشان نمیدهد. این وضع که ممکن است چند روز یا چند هفته دوام کند، فعالیت های حیاتی بیمار را متاثر میسازد.

س- به چه رنگی فعالیت های حیاتی را برهم میزند؟

براون- منظورم این است که حتی انجام دادن کار های عادی روزانه برای بیمار مبتلا به افسردگی دشوار میگردد. مانند آماده کردن صبحانه و یا به سر رسیدن

افسردگی ارتباط دارد.

س- آیا افسردگی به آهستگی انکشاف میکند؟

براون- افسردگی میتواند به سرعت، در ظرف یک روز، یا به آهستگی در ظرف چند ماه انکشاف کند یکی از اشکال افسردگی باضد خودش یعنی هیجان و تحرك

بیوند دارد. این شکل را میتوان شکل تحرك - افسردگی نامید. درین شکل شخص يك مرحله تحرك و هیجان فوق العاده از خودش نشان میدهد که يك، دو یا سه ماه دنباله می یابد. سپس، چند ماه بعدتر، به بیماری افسردگی مبتلا خواهد شد. س- چند شکل افسردگی وجود دارد؟

براون- میتوان از چند شکل این بیماری سخن گفت: از جمله (۱) افسردگی انعکاسی که برخلاف افسردگی ناشی از انگیزه های درونی بیشتر بارویداد های جهان بیرونی بیوند دارد. افسردگی ناساز

انگیزه های درونی با عوامل بیولو- جیک همبسته است. (۲) افسردگی عصبی.

۳- افسردگی روانی که شکل عمیق این بیماریست. در افسردگی روانی آدم فکر میکند غذا نه تنها ارزش خوردن را ندارد، بلکه این اندیشه جنون آمیز بر ذهن چیره خواهد شد که غذایی راخواهد گشت، زیرا او میخواهد که خودش را بکشد.

تازه ترین شیوه نگرش به افسردگی، شیوه محور يك قطبی و دو قطبیست.

شکل يك قطبی غالباً به نام تحرك - افسردگی، به روی مان گشوده، بیمار به گونه ای از افسردگی دچار است که نشانه های آن گاهی به صورت هیجان وزمانی به صورت افسردگی نمودار میشود. در شکل يك قطبی، در کنار افسردگی هیجان وجود ندارد...

س- انگیزه افسردگی چیست؟

براون- درینجا باید از میکانیسم های بیولو جیک و آنچه که هنگام انتقال پیامها بین پیوند های عصبی رخ می دهد، سخن گفت.

انتقال از عصب «الف» به عصب «ب» يك پدیده پیچیده کیمیا یسی - برقی است. درین عملیه انزایمهایی نیز دست اندر کار اند که مواد کیمیایی را در حرکت و تغییر ما هیت سریع شان کمک میکنند. اکنون ما میدانیم که چه مواد کیمیایی در محل بین عصب الف و عصب ب جا یی که بیوند برقرار میشود و انتقال صورت میپذیرد، متمرکز میشود.

همین امر ما را به درمان هیجان انگیزمان رهنمائی میکند. میدا نم که در کار برد کلمه درمان باید دقیق باشیم. ولی باید در نظر داشت که اگر بیست سال پیش کسی به افسردگی شدید مبتلا میشد، ناگزیر بود از نه ماه تا يك سال رادر بیمارستان سیری کند. اکنون اگر این حادثه روی دهد، هشتاد تا نود در

صد امکان دارد که بیمار پس از يك یادوماه سر کارش بر گردد یا به خانه اش برود.

س- ممکن است بعضی از این درمانها را نام بگیرید؟

براون- یکی ازین در ما نه بسیار مؤثر و تا اندازه یی ترس انگیز است و من آرزو دارم که کاش درین باره بیشتر میدا نستیم. این در مان عبارت است از شاک برقی. مادریافته ایم که در اشکال به خصوص افسردگی شوک برقی بیمار را از حالت افسردگی بیرون میکشد.

شیوه کامیاب دیگر درمانی دارو های «سایکو اکتیف» است. امروز ترکیبهای ضد افسردگی به میان آمده است که تاثیر مستقیمی بر اعصاب دارد.

یکی از دارو هایی که دور نمای خوب درمانی را، به وسیله جلوگیری از افسردگی، به روی مان گشوده، «لیتوم کلوراید» است. این دارو نمک ساده بیست که اگر به صورت

لطفاً ورق بزنید





منظم گرفته شود، به خصوص از شکل تحرك - افسردگی جلو گیری میکند .
 به‌عما نگونه که «انسولین» از تأثیرات بیماری قند جلو گیری مینماید .

س- استعمال این دارو عام‌شده است؟

براون- تخمین میکنیم که در حدود سی هزار نفر در اضلاع متحده «لتیوم کلوراید» استعمال میکنند. دانشمندان مطمئن نیستند، ولی فکر میکنند که اگر این دارو زیر نظر طبیب به‌کار برده شود، شاید صدها هزار نفر از فیض آن بهره مند گردند.

س- بیماران قند ناگزیر اند، در سراسر زندگی «انسولین» به‌کار برند. آیا در مورد لتیوم کلوراید نیز قضیه همین گونه است؟

براون- معمولا قضیه همین گونه است. زیرا وقتی منظور جلو گیری ووقایه شکل خاص تحرك - افسردگی باشد، کار برد این دارو يك مسأله سراسر زندگی خواهد بود .

س- نظر تان در باره دارو های بدون نسخه، مانند گولی های محرک ومانند اینها، چیست ؟

براون- فکر نمیکنم که در مان خود سرانه سود مند باشد. چنین درمانی شاید زیانمند تر باشد تا درمان نکردن . مادر معالجه ، انواع دارو های نیرو بخش، چون «ایتالین» رابه کار میبریم، ولی کار برد این دارو ها بار تباط به يك استر- تیژی وسیع صورت میگیرد. و البته امقی تامین بانظر داشت سر شت معتاد کننده آن خطر ناك است .

س- شما دو شیوه در مان را نام بردید ..

براون- سو مین شیوه در مان شیوه روانیست. درین شیوه لازم نیست در گذشته بیمار کسا و شس صورت گیرد، بلکه لازم است بر احساس ناتوانی بیمار حمله شود.

به طور مثال، بیمار خوا هد گفت که بسیاری ضعیف است. شما ازش پرسان کنید: «چقدر وزن را بلند کرده خواهید توانست ؟» او جواب خواهد داد که سه کیلو گرام را. آنگاه شما میتوا نید يك وزن هشت کیلو یی برایش بیاورید و بگذا رید که آن را بلند کند .

یا شاید بیمار بگوید که تا انجام دهلیز راه دراز یست و او نمیتواند این راه را ببیماید. شما با اند کسی

س- اثرات شوک برقی تا چه مدتی بایدار مینماید ؟

براون- برای بسیاری از کسانی که شوک برقی گرفته اند، همان دوره برای همیشه کفایت کرده است. س- آیا مدت درمان با شوک برقی طولا نیست؟

براون- درین زمینه ما پیشرفت کرده ایم. مدت عادی در مان شاید از دو تا سه هفته طول بکشد. در ین مدت بیمار چار تاده بار شوک برقی داده میشود .

در گذشته ها شوک برقی بسا حر کتهای عضلاتی و تشنجی همراه بود. اما در حال حاضر برخی از مواد کیمیایی به کار میبریم و این حرکتهای و تشنجات دیده نمیشود .

س- هر شوک برقی چه مدتی دوام میکند ؟

براون- کمتر از يك ثانیه. وبعد از يك یادو ساعت بیمار میتوا ندبه همراهی یکی از نزد یکانش به خانه برگردد. شوک برقی غالبا در بیمارستان داده میشود .

زیرا کسی که شوک می بیند، آن اندازه بیمار هست که با ید در بیمارستان باشد .
 اگر چه شوک برقی در بیمار ان ترس واضطرا بتولید میکند، مگر سبب میشود تا بیمار در ظرف يك تادو هفته در مان گردد. شوک برقی يك شیوه عاجل در مان است و بسیاری از طبیبان، به خصوص در موارد مبتلا یان بیماری خود کشی، به آن دست میسازند .

کار برد دارو ها نیز در طرف دو تا سه هفته، در بسیاری از موا رد، نتیجه های مؤثری به بار میاورد. با اینهمه، شوک برقی در افسردگیهای خفیف ، که زاده عوامل بیرو نیست وخطر خود کشی ندارد، به کار نمیرو د .

س- آیا شوک برقی تا ئیرات جانبی دارد؟

براون- شوک برقی یا هیچ اثری جانبی ندارد یا اندکی از دست دادن حافظه رابه بار میاورد که تنها برای چند روز دنباله مییابد .

س- آیا بیمار مبتلا به افسردگی چیزی کرده میتواند که به حالش برمیآیند ؟

سود مند باشد؟

براون- یکانه چیزی که این بیمار میتواند بکند، حتی پیش از دچار شدن به بیماری، این است که خودش را متیقن بسازد که بیچاره و ناتوا ن نیست البته وقتی بیماری افسردگی آغاز شد و نیرو گرفت، بهترین کار بیمار این است که به طبیب مراجعه کند .

س- آیا دکتران بیماری های عمومی از عهده درمان افسردگی برمیآیند ؟

براون- بلی. همین نکته در مان افسردگی را امید بخش سا خته است .

بسیاری از دا کتران بیمار ینهای عمومی و متخصصان داخله میتوانند افسرد گیهای ملایم و متوسط را بسا موفقیت در مان کنند. در واقع ، دا کتران ناگزیر اند در موارد جرا-

حتما و بیماری های دیگر نیز به تسلی و دلا سایسی خانواده بیمار پیر دازند در موارد افسرد گی

بقیه در صفحه ۵۱

ترجمه انجنیر میر جمال الدین نویسنده :
صدری مونیکا شوپرت

جلو گیری از بروز حوادث در خانواده

بی احتیاطی در خانواده حیات هزاران نفر را سالیانه با خطرات گوناگون مواجه میسازد، گرچه آغوش خانواده جای استراحت و آرامی است ولی در ریهلوی انجام امور روز مره در اثر بی احتیاطی حادثاتی ناگوار رخ میدهد که باعث تلف شدن يك ویا چندین نفر میگردد و خساره مالی به يك خانواده عاید میکند.

سال گذشته تنها در المان غرب دو ملیون حادثه رخ داد که باعث هلاک ۱۱۵۰۰ نفر گردید و به چندین قاتل میل ضرر مالی رسانید. لغزیدن در موقع ایستاده شدن بالای چوکی، میز وزینه های شکسته برای اجرای کار و افتیدن از دیوار، کلکین وغیره ۸۵ فیصد این واقعات را تشکیل میدهد هر هشتم معیوبیت یعنی شکستگی پا، دست و غیره از ناحیه بی احتیاطی در انجام وظایف خانواده است. خاتم ها و اطفال هفتاد فیصد ازین ناحیه متاثر شده اند.

در شهر کاسل همسایه يك فامیل خبر میدهد که از اپارتمان همجواریش دود غلیظ برمی آید. بعداً معلوم میشود که صاحب اپارتمان در منزل تنها بوده و باسکرت روشن بخواب رفته و بستر را طعمه حریق گردانیده است. وی در اثر دود بی هوش شده است. اطفائی منزل و صاحبش را از حریق نجات میدهد.

خانمی در شهر « دوزل دورف » مشغول پاك کردن کلکین بود که از منزل دوم به صحن حویلی افتید و هلاک گردید. يك خانم جوان در آشپز خانه مشغول بخت ویز بود در موقع کوفته نمودن گوشت دو کلک خود را قطع نمود. اینگونه خبرهای ناگوار همیشه بگوش میرسید که تنها چند نمونه آن از جمله هزاران

خبر در بالا ذکر گردید که در اثر بی مبالایی اعضای فامیل بو وقوع پیوسته است در آغاز سال نو بموقع «خانه تکانی» سالیانه سه هزار نفر تلف میگردد.

یکی از ما مورین عالیرتبه اداره مصئونیت خانواده ها موضوع را چنین توضیح میکند که چون خانم ها به عجله بعد از فراغت مشاغل رسمی به انجام کار های خانگی می پردازند واکثراً میخواهند دو کار را یعنی پاك کاری کلکین ها و بخت ویز را در عین وقت انجام بدهند سر دچار این بلا ها و حوادث دلخراش میگردد.

در فابریکه ها از لوايح و قیودات تضمیناتی کار گرفته میشود اما در فامیل و خانواده ها همچو لوايح و تابلو های اخطاریه در نظر گرفته نمی شود لهذا اعضای فامیل در انجام کار های روز مره مصئونیت کافی ندارند.

ما مور يك اداره تجارتي به خانه خود آمده می بیند که خانمش بالای ظرفشوی آشپز خانه بطور غیرطبیعی افتیده و هلاک گردیده است.

ما مورین (پولیس) موضوع را تحلیل نموده میگویند که خانم میخواست با برمه برقی دیوار را سوراخ نماید ودر حالیکه پاهایش برهنه بوده بالای ظرفشوی ایستاده واز اثر شارتی برمه برقی، خانم مذکور هلاک گردیده است و بی مبالایی این خانم اصلا در اثر نا آشنایی با وسایل برقی واز جمله برمه متذکره بوده است، دیگر اینکه خانم مذکور باید با پا های برهنه بالای ظرفشوی ایستاده نمی شد. و سا مان آلات برقی خود را ذریعه یکنفر فنی حفظ و مراقبت اصلاح نموده شارتی را مرفوع میساخت.

بهمین ترتیب بسیاری از کسانیکه با امور منزل سر و کار دارند در اثر

خرابی اشتوب و منقل برقی صدمه دیده ویا معمولاً هلاک گردیده اند، دسته پر بیان، ديك بخار وغیره باید معمولاً بطرف عقب داش قرار داده شود در غیر آن بسر نوشتت خانمی گرفتار میشود که در آشپزخانه مشغول بختن و تهیه غذا بود که در اثر لغزش دستش به دسته بریسان خورده و روغن های داغ بریسان به بدنش ریخته جراحت و سوختگی ها را بار آورد و هلاکش گردانید.

بی احتیاطی در موقع سوختاندن ذغال سنگ یکی از عوامل عمده وقوع حادثات خانواده بشمار میرود ادویه جات باید همیشه محفوط نگهداری شود و از دسترس اطفال خورد سال دور باشد زیرا يك طفل دو تيم ساله در موشن که تابلیت های «شیمین» را دیده و به خیال چاکلیت بخوردن آنها پر داخت بعد از سپری شدن چند دقیقه هلاک گردید.

بدینگونه باید ادویه جات، بودرهای ضد حشرات، مایعات تنظیفاتی لباس وغیره بدسترس اطفال قرار داده نشود.

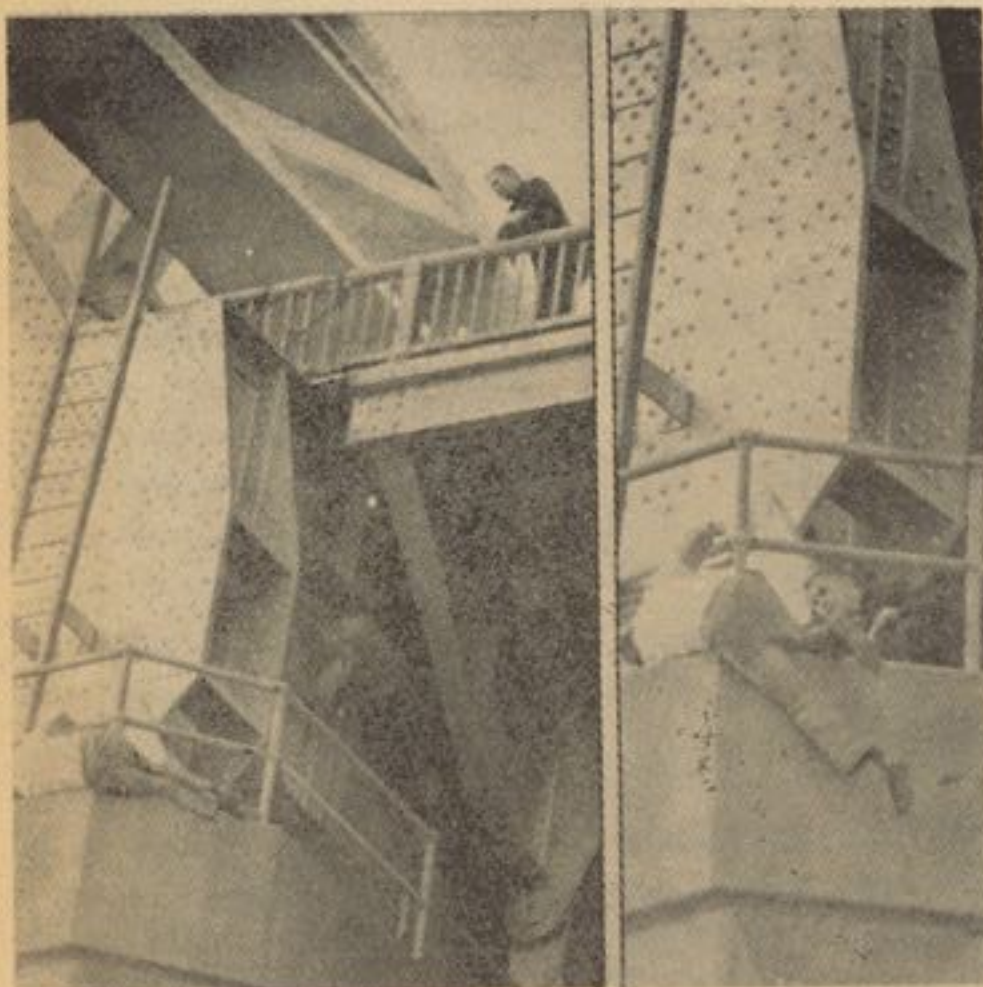
مقادیر ادویه بزرگان برای اطفال نیز بسی اوقات کشنده است. زینه های شکسته چوبی بار ها باعث خطر گردیده، اما در تر میسم ونگهداری آنها توجه نمی شود و صحت و سلامتی اعضای فامیل را تهدید میکند و باعث صد ها واقعه

ناهنجار میگردد. تنویر دهلیز ها، حویلی، تحویل خانه وغیره خیلی ضروری است. برای مرفوع ساختن خطر ازین ناحیه باید همیشه کوشش بعمل آید. زیرا تنویر کافی مانع لغزیدن و افتیدن گردیده از وقوع حادثات جلو گیری بعمل می آرد.

بعضاً تشناب های منزل د راتر استعمال بودر و صابون لخشنده شده باعث افتیدن اعضای فامیل میگردد و سبب بروز حادثات نا گوار میشود که برای پیشگیری ازین گونه واقعات باید در تشناب ها دستگیره های ارزان قیمت نصب گردد.

مثلا يك رسام در موقع شستن پا ها در تشناب افتید و به جمجه اش صدمه شدید وارد گردید که باعث مرگش شد. بهمین صورت یکنفر هنگام حمام گرفتن به تیلفون جواب گفت و باعث هلاکتش گردید و شخصی توسط آبگرمی جان خود را از دست داد.

اینگونه اطلاعات باید زنگ خطر باشد و ما را متوجه بی احتیاطی های ما گرداند تا در انجام امور خانواده به حد کافی دقت و سعی بخرج داده شود و باعث تلفات جانی و مالی نگردیده و اهل فامیل از خطرات مصنون بمانند زیرا خانواده جانی آرامی و استراحت است نه جای خطر و حادثات مرگ آور.





کشور مذکور آزادی خود را بدست آورد .
 اولین موسس حکومت دوم بلغاریا (آسان)
 بود . پایتخت آن بنام تیرنوو یاد میشود .
 بپرسورت حکومتی بود بس قوی که تابعیره
 ادریاتیک میرسید و در جریان جبهاتگیری
 امپراتوران عثمانی روز ۱۰ جنوری ۱۳۹۳
 بلغاریا دوباره بتصرف ترکها درآمد و تا قرن
 ۱۹ استیلای عثمانی بر بلغاریا ادامه داشت .
 در ۱۲ نوامبر ۱۸۷۸ میلادی بموجب معاهده
 برلین بلغاریا استقلال داخلی یافت ولی هنوز
 جزء عثمانی بود و در ۳۱ دسمبر ۱۹۰۸ میلادی
 استقلال کامل آن پذیرفته شد و رژیم سلطنتی
 مشروطه را اعلام کرد و اولین پادشاه آن
 فردیناند اول نام داشت در جریان جنگ دوم
 جهانی یوریس دوم پادشاه بلغاریا مجبور به
 ورود در جنگ بفتح آلمان هیتلری و ایتالیانند
 و دارای متصرفاتی در بالکان گردید که بعد از
 شکست همه را از دست داد زیرا با وجود اعلام
 بیطرفی در سپتامبر ۱۹۴۴ عساکر شوروی به
 دنیوب نزدیک شده و در بلغاریا حرکت انقلابی
 شروع گردید بعد از آزادی صوفیه رژیم
 سلطنت در بلغاریا خاتمه یافته و حکومت
 دیموکراسی ملی بوجود آمد بروز ۱۵ دسامبر
 دیرفرند ملی جمهوری را در این کشور
 برقرار ساخت اکنون بلغاریا کشوریست
 دیموکراسی مردم و بزرگترین ارگان کشورا
 شورای ملی یک حزبی تشکیل میدهد که به
 آراء عمومی هر ۴ سال انتخاب میگردد .

قسمت اخیر

سرزمین بهترین گل گلاب جهان



در حال حاضر تجمع نفوس در یک کیلو متر
 مربع به ۷۸ نفر میرسد .
 بلغاریای امروزی بین رود دنیوب و بالکان
 (بلغاریایی ها آنرا پلانین قدیم یاد میکنند)
 اصلا در اواخر قرن ۷ میلادی بوجود آمده است
 سکنه بلغاریا نیز مانند مردم مجارستان در
 اصل زرد پوست اند که از آسیا بسال
 ۶۸۱ میلادی گذشته اولین حکومت بلغاریا را
 تشکیل دادند ولی بتدریج بر اثر آمیزش با
 سلاوها، نژاد دورگه ای در آن کشور پدیدار
 شده است که بیشتر به سلاوها نزدیک است.
 سلاوها از قرن ۷ میلادی در بلغاریا ساکن شدند
 سلاوها بعد از سالهایتمادی استقامت کلتور
 و زبان آنجا را پذیرفته و مردم ملت جدیدی را
 بوجود آوردند اما سکنه اصلی این کشور
 بلغارها بودند که قسمتی از زرد پوستان
 مهاجم محسوب میشوند و نام کشور بلغاریا
 نیز از آنان گرفته شده است در سال ۸۶۵
 میلادی بلغارها مسیحی شدند از قضا دو قوه
 بزرگ همسایه امپراتوری بیزانتین و سپس
 ترکها بالای این کشور فشار آورده در ۱۰۱۸
 عیسوی قسمت شرقی بلغاریا به بیزانتین و
 متباقی متعلق به ترکها گردید این استعمار
 مدت ۱۷۰ سال ادامه یافت بالاخره در ۱۱۸۷

معتدل ، گرم و خشک و قسمت جنوبی کشور
 اقلیم تقریبا خاوری بری و در نواحی کوهستان
 اقلیم کوهستانی نسبتا شدیدی دارد . درجه
 حرارت وسطی ماه جنوری در حدود دو درجه
 سانتی گراد در جنوب و اطراف بحیره اسود
 و در کوهستانات دو منفی سه درجه میرسد ولی
 حرارت وسطی ماه جولایی پایین تر از ۱۸ درجه
 در قسمت های مرکزی و جنوبی کشور میباشد
 مقدار بارندگی وسطی سالانه در مناطق هموار
 به ۴۵۰-۷۰۰ میلی متر و در کوهها از ۶۰۰ -
 ۱۲۰۰ میلی متر میرسد . کمترین بارندگی
 در پایان بهار و مقدار بیشتر آن در خزان
 و اوایل زمستان صورت میگردد .

بلغاریا دارای ۲۳۷۶ متر ارتفاع و بنام بوتوی
 یاد میشود . بحیره سیاه در شرق ۳۸۷ کیلو
 متر با این کشور همسرحده میباشد . بلغاریا
 کشوریست دارای دریا های متعدده که بزرگترین
 آن رود دنیوب میباشد که بفاصله ۴۷۱ کیلو
 متر بارومانیه سرحد طبیعی را تشکیل داده است.
 بلغاریا دارای ۳۰۰ چیل خرد و ریزه ای بوده
 که بعضی از آنها بهترین محل تفریحی را بوجود
 آورده اند .

بلغاریا با آنکه ۶ مراتبه از کشور عزیز ما
 خردتر میباشد با این هم در هر قسمت اقلیم



از رهگذر تقسیمات اداری جمهوری بلغاریا
 به ۲۷ نواحی اداری و ۳ شهر بزرگ (صوفیه،
 پلودیف، وارنا) قسمت یافته است سوزوپول
 یکی از شهرهای مهم بلغاریا بشمار رفته از
 رهگذر ماهیگیری و آرتستیکی حایز اهمیت
 فوق العاده ای میباشد این شهر در قرن ۱۴
 میلادی اساس گذاری شده و از خصایص بارز
 آن صنعت حکاکی بوده از چوبهای نفیس بهترین
 صنایع روستایی ساخته میشود در عین زمان
 شهر مذکور عمارات چوبی خیلی زیاد دارد
 که با مهارت خاصی ساخته شده و بنام مکتب
 دیبور یاد میشود .

روشنایی، رنگها و انعکاسات ادوار باستان
 در این شهر بخوبی هویدا است . کوچه های

باریک عمارات قدیمی کنار همدیگر، چالهای ماهگیری فضای دلکش و جالبی را در جهان توریزم بوجود آورده است باغات انجسیر و انگور از دیوارهای سنگی سرکشیده شهر آتموسفیر باستانی مهندسی قدیمی خود را حفظ کرده است که یکی از قدیمترین شهرهای بلغاریا محسوب میشود تاریخ این شهر داستان رومانیکی داشته کومونیالیژهای یونانی در قرن ۶ قبل از میلاد از محل ملتور باین شهر آمده بنای آبادی را نمودند .

اوبینا یکی از مراکز مهم توریستی جوانان بین المللی بوده که در ناحیه عالی (پریمورسکو) موقعیت دارد این اتحادیه همه ساله پروگرام های دلچسپی برای جوانان طرح وهرتابستان هزاران جوان از سراسر جهان باین محل آمده رخصتی وایام فراغت خود را به کمال خوش درفضا صمیمیت و برادری سپری میکنند برای این منظور عمارات عالی، هتلها، پارکها و وسایل راحت بصورت عصری و مدرن درین ناحیه ساخته شده بر علاوه هرگونه وسایل سیورتی و سرگرمی در هر گوشه و کنار آنجا مهیا میباشد .

بلغاریا بر علاوه اینکه از جمله معالک توریستی اروپایی بوده در آثار تاریخی و معابد خود نیز شهرت جهانی دارد ریلا که در ۱۲۳ کیلومتری جنوب صوفیه موقعیت دارد نمونه ای از این محلات تاریخی میباشد که در شاعران بین المللی صوفیه، آتن قرار دارد. این موناوی بعد از آنکه در ۸۶۵ میلادی بلغاریا رسماً دین عیسوی را پذیرفت بوجود آمده است که موسس آن ایوان ریلسکی میباشد و بعد از کولوچها اولین صومعه را در جنگلهای ریلا متوجه شدند که ورود در آن خیلی دشوار بودم چنین در نیمه قرن دهم قسمت بیشتر آن مشکوف گردید . یادگار های دوره سلطه ای عثمانی در قرن ۱۴ میلادی از طرف شاهان بعدی بلغاریا حفظ و نگهداری گردید بعد از استیغن در اوول بنا های تاریخی قابل ملاحظه ای در پهلوی آن از خود در این ریلا باقی گذاشت . در قرن ۱۵ حمله ترکها بر بلغاریا شروع گردیده این بناهای تاریخی از نظر افتاده و با مال گردید تا اینکه در اوایل قرن ۱۹ بلغاریا استقلال خود را حاصل و

ساختمان های تاریخی دوباره ترمیم و آباد گردیدند که با طرزوشکل خوبی در آمدند و تا امروز بحال اولیه خود باقی مانده و از عجایب ساختمانی بشمار میروند .

این موناستری جمعا ۳۲ هزار متر مربع ساحه را احتوا کرده و ۱۱۴۷ متر از سطح بحر ارتفاع دارد که دورادور آنرا دیواری مستحکم که دارای دومتر ضخامت و ۲۴ متر ارتفاع میباشد احاطه کرده است این بناها در سب و روز زیبایی خاصی دارند که تماشاچی در حیرت مانده مان و محو میگردد . عمارات عالی معابد باشکوه بارواقی و تاقهای ملون آوت و صنعت قدیمی، فواره ها و مرمر های سیم فام آنجا از هر حیث تماشایی و قابل توصیف است. برج هریلوکه در ۱۳۳۵ میلادی ساخته شده است دارای ۲۳ متر ارتفاع بوده یکی از بهترین نمونه های ارکتیکت محسوب میشود. عبادتگاهی بنام حضرت عیسی (ع) که بطرز خاصی مزین و بنا یافته است در طبقه چهارم برج مذکور جاه دارد و رسامی رواق آن از قرن

۱۴ میلادی نمایندگی میکند. کلیسای مرکزی که از بهترین کلیساهای بلغاریا محسوب میشود در مرکز این موناستری قرار گرفته است که دقیقترین صنعت حجاری و حکاکی در آن کار شده است و نمونه قدرت دست و حوصله بشر را نمایندگی میکند در پهلوی آن سالون مهمانخانه از چوب های نفیس ساخته شده که قرنها پابرجاست آتشیخانه آن در جوار بنا یافته ، برای مسافرینیکه جهت عبادت از نواحی دور نزدیک بدین محل می آمدند غذای کافی و وافر تهیه میکردند بر علاوه اتاقهای متعددی در اطراف این صومعه بنا یافته است که هر کدام برای مطلب خاصی بنا یافته اند. کتابخانه موناستری شامل بیش از بیست هزار جلد کتب قدیمی خطی و چرمی بوده موزیم مرکزی اتنوگرافیکی که از حیث آثار تاریخی خیلی غنی میباشد با بسیاری از کلیساهای و معابد کوچکی که در فزون ۱۵ و ۱۸ ساخته شده اند همه دور هم تجمع کرده اند خلاصه این بنا ها یگانه سرمایه سرشار بلغاریا را از رهگذر توریزم فراهم میسازد . ختم



شعر

کعبه امید

ای خدا این وصل را هجران مکن
 سر خوشان عشق را نسالان مکن
 باغ جان را تازه و سر سبز دار
 قصد این بستان این مستان مکن
 چون خزان از شاخ و برگ دل مزن
 خلق را مسکین و سرگردان مکن
 بر درختی کما شبان مرغ توست
 شاخ مشکین مرغ را پیران مکن
 جمع شمع خویش را بر هم مزن
 قصد این پروانه حیران مکن
 کعبه اقبال ما این در گه است
 کعبه امید را و پسران مکن
 نیست در عالم ز هجران تلخ تر
 هر چه خواهی کن ولیکن آن مکن
 مولینای بلخی

آرزو

کاش بر ساحل رودی خاموش
 عطر مرموز گیاهی بودم
 چو بر آنجا گذرت میافتاد
 به سراپای تو لب میسودم
 * * *

کاش چون نای شبان میخواندم
 به نوای دل دیوانه تو
 خفته بر هودج موج نسیم
 میگذاشتم ز در خانه تو
 * * *

کاش چون پرتو خورشید بهار
 سحر از پنجره مینابیدم
 از بس پرده لوزان حریر
 رنگ چشمان ترا می دیدم
 * * *

کاش در بزم فروزنده تو
 خنده جام شرابی بودم
 کاش در نیمه شبی درد آلود
 سستی و مستی خوابی بودم
 * * *

کاش چون یاددل انگیز زنی
 میخزیدم به دلت بر تشویش
 ناگهان چشم ترا میدیدم
 خیره بر جلوه زیبایی خویش
 کاش در بستر تنهایی تو
 بیکرم شمع گنه میافروخت
 ریشه زهد تو وحسرت من
 زین گنه کاری شیرین میسوخت
 * * *

کاش چون برگ خزان رقص مرا
 نیمه شب ماه تماشا میکرد
 در دل بالچه خانه تو
 شور من ، و لوله بریا میکرد

کاش از شاخه سرسبز حیات
 گل اندوه مرا میچیدی
 کاش در شعر من ای مایه عمر
 شعله راز مرا میدیدی
 شعر از: فروغ

ادبی تپه :

دیاردیدن

زما خورده یاره !
 کله چه دی و ویشم ، نو بسو لورختنی کارونه راخه پاتی شی ، او
 زره می غواپی چه یو له درخ تا نه و کورم ، خو هر خومره چه در ته
 گورم ، هغو مره می زره تهراندی کیری ، او به هر خل دی له لهدو بیل
 خوند اخلم ،
 گرانه آشنا !
 ما نه یوازی ستا لیدل تر هر خه زیات دی ، او زما دی تش لیدل
 آرزو ده ،
 خوته ! زما به آشنا بی نور نورگومانونه کوی ، او تش دیدن دی هم
 به ما سیموی ، او هر دیدن دی له نازونو او نخرو سره ملگری وی ،
 مگر زه دی له مکیزونو هم خوند اخلم ،
 خو گوره زما دزره سره آشنا! چه دیدن لورینه دی پرما تل اوسه!
 که خه هم له نازونو او نخرو سره وی ، خو که هر خو دی بنکلی مخه
 گورم ، به لیدو دی نه مپریم ، اوددی لندی به استناد دی له دیدن نه زره
 صبروم :

دیدن دبادو پیمانده ده

نه به پری مورشی ، نه به وتری بارونه

«س، ل»

صفحه ۴۰

دعاشق پیغام

که سا قسی به کر شمو باده په جام کا
 صو فیان به محبت له می مدام کسا
 که دخال دانه د زلفو په دام کښیږدی
 بی حساب دز پر مرغو نه به په دام کسا
 به مستی کی که حجاب له مخه واخلی
 په خندا به قرار زړو نه بی آرام کسا
 بل شوم رقیب له حاله آگاه نه شی
 په ابرودعا شقا نو ته پیغام کسا
 سرو پا تو په خپل خای شی له حیرته
 محبوبا چه و گلزار و ته خرام کسا
 تر گس پورته کتی نه شی له خجلته
 هم لا له یسی له اد به احترام کسا
 قراری به دبلبل په دو د نه مو می
 چه نظریه دغه هسی گل اندام کسا
 هغه زړه چه دنا مو س په حلقه بندوی
 محبت به بی فارغ له تنگ ونام کا
 همیشه به بی زړه خلاص وی له اندوه
 هر چه مینه پر شراب لعل فام کسا
 خام طمع زاهد شه پا تی به انکار کی
 به پخته شی که نظر په می خام کسا
 چه بی خان د آزادی و ملک ته ویو ست
 کریم داد به په خدمت و رته قیام کا
 « کریم داد روښانی ددو لسمی پیری شاعر »

جنون عشق

روزی روم زپیش تو وازدیار تو
 پایاد خاطرات تو ویادگار تو
 لیکن ندانم اینکه چسان بگذرد به من
 آن روز های تلخ
 وان شام های تار
 که دور از نگاه تو
 بارنج بی نهر
 بادرد ناامیدی ویاد جنون عشق
 باز هر نامرادی این عشق ناتمام
 آری ندانم اینکه چسان بگذرد به من
 دوراز وفا و مهر
 در شبر نامرادی ودنیای بیکیسی
 لیلا سرشار روشنی

اولسی ادب :

سپینکی مخ

دید دی چه ونه کرم ټوله ورخ وی به ماغم
 یو ځل که را بنکا ره کړی سپینکی مخ د زړه ملهم
 ستادر کښی زه ولاړ یم د دید ن د باره پاره
 داسترگی را بنکاره کړه که نه مریم د خدای د باره
 به هجر کی دی سو ځم نا زیننه د بی انگاره
 ارمان می را پوره که نوردی پر پرده خپل ستم
 دلبره را پخلا شه زیآ تی مه کړه رانه خنک
 هجران کی دی کړیم داجهان شوراته تنک
 ته شمع بی جا نانه زه یم ستاد مخ بتنگ
 چه شمع را بنکاره شی بتنگ خان کړی پر برعم
 زاخه ای کبر جنه یاره پر پرده ظلم
 لږ رحم په ما وکړه ستا غمو نو کرم تک تور
 بشر چه دی رایاد شی نو زه کی می کوی شور
 چه تاسره یم وصل څه کوم درد وا لسم
 چه ته تاسره سم شی نو پوره به مدعا شی
 هم ورکه به په مایوری دغیر غماز خندا شی
 دا ستا له لورینی به په ما جبهان رها شی
 غمونو ته به خلاص شم هر یو کار به می وی سم
 « شین »

تودر آواز

خروسان بودی!

همه را می دیدم
 که تودامی طلبیدند به اندازه بانگی که
 سحر می طلبد .
 تا فروافتد از چله شب .
 و به اندازه آبی که گیاه
 کم کمک می طلبد
 ناسیدار سپیدی باشد .
 و به اندازه خوابی که صدف -
 تا که مرواریدی ...
 تو هوا بودی و خورشید، و یامرگ بلند ؟
 برک و دریا و زمین -
 همه را می دیدم
 که تودامی طلبیدند به آواز غمین
 از چراغی که درین ایوان سوخت
 تا جایی که در آن تاریکی .
 تودر آواز خروسان بودی .
 کاش بر جسم تومی لغزیدم .

فریادهای

مرگ

من جواب دادم : آری پلیس یکتا را توفیق کرد... لئورانس ریدینگ را پیر زن بعجله گفت :

- لئورانس ریدینگ را ؟ .. عجب، حالانکه من ...

گریزدا باناراحتی حرف او را قطع کرده گفت: من هنوز هم با او تکرده ام البته لئورانس به ارتکاب جنایت اعتراف کرده ولی باز هم این قضیه از نظر من قابل قبول نیست .

میس مارپل گفت: آیا اعتراف هم کرده است؟ گفتید اعتراف کرده است ؟ حالا من می فهمم چقدر در اشتباه بوده ام ... آری خیلی خیلی در اشتباه بوده ام .

گریزدا: ولی من یقین دارم که این حادثه اتفاقی است . لن، آیا تو اینطور فکر نمیکنی؟ من این نتیجه را از روی عمل اخیر او گرفتم یعنی رفتن و به پلیس اعتراف کردن .

میس مارپل باکنجکاوی بسوی او برگشته پرسید: رسام خودش تسلیم شده ؟

- آری .

میس مارپل آه عمیقی کشیده گفت: خیلی خوشحال شدم واقعا از این موضوع خاطر راحت شد .

من با تعجب به او تگریسته گفتم : طبعا این موضوع بیانگر احساس ندامت آن جوان است .

میس مارپل درحالیکه علایم حیرت در چهره پدیدار شده بود اظهار داشت :

- احساس ندامت ؟ آه پدر مقدس، امیدوارم شما این جوان را حقیقتا قاتل تصور نمیکنید .

این بار شکفت زدگی نوبت من بود. گفتم: بدلیل اعترافی که کرده است .

- درست است ولی آیا همین ثابت نمیکند که وی باحادثه قتل هیچگونه ارتباطی ندارد؟

- خیر. من شاید کمی عقب مانده فکر میکنم و مغز زودکار نمیکند مع ذلك این اعتراف هیچ راهی بسوی بیگناهی رسام باز نمیکند . کسی که مرتکب جنایتی نشده چه اجباری دارد نزد پلیس بشتابد و خود را قاتل قلمداد کند ؟

- البته این کار میتواند برای خود دلیلی داشته باشد . همیشه برای هر کاری یک علت وجود دارد. مگر اینطور نیست ؟ مردان جوان خیلی احساساتی هستند و دایما در مورد هر چیز پهلوی های بدی را انتخاب میکنند .

سپس بطرف گریزدا تگریسته گفتم: آیا شما بامن همفکر نیستید عزیزم ؟

گریزدا زیر لب جواب داد :

- میدانم . درست نمیتوانم در اینباره فکر کنم . ممکن نیست آدم بفهمد علت این حرکت احتمانه لئورانس چیست ؟

من اینطور داخل صحبت شدم :

- اگر دیروز شام چهره او را میدیدید ...

میس مارپل گفت: ادامه بدهید .

برای اولحظه باز گشت خود را شرح دادم وزن پیر به دقت گوش فرا داد . وقتی توضیح من پایان رسید، او گفت : میدانم گاهی حماقت گل میکند و نمیتوانم هر چیزی را به آسانی قبول کنم و حالاهم درست نفهمیدم منظور شما

چه بود . اگر یک شخص برای انجام گناهی بزرگ آماده شد. و مرتکب قتل می گسرد پس از ارتکاب قتل نباید آنقدر هراسان و آشفته احوال بشود. زیرا کاری که انجام میدهد مقتضی خونسردی زیاد است تا پلانی که در ذهن خود ترتیب داده به مرحله عمل درآید .

طبعا قاتل کمی وحشت زده شده اشتباهاتی از او سر میزند اما آن چیز دیگری است و جانی هیچگاه چنانکه شما تعریف میکنید با سراسیمگی و دستپاچه در برابر گمان ظاهر نمیشود .

اعتراض کردم: ما وارد جزئیات نیستیم . احتمالا آنها گفتگوی شدید کرده باشند و لئورانس پروتیرو را در يك لحظه عصبانیت شدید به قتل رسانده باشد و بعد در برابر عملی که انجام داده، دستپاچه شده است .

راستش من ترجیح میدهم اینطور فکر کنم .

من میدانم بعضی از انسانها برخی چیزها را ترجیح میدهند، آقای کلمنت . ولسی لازم است حقایق پیش نظر قرار داده شود . آیا اینطور نیست ؟

وقایع و حوادث هیچگاه دنباله رو پندار شما نمیشوند . خدمتگار تان اظهار داشته که آقای ریدینگ پیش از چند دقیقه در خانه نمانده است و برای گفتگو و دعوایی که شما تصور آنرا دارید، در حال وقت بیشتری لازم بوده است . بعلاوه تاجانیکه من شنیدم آقای پروتیرو درحالیکه مشغول نوشتن پیامی بوده به مغزش فیر شده است . این موضوع را ملازم من بمن اظهار داشت .

گریزدا گفت : این موضوع درست است. وی مشغول نوشتن پیامی بوده که گویا میخواسته بنویسد پیش از آن منتظر مانده نمیتواند . در بالای کاغذم ساعت را قید کرده و نوشته شش و بیست دقیقه . ساعت روی میز هم افتاده و روی وقت شش و بیست و دو دقیقه توقف کرده است . و آنچه که من وزن را هم بحیرت افکنده همین موضوع است.

بیرزن زیر لب گفت: خیلی عجیب است . ولی موضوع پیام واقعا مرا متعجب مرسازد. یعنی ...

سپس خاموش شده نگاه به اطراف خود افکند. تئیس پروتیرو در آستانه درب شیشه‌یی ایستاده بود . دختر به اتاق داخل شده با اشاره سر به اسلام داده صبح بخیر گفت .

سپس روی یکی از کوجها افتاده با لحنی جاندار تر و با نشاط تر از همیشه اظهار کرد : نظربه شنیدگی لئورانس ریدینگ را توقیف کرده اند .

گریزدا با سر تایید کتان گفت : آری و این خیلی باعث تاسف ماست .

تئیس گفت: راستش هیچ بفکر من نمی‌آمد که روزی کسی بد زهر را بکشد . یقین دارم خیلی هامایل بودند او را از بین ببرند حتی شاید خودم حاضر بودم با اشتیاق این کار را انجام بدهم .

خونسردی و سخت دلی دخترک واقعا شکفتی آور بود. گریزدا پرسید :

- چیزی نمی نویسی تئیس ؟ و یا نمیخوری؟

- خیر، متشکرم . آدمم پیرسم آیا مسن کلاه پوست خود را اینجا فراموش کرده ام یا خیر؟ شکل عجیب و رنگ زرد دارد. تصور میکنم دیروز آنرا در اتاق کار شما فراموش کرده باشم .

گریزدا جواب داد: اگر اینطور است باید کلاه تا هنوز آنجا باشد زیرا ماری عادت به جمع و جور کردن اشیا ندارد .

تئیس بر پا خاست و گفت : بروم نگاه کنم. از اینکه شما را ناراحت کردم معذرت میخواهم. ولی من مطلقا به هم کردن کلاه های خود عادت کرده ام .

من داخل حرف شده گفتم : می ترسم کلاه خودت را نتوانی امروز بگیری .

زیرا مفتش سلاک درب آن اتاق را قفل کرده است .

- آه، چه ناراحت کننده ! خیلی خوب ولی آیا نمیتوانم از درب شیشه‌یی که به حیاط باز می شود، داخل شوم ؟

- خیر، زیرا آن از داخل بسته است . در حال این روزها فکر نمیکنم بکلاه زرد زیاد احتیاج داشته باشی .

- یعنی منظور تان پوشیدن لباس عزا است؟ من از آنها بی نیستم که لباس عزا در برکنم از نظر من این يك عادت کهنه و بیمورد است در حال مساله لئورانس واقعا خیلی بد شد. سپس ابروها را بالا کشیده نگاهی به اطراف خود افکند و افزود: پسر صورت علت اصلی واقعه من و مایوسم است . و این جدا خیلی مزخرف است .

گریزدا دهان باز کرد چیزی بگوید ولی معلوم نشد بچه علتی حسر فی از آن بیرون نیامد . لبان تئیس از تبسم معنی داری پر شد و به آرامی گفت: بخانه رفته به آن خبر میدهم که لئورانس توقیف شده است . این را گفته از راهی که داخل شده بود ، بیرون رفت.

گریزدا نگاهی به میس مارپل افکنده و گفت: چرا پنجه پای مرا فشار میدهند ؟ پسر زن تبسم کتان جواب داد :

چون دیدم شما می خواستید چیزی بگوئید. باین دلیل پای تانرا فشردم عزیزم . بعضا در برابر حوادث صبور بودن و انتظار تنظیم خود بخودی آنرا کشیدن، امری صواب است .

تئیس راه رفتن تصور نمیکنم آنقدر پریشان باشد حتما او در ذهن خود فکر خاصی دارد و او بدنبال همان مفکوره خود روان است .

درینموقع ماری تک تک زده داخل شد و مالجت، مامور پلیس منطقه ماست . فورا از جا بلند شد م و موقعی که من از اتاق بیرون میرفتم، همسرم دگر باره متوجه بیرزن گردید. گفت : جگرن مالجت آمد.

جگرن مالجت رو به طرفه الفس شیک پوش

و ظریفی است که موهایی قرمزی، نگسا می
عوشیارانه و چشمانی برنگ آبی تیره دارد
همینکه داخل شد، گفت :

- صبح بخیر، آقای کلیمت . واقعه بدی
اتفاق افتاده، هر چند من ازین پروتیروی پیر
و بدبخت کسی که او را دوست داشته باشد ،
وجود ندارد . موقعیت شما هم درین جریان
زیاد تعریف ندارد و امیدوارم همسر شما
ازین حادثه شوک نگرفته باشد .

وقتی به او تعریف کردم که گریز لدا جریان
را خیلی باخونسردی استقبال کرده است، گفت:
- این طور خیلی بهتر است . حسود
یک واقعه جثالی در منزل شخص واقعا پیش
آمد خوبی نیست و راستش من از اینکه
ریدینگ جوان به این شکل مرتکب جنایت
شده، شگفتی زده شدم زیرا هیچ فکر اینکه
شما دچار دزدی میشوید، نبوده است .

نزدیک بود خنده ام بگیرد ولی معلوم میشد
چگونگی مالچت هرگز باین فکر نیست که یک
قاتل در حال جریان کار نمیتواند تفکر درست
داشته باشد. ازین لحاظ جلوگیری را گرفتم.
مالچت روی یکی از کوچپا نشسته اینطور به
سخنان خود ادامه داد: من ازینکه رسام نزد
پلیس رفته و به جنایت اعتراف کرده است،
واقعا متعجب شدم .

- جریان از چه قرار بود ؟
- ساعت ده شام دیشب رسام وارد دفتر
پلیس شده تیانچه خود را روی میز نهاده
و گفته است : اینک آمدم و جنایت را هم من
مرتکب شده ام .

- خوب علت کار خودش را چگونه توضیح
داده است ؟

- زیاد حرف نزده فقط گفته است که برای
دیدن شما وارد اینجا شده و با پروتیرو پرو
گردیده است . نخست گفتگو کرده اند و بعد
ریدینگ عصبانی شده و بطرف او تیر کرده
است ولی علت گفتگو و مشاجره را در ایسام
قرار داده . توجه بفرمائید آقای کلیمت، این
موضوع میان خود ما بماند آیاسما چیزی
ازین موضوع میدانید ؟ من بعضی شایعات
شنیده بودم یعنی در مورد اینکه پروتیرو ،
و رود رسام رابه منزل خودش منع کرده بود.
آیاسما تیس را از راه برده بود ؟ راستش
مانمی خواهیم این دختر به دزدی بیفتد ولی
آیا حقیقت مساله همین است ؟

جواب دادم، خیر. اگر ازمن میشتوید جریان
بکلی غیر ازین است ولی در حال حاضر
نمیتوانم توضیح بیشتری بدهم .

سر خود را بعلامت تاسف چنانچه از جا بلند
شده گفت: از لطف شما خوشنود شدم .

اینجا و آنجا یکسلسله روایات روی زبانها
میگردد. درین دهکده تعداد زنان بیشتر است
و بهمین دلیل شایعه هم زیاد میشود . خوب
در حال من دیگر باید بروم. لازم است
دوکتور بایدوک را ببینم . چند لحظه قبل

وقتی سرانگش را گرفتم گویا ببالین یکی از
بیماران خود رفته بود ولی درین ساعت حتما
برگشته است . راستش را بگویم، من دلسم
بحال ریدینگ می سوزد زیرا من همیشه او را
جوان شریف و آقامنش تشخیص داده ام .
امیدوارم وکیل مدافعش بتواند از او بغویسی
دفاع کند مثل از قبیل خرابی اعصاب یا عارضه
جنون آنی . خصوصا پس از آنکه روشن شد
سبب مهمی در میان نبوده است . اکنون مرخص
می شوم. میل دارید بامن بیایید ؟

- طبعاً .
این را گفته هر دو از خانه خارج شدیم .

دوکتور بایدوک در ویلایی که نزدیک منزل
واقع بود، اقامت داشت . ملازمش باذکر اینکه
دوکتور هم اکنون برگشته است ، مارا بداخل
منزل هدایت کرد. دوکتور پشت میز صبحانه
نشسته مشغول خوردن تخم و زامبون بود .
با اشاره سر بمن سلامی دوستانه داد و افزود:
ازینکه ناچار شدم بیرون بروم معذرت
می خواهم . قضیه یک زایمان بود. در هر
حال تمام شب را مصروف مطالعه امور مربوط
بشما بودم و گلوله را از مغز مقتول بیرون
آوردم .

قطعی کوچکی را در روی میز بطرف ما پیش

گفت: (کالیبر ۲۵ است) .
دوکتور بایدوک سر تکانه تایید کرد :
آری . تفرعات تخنیکي آنرا برای روز بازرسی
م محفوظ نگه میدارم ولی آنچه دانستش برای
شما لازم است الساعه در اختیار تان میگذارم.
مردک درنخستین لحظه مرده است . راستی این
جوان دیوانه چرا بقتل پرو تیرو اقدام کرد؟
و هم اینکه کسی صدای فیرا شنیده ، خیلی
تعجب آور است .

مالچت تصدیق کرده گفت: آری و منم ازین
امر متعجبم .

بقیه در صفحه ۶۳



اولین روز رفتن به مکتب



بردن کودک و شامل شدن آن به مکتب در روز های اول بعضاً موجب مشکلات برای والدین کودک میگردد چه کودک از محیط خانه بیک محیط نا آشنا پا میگذارد و در آن محیط با کودکان دیگر که هیچگونه آشنایی و تماسی در گذشته نداشته است ترس و بیزاری ازین محیط برایش ایجاد میگردد و کودک از آن تاحدی امکان دوری و گریز می نماید. و این دوری و بیزاری بعضاً سبب مشکلات مادر و پدر میگردد.

چون هیچ پدر و مادری نمی خواهند طفل شان بی سواد و بی دانش بار آید ازین روجه هر وسیله که امکان داشته باشد کوشش میکنند که کودک شانرا وادار سازد که به مکتب برود و با این محیط نو آشنا شود. و بعضاً اتفاق افتاده که کودک از رفتن به مکتب امتناع می ورزد و لی والدین کودک با قهر و غضب حتی بالت و کوب کودک را وادار میسازد که به مکتب برود. در حالیکه میتود تعلیم و تربیه امر روزی این شکل را مر دود دانسته و هرگز اجازه نمیدهد که با کودک با ایس شیوه رفتار شود.

در قدم دوم کوشش گردد که برای کودک رفیق جستجو گردد که در خارج از مکتب و صنف باوی در تماس باشد بطور عموم برای والدین لازم است که جداً از هرگونه تشدد با کودکان درین راه خود داری شود. اگر کودک هر قدر با ملایمت و خشرویی رفتار شود و کودک تشویق گردد به همان اندازه بیشتر علاقمند میگردد و به رفتن به مکتب و صنف دلچسپی نشان میدهد. خبر گیری و کمک نمودن طفل به درس ها یکی از عوامل است که کودک را به مکتب علاقمند میسازد و سبب پابندی آن با این محیط میگردد.

برای آنده پدر و مادران که طالب سعادت آینده اطفال شان اند و آرزو دارند که کودکشان با سواد بار آیند خاطر نشان میشود که ابتدا قبل از اینکه کودکشان به سن هفت برسد باید کودک را با وسایل مکتب و مدرسه آشنا ساخت تا کودک طور ناگهانی غافلگیر نشود.

از آداب معاشرت

یکی از شرایط آداب معاشرت این است که هر گاهی در بازار و یاد ر جاده ها با رفیق و یا رفقا گردش میکنید سعی کنید با ملاقات شخص یا اشخاص دیگر رفیق یا رفقا خود را بیجا معطل نسازید. اگر با کدام دوست و یا کدام آشنایی در عرض راه تصادف میکنید صرف به احترام مختصر اکتفا ورزید و بگذرید نه اینکه خود را از رفقا جدا و با دیگری در حالیکه همه انتظار شما را می کشند به صحبت طولانی بپردازید. در همه دعوتها و محافل مخصوصاً در محافل رسمی بایست توجه خاصی بکار برد تا جای خود را شناخته و بنشینید، اگر کارت دعوت شما نمره دارد باید جای تعیین شده را اشغال نماید و اگر کارت شما نمره ندارد باز هم با توجه بحال خود به یک نظر میتوانی جای نشستن خود را پیدا کنید. اگر شما این نکته را را مراعات نکنید و جای خود را شناخته در نظر مردمان سبک و بی تربیت جلوه میکنید.



روان شناسی

شرط اساسی زندگانی خوب عادات خوب است

خود تعمق کند و پروگرام زندگی خود را از نظر بگذارد و فهرستی از عادات خود تهیه نماید. و ملا حظہ نماید که این عادات آیا بسعادت وی در زندگی کمک میکند یا خیر؟ عاداتیکه تا اندازه در سلامت انسان مؤثر هستند و ارتباط مستقیمی در بهبود زندگانی انسان دارد عبارتند از: خوردن، خوابیدن، آشنا شدن و نظافت است. پیشنهاد های ذیل برای ایجادیک

بقیه در صفحه ۵۶

اگر اکثر عادات شما خوب و مطلوب باشد به یقین زندگانی سعادت مند ی دارید. این مطلب بسیار صحیح و منطقی است زیرا که بسیاری از کار های روزانه، بر حسب عادت صورت میگیرند.

روانشنا سان به این عقیده هستند که شخص از یک سلسله عادات ساخته شده است.

برای اینکه زندگی خوب و آرام داشته باشیم هرکس باید کمی در



یک‌رشته هر وارید

- عموما اشخاصیکه زیاد میدانند کم حرف میزنند و کسانیکه کم میدانند پر حرف هستند .
- «ژان ژاک روسو»
- هر چه تمدن جلو تر میرود ، قدرت فردی کمتر میشود .
- (ارتل هیلنس)
- کسانیکه مخالف آزادی دیگرانند خود لیاقت آزادی را ندارند .
- (لینکن)
- ما به خاطر حفظ و بقای آزادی مبارزه میکنم ما مخالف هیچ شخص و ملت و هیچ سیستم نیستیم .
- ولی با آنانیکه مخالف آزادی قیام میکنند مخالفت می نمایم :
- (جان اف کینیدی)
- تا هنگامیکه همگان خوشبخت نباشند ، هیچ فرد به تنهایی معسود نخواهد بود .
- (هربرت سپنر)
- تا که همه گان آزاد نباشند ، هیچکس از مزا یای آزادی کامل بر خور دار شده نمیتواند ، تاوقتیکه همگان صاحب اخلاق نیکو نباشند هیچکس بطور کلی شرافتمند باقی نخواهد ماند .
- (هربرت سپنر)
- چشم گریان دیگران را بانگشاهای مسرت آمیز تبدیل کردن لذت بخش ترین خوشبختی هاست .
- (بودا)
- باید فهمید که قانون در چه کیفیتی وضع شده و هرگز نباید قوانین را از کیفیتیکه در آنها وضع شده جدا نمود .
- (مو نسیسکو)
- (فرستنده : نریمان ، ن)

اندیشه‌های جوانان

شاغلی محمد امان:



داشتن تصمیم قاطع و خلل ناپذیر از خصایل عمده يك جوان است . جوان باید سمبول فداکاری ، صداقت و امانت داری در بین مردم خود باشد .

جوان دارائی يك بینش علمی بوده شرایط زمانی و مکانی خود را درک و دیده های ماحول خود را پیوسته بر اساس واقعیت های عینی تجزیه و تحلیل نماید و پایه های علمی بینش خود را پیوسته استوار تر و متین تر نماید . روحیه انتقاد و انتقاد پذیری سالم و مثبت را در خود پرورش دهد .

جامعه و مردم خود را بشناسد ، از موقف خطیر سازندگی خود در جامعه آگاهی کامل داشته باشد .

وبالآخره نقش خود را در جهت بر آورده ساختن آرمانها و خواسته های مردمش و در جهت عمران و پیشرفت وطنش آنطوریکه تاریخی برایش محول کرده و آنطوریکه مردم از وی توقع دارند به وجه احسن ایفا نماید .

جوانی مانند نهالی پرثمریست که در همین موسم باید ازان حاصل گرفت .

وقتی يك دهقان نهالی را در زمین غرس می کند و همیشه ازان واری می کند به فکر آن است که روزی از حاصل اش استفاده کند اما اگر همین دهقان بداند که نهال در جوانی کدام حاصلی نمی دهد هرگز ازان واری نکرده و هرگز این نهال بی ثمر را در زمین غرس نمی کند !-

به عقیده من جوانیکه به زندگی اش علاقه دارد به فامیلش علاقه دارد به کشورش علاقه دارد باید در همین موسم از هیچگونه سعی و تلاش که در آن منفعت همگانی نهبته باشد دریغ نه ورزد .



اسدالله «شیرنگ» معلم صنف ۱۲

نجیب اله «رهنورد»

بعقیده من نخستین اصلی که هر جوان باید ازان برخوردار باشد عبارت از داشتن حس وطنپرستی ، ایثار و فداکاری است که هر جوان به مفهوم واقعی آن به این اصل معتقد می باشد .

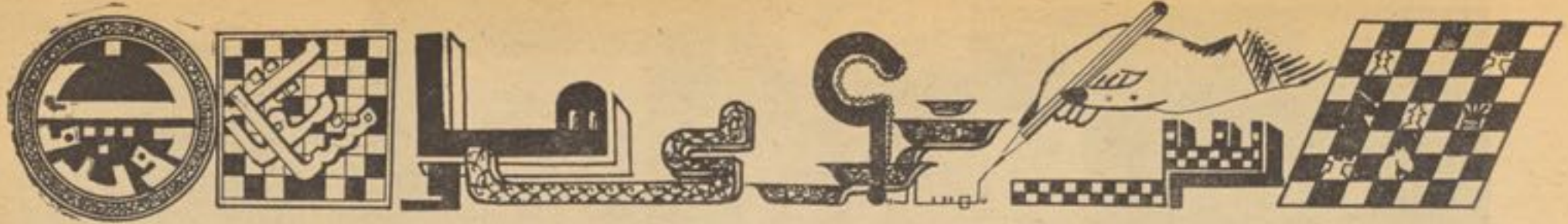
دومین رسالت ملی نسل جوان عبارت از احترام به اصل و وظیفه ، اجرای آن به بهترین صورت ممکنه و مبارزه با خرافاتی که بر مبنای سست استوار شده میباشد .



جدید ترین طرح از خیاطان پاریس با فرا رسیدن فصل سرد مساحه ها ن پاریس چند مودل زیبای بطولون را برای علاقمندان مود عرضه داشته است . این شش طرح کاملا جدید از طرف بسیاری جوانان پاریس مورد استقبال قرار گرفته است . طرح که این مود لها را تهیه نموده است کوشش نمود که ذوق و علاقه جوانان را باین چند طرح جلب نماید نکته ای که قابل یاد آوریست این است که این شش طرح برای هر نوع ذوق قابل پذیرش است و استقبال جوانان پاریسی از این طرح ها خود ثابت میسازد که طراحان تا چه اندازه در کار خویش موفق بوده است .

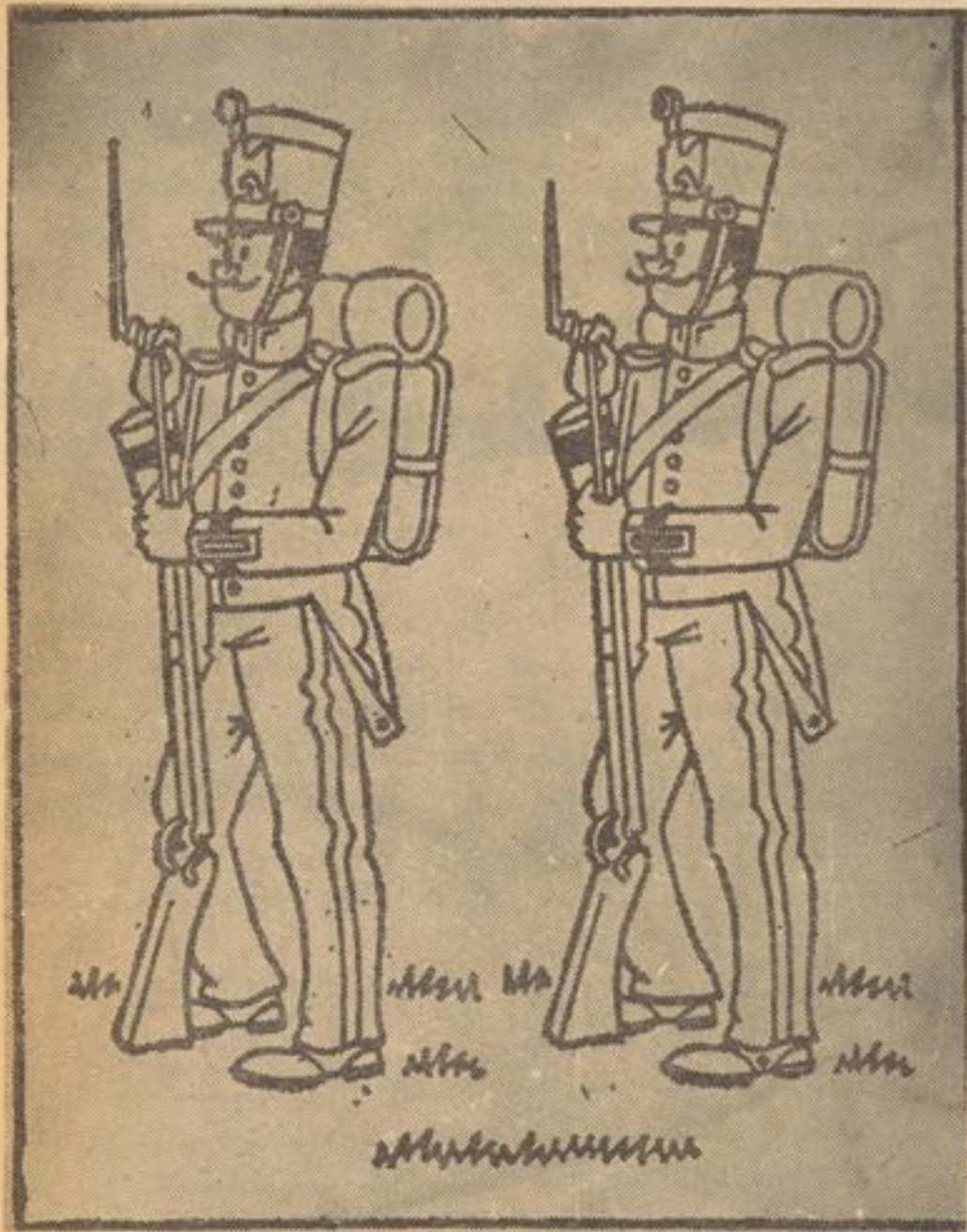
مود جوانان





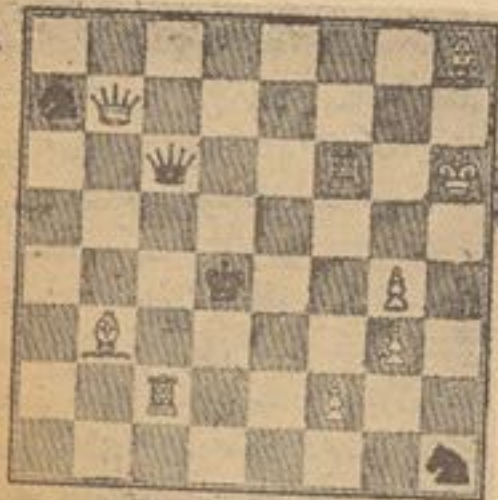
چند اختلاف

جدول ادبی



- ما این بار جدولی را طرح کردیم که آثار مشهور بعضی از نویسندگان های جهان را گنجانیده ایم شما بعد از شرح آنرا خانه پری نمایند .
- ۱- درنده .
 - ۲- از نوشته های فرانتس کافکا .
 - ۳- اثری از گونه نویسنده مشهور المانی .
 - ۴- اثری از نویسنده روسی .
 - ۵- کتابی از ولتر نویسنده مشهور فرانسوی .
 - ۶- باز هم اثری از نویسنده مشهور چکسلواکی .
 - ۷- اثری از لا مارتین .
 - ۸- کتابی از اشتفان زوا یک نویسنده اطریشی .
 - ۹- اثری از گوگول .
 - ۱۰- باز هم اثری از کافکا .
 - ۱۱- کتابی از فرانتس کافکا .
 - ۱۲- نوشته از پروسپه دوموریه .
 - ۱۳- کتاب مشهور ارسطو .
 - ۱۴- کتاب از نویسنده انگلیسی دافنه دو موریه .
 - ۱۵- اثری از ناتیل هاتورن .
 - ۱۶- مشهور ترین اثر افلاطون .
 - ۱۷- کتابی از نویسنده امریکایی ورکورد .
 - ۱۸- اثری از پرل باک نویسنده امریکایی .
 - ۱۹- کتابی از نویسنده مشهور شرقی را بیندرنات تاگور .

بین این دو تصویر که ظاهراً باهم شبیه هستند چندین اختلاف وجود دارد آیا میتوانید قسمت هایی را که دو تصویر ازهم فرق دارد پیدا کنید؟



مسئله تشریح

درین مسأله سفید بازی را شروع نموده در دو حرکت سیاه را مات میکند ، حال شما طرز حرکت اول و دوم مهره های سفید را بمانویسید .

او کیست

همه کسانی که اهل مطالعه و کتاب و مجله هستند او را می شناسند ما هم بپوگرانی او را برای تان می نویسیم که بشما دریافتن اسم او کمک کند او کار نویسندگی را پیش از اینکسه به مرز ۱۸ سالگی گام نهاد بانوشتن مقاله برای روز نامه کوچک برادرش بنام « هانیبال ژورنال » آغاز کرد و تا پایان عمر از نوشتن و مطالعه کردن دست نکشید. این نویسنده بزرگ در ۳۰ نوامبر ۱۸۲۵ در فلوریسدا چشم بزنگی گشود پدرش تاجر تنگدستی بود و « او » در ۱۲ سالگی ناگزیر شد که مدرسه را ترک گوید و شاگرد یک نقاش بشود در آن هنگام شوق جهانگردی در وجودش بر انگیزته شد و در سال ۱۸۵۳ او نقاشی را پشت دنیال کرد و در نیو یورک و فیلا دلفیا به کشیدن تابلو و کار های نقاشی پرداخت بعداً به برازیل سفر کرد و در این سفر بفر افتاد که پیلوت شود اما به هنگام جنگ های داخلی امریکا او حرفه تازه را پیشه کرد استخراج معادن! در آن روز ها ، هر وقت هوانامساعد بود او به نویسندگی پناه میبرد و بعضی از نوشته های خود را بنام مستعار خود برای روز نامه « انتر برایز » ویر جینیامیفرستاد . ناشر این روز نامه از روی این نوشته ها به استعداد او بی برداو را با ۲۵ دلار در هفته به عنوان سر دبیر محلی استخدام کرد در شغل جدید او نویسنده چیره دست استعداد سر شاری ابراز داشت و بعد نام مستعاری را که بگوش همه کسانی که اهل مطالعه هستند آشنا است برای امضای داستان هایی که می نوشت انتخاب کرد بسوازات نویسندگی بکار در معدن نیز ادامه داد اما ثروتی نیندوخت و در عوض به انتشار داستان « قورباغه جهنده » دامن شهرت خود را بسراسر امریکا گسترش بخشیدند بدنیال انتشار این داستان اوزمینة مساعدتری برای دریافت پول در برابر آناز قلمی خود بدست آورده و نوشته های خود را در بازار داغ تری عرضه کرد . او در سال ۱۸۷۰ با « اولیویانک دون » دختری از « المیرا » در نیویارک بیوند زناشوئی بست و در این

بقیه در صفحه ۵۷

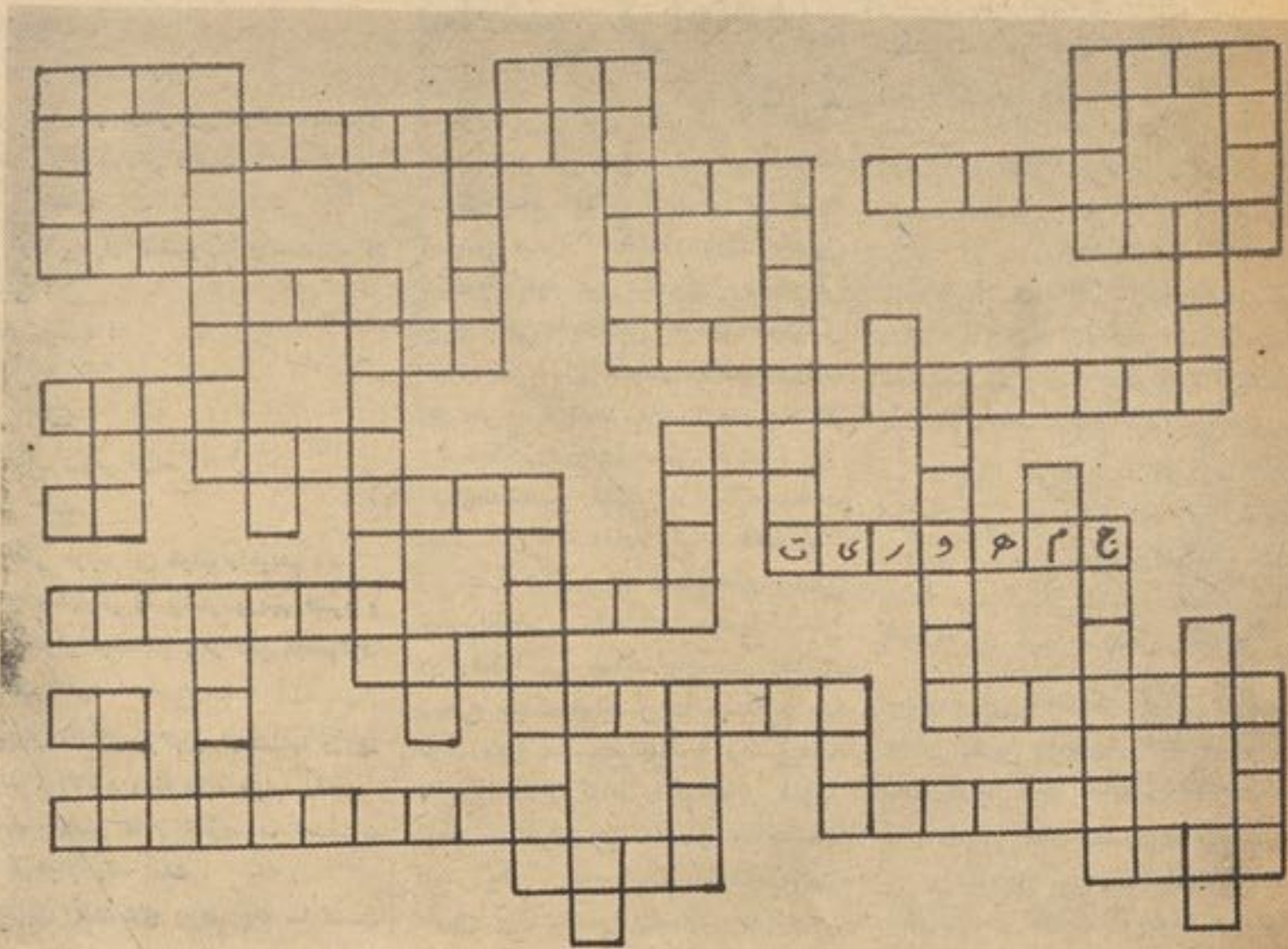
- ۳۱- فلمی به اشتراك و جنتی مالا .
- ۳۲- ستاره فقید سینمای شرق .
- ۳۳- قیمت ترین سنگهای جهان .
- ۳۴- رفیق .
- ۳۵- حیوان باربر عربی .
- ۳۶- از روز نامه های کشور .
- ۳۷- کشور یاوطن .
- ۳۸- یکجا و رفیق .
- ۳۹- در بدن است .
- ۴۰- ستاره از سینمای شرق .
- ۴۱- مهربانی .
- ۴۲- جای گل ود رخت ها .
- ۴۳- فلمی از سر زمین هند .
- ۴۴- کلید جدول .
- ۴۵- فلمی از سینمای غرب .
- ۴۶- دروازه دهن .
- ۴۷- شکل سه ضلعی .
- ۴۸- از کشور های جهان .
- ۴۹- دعوای پراکنده .
- ۵۰- دیدن ها .
- ۵۱- دو بیست جمع جراح .
- ۵۲- حرف اشاره .
- ۵۳- از بر اعظم های دنیا .
- ۵۴- از هنر مندان فلمهای هند .
- ۵۵- چند لغت .
- ۵۶- نصف داستان « دن کیشوت »

باتغییر حرف آخر .

طرح کننده هوسی « غشی »

جدول جدید

- ۱۴- از پوشیدنی ها .
 - ۱۵- از گوه های مشهور آسیا .
 - ۱۶- عدد بیگانه .
 - ۱۷- در پیاله ساقی .
 - ۱۸- هزار کیلو .
 - ۱۹- قضیه این عالم بشمار مشهور است .
 - ۲۰- از میوه جات خشک ز مانی هم ترمی باشد .
 - ۲۱- درنده .
 - ۲۲- از خوانندگان مشهور موسیقی شرق .
 - ۲۳- سمبل بازیکی .
 - ۲۴- یکی از آنها دیوانه است .
 - ۲۵- معده بزبان بیگانگان .
 - ۲۶- بزرگترین حیوان .
 - ۲۷- اکت کردن .
 - ۲۸- مردم در پشتو .
 - ۲۹- موسم آن می آید .
 - ۳۰- مردانگی .
- ۱- گشتنده .
 - ۲- ملت ها .
 - ۳- از خوردنی ها .
 - ۴- شب معکوس .
 - ۵- ضد خوشی .
 - ۶- جمع جواهر .
 - ۷- زاوی معکوس .
 - ۸- جام آن مشهور است .
 - ۹- از شفا خانه های کشور .
 - ۱۰- محل .
 - ۱۱- ساج معشوش .
 - ۱۲- آخرش را حذف کنید تا التهایی گردد .
 - ۱۳- دشمن « پشتو » .



در راه طوفانی

- دیگر سرت ناوقت میشود .
 دختر گفت :
 - متشکرم ، (نوت) .
 پسر گفت :
 - سی روز .
 دختر پرسید :
 - چی گفتی ؟
 پسر جواب داد :
 - سی روز را در یک خانه کج چوبی زندانی
 میشوم . بهای بوسه بی که از تو گرفتیم .
 دختر گفت :
 - من ... من متاسفم . و لسی من ازت
 نخواستم فرار کنی .
 پسر گفت :
 - میدانم .
 دختر گفت :
 - مطمئنا به خاطر این کار احمقانه به تو
 نشان قبرمانی نخواهند داد .
 (نوت) گفت :
 - چه خوب است آدم قبرمان باشد .
 آیا (هنری استیوارت چاسن) قبرمان است ؟
 (کاترین) جواب داد :
 - میدانی ، تو چقدر متعرض هستی؟ (هنری)
 - اگر موقعیت بهش دست دهد، شاید
 قبرمان شود .
 دختر باناراحتی دریافت که هنوز قدم میزنند.
 خداحافظی فراموش شده بود .
 پسر سوال کرد :
 - تو واقعا او را دوست داری ؟
 دختر با حارت جواب داد :
 - مطمئنم که دوستش دارم . اگر دوستش
 نمیداشتم ، با او ازدواج نمیکردم .
 پسر پرسید :
 - از چه چیز او خوشش می آید ؟
 دختر جواب داد :
 - صادقانه بگویم ...
 بعد ، ایستاد و پرسید :
 - میدانی ، تو چقدر متعرض هستی ؟ «هنری»
 صفتهای خیلی خوب دارد . شاید هم صفتهای
 بدی داشته باشد . ولی اینها به تو مربوط
 نیست . من (هنری) را دوست دارم و نمیخواهم
 درباره صفات نیک او با تو گپ بزنم .
 (نوت) گفت :
 - متاسفم !
 (کاترین) گفت :
 - صادقانه !
 پسر دوباره او را بوسید . دوباره بوسیدش
 زیرا دختر این کار را میخواست .
 * * *
 حالا به باغ بزرگی رسیده بودند . (کاترین)
 پرسید :
 صفحه ۵۰

- چطور اینقدر از خانه دور شده ایم ؟
 پسر جواب داد :
 - گامی به جلو . بعد هم گامی دیگر ... روی
 برگها و بالای پلها ...
 دختر گفت :
 - بدینصورت گامها اضافه شده میروند .
 زنک برج مکتب به صدا درآمد . (نوت)
 گفت :
 - مدرسه نایبایان .
 (کاترین) گفت :
 - مدرسه نایبایان .
 بعد سرش را با شکفتی خواب آلودی تکان
 داد :
 - من باید برگردم .
 پسر گفت :
 - و خداحافظی کنی .
 دختر گفت :
 - هر وقت این کلمه عارا میگویم ، به نظر
 می آید که بوسیده میشوم .
 پسر زیر درخت سب کهنسالی روی سبزه
 هانست و به دختر گفت :
 - بشین !
 دختر گفت :
 - نی .
 پسر گفت :
 - بهت دست نخواهم زد .
 دختر گفت :
 - به تو اعتماد ندارم .
 بعد ، چند متر دورتر زیر درخت دیگری
 نشست . و چشمهایش را بست .
 پسر گفت :
 - خوب (هنری استیوارت چاسن) را
 می بینی ؟
 دختر پرسید :
 - چی ؟
 پسر گفت :
 - خواب شوهر آینده .
 دختر گفت :
 - خیلی خوب ، این خواب را خواهم دید .
 دختر پلنگهایش را بیشتر رویهم فشرد و
 تصویر شوهر آینده اش را در ذهن مجسم کرد .
 پسر تازه کشید .
 زنبوران در لای برگهای درختها وز وز
 میکردند . (کاترین) تقریبا به خواب رفته .
 وقتی چشمهایش را باز کرد ، دید که نوت
 واقعا به خواب رفته است .
 (کاترین) گذاشت که (نوت) يك ساعت
 بخوابد . درین مدت با تمام قلبش او را ستایش
 میکرد .
 سایه درختهای سیب به سوی مشرق درازتر

شد و زنک برج مدرسه به صدا درآمد .
 مرغی به خواندن پرداخت .
 در دور دستها موتری سلف زد و چالان نشد .
 باز هم سلف زد و چالان نشد . باز هم چالان
 نشد .
 (کاترین) نزدیک (نوت) رفته . کنارش
 زانو زد و گفت :
 - (نوت) ؟
 پسر چشمهایش را باز کرد :
 - هم ... م ... م ...
 دختر گفت :
 - ناوقت شده .
 پسر گفت :
 - سلام (کاترین) !
 (کاترین) گفت :
 - سلام (نوت) !
 پسر گفت :
 - دوستت دارم .
 دختر گفت :
 - میدانم .
 پسر گفت :
 - دیگر دیر شده ها ؟
 دختر گفت :
 - ها ، دیر شده .
 پسر برخاست . ناله کنان تمدد اعصاب کرد
 و گفت :
 - راه پیمایی خوبی بود .
 دختر گفت :

- به نظرم هم همینطور .
 پسر سوال کرد :
 - همینجا از هم جدا شویم ؟
 دختر پرسید :
 - کجا میخواهی بروی ؟
 پسر جواب داد :
 - میروم شهر . بعد به آن خانه کج چوبی .
 دختر گفت :
 - خوشبخت باشی .
 پسر گفت :
 - تو هم .
 بعد ، پرسید :
 - (کاترین) ، یامن ازدواج میکنی ؟
 دختر جواب داد :
 - نی .
 - پسر لبخند زد . لغتی خیره خیره دختر
 را نگریست . بعد ، باشتاب از او دور شد .
 (کاترین) او را دید که در میان چشم انداز
 سایه ها و درختها کسوجکتر شده می رود .
 فهمید که اگر حالا (نوت) بایستد و رویش را
 بگرداند او را صدا کند ، وی به سوی او خواهد
 دوید . چاره بی نداشت جز اینکه به سوی
 او بدود .
 و (نوت) ایستاد . رویش را گشتانید و
 صدازد .
 - (کاترین) !
 دختر به سوی او دوید . دستهایش را به
 دور پسر حلقه کرد و توانست چیزی بگوید .

ساختن گرامافون

يك فرق دیگر صفحات قابل دید
 تیلیفون کن به تیل دیک از گرامافون-
 نهی صو تی در آنست که صفحه
 بدون سطح انکایی گردش می نماید
 در سرعت ۱۵۰۰ دور در دقیقه بین
 صفحه و پایه غیر متحرك بودن هوایی
 بوجود می آید این هوای تشکیل
 شده ضربات عمودی صفحه را از-
 بین می برد انحرافات از سطح افقی
 ۵۰ میکرون زیادتر نمی گردد .
 متخصصین فلپس از ترکیبات
 میخا نیکی استفاده کرده اند که با
 سرعت ۳۵ دور در دقیقه دور می
 خورد اول سوزنک را درینجا شعاع
 لازیر اجرا می نماید پاراستر های
 شعاع منعکسه بصورت مستقیم با
 طول عمق حاسطح صفحه و مسافه
 بین آنها ارتباط دارد فوتو دیود ،
 اشارات نوری را به نوسانات
 الکتري یکی که بعد از نقدیه شدن به
 تلویز یون داده می شود تبدیل می
 نماید کمپنی هالندی خصوصیت
 ساختمانی سیستم خود را بسیار

واضح نمی نماید در مطبوعات شان
 فقط پرنسیپ های عمومی ساختمان
 آن ها ذکر گردیده است نظر به
 بعضی اعلانات خواسته اند که اهالی
 را نظر به معلق نبودن آنها اطمینان
 بدهند و معلوم می گردد که ایسن
 ترتیبات باید ارزان باشد .
 اولین صفحه قابل دید در جون
 سال ۱۹۷۰ با اجرای نما یس
 خواننده معروف و عصری مانویسل
 ثبت گردید . در نزد شما در اخیر این
 سوال پیدا خواهد شد که آزمایشات
 این کمپنی چه وقت ازلا براتوار
 بدست مردمان خواهد افتید؟ نظر
 به اعلایه کمپنی «تیل دیک» در سال
 ۱۹۷۳ باید ازین صفحات قابل دید
 استفاده می شد مگر کمپنی هالندی
 به فکر خوب ساختن شرایط استحصال
 آن در ظرف چند سال آینده می
 باشد . بهر حال بصورت عمومی
 می توانیم که ثبت صفحات قابل دید
 دارای آینده درخشان بوده و به تمام
 وعده و وعید ها جواب قناعت بخش
 خواهد داد .

افسردگی چیست

بی درکار عادی، و یا چیز لذتبخشی شبیه آن شاید بهترین در مان افسردگی خفیف باشد. من عملاً دوستان خودم را دیده ام که کمی دلنگ بوده اند.

آنان پس از چند هفته رخصتی خوش، با روحیه تازه بی سر کار برگشته اند.

مگر این تدبیر در افسردگیهای شدید کار گر نمیافتد.

برخی همه به آدمهای افسرده پیشنهاد میکنند که بروند و خود شان را مست کنند ولی من فکر نمیکنم که این کار درمان خوبی برای افسردگی باشد بعضی از مردم در یافته اند که استعمال الکول طبیعت شان را دیگر میکند و از شدت اضطراب میکا عد ولی اعتیاد به الکول که بعداً فرا می رسد بدتر، از اصل بیماری افسردگیست.

س- انسان چگونه از افسردگی شدید میتواند رهایی یابد، به خصوص اگر این شخص کاری سخت و برمسؤولیتی رابه عهده داشته باشد؟

براون-موضوع دلچسپ است. درین زمینه نمونه بی از بهبود موفقا نه به دست داریم. این نمونه عبارت است از سناتور توماس ایگلتون. وی هنگامی که در سال ۱۹۷۲ از طرف حزب دموکرات نامزدی کرسی معاو نیت رئیس جمهور را داشت، بیماری افسردگیش به اوج رسیده بود.

به نظر من بهبود یافتن سنا تور ایگلتون گام بزرگی به جلو بود. ما امید داریم که مردم، با نظر داشت مثال سناتور ایگلتون و مثالهای دیگر در یابند که انسان شاید به افسردگی دچار شود، به بیماری ستان رود و در مان گر دد، و لی بعد، دو باره به زندگی عادی- بپردازد و از لذتهای آن بر خور درازای قرون در یافته است که وقفه دار شود.

در جنگلات مصنوعی درختان زود رس و دیر رس شامل می باشند. وی علاوه میکند:

- ولایات شرقی و شمال غربی کشور، از حیث دارا بودن جنگلات، حایز اهمیت است، که در آن ها درختان و جنگل های عمده ارجیه، لمتز، بلوط و پسته وجود دارد.

ژوندون: در شماره آینده گزارش دیگر ما را پیرامون ۵۴ ملیون هکتار زمین علفچر ها و بهره برداری از حیوانات وحشی مطالعه خواهید کرد.

دیر، فایق دیگر، خانه دیگر، مساحت خارج و مانند اینها میا ندا زد. چیزی که من در گردش خودم در کشور های جهان در یافته ام، این است که اگر انسان به سهم خودش قناعت میکرد، دیگر اضطراب، کشمکش و ندرتا افسردگی که زاده تو قعات ماست، به میان نمیامد.

س- آیا آب و هوا به چگونگی افسردگی تأثیری داری؟

براون- شماره خود کشیها در شهر های مختلف جهان فرق میکند درین زمینه که آیا آب و هوا در ین خود کشیها عاملی موثر هست یا نی ماطمئن نیستیم.

بررسیها بی که در سو یتزرلند انجام شده نشان میدهد که هنگام ورزش فوهرن شماره خود کشی و جنایت در آن کشور به صورت چشمگیری افزایش مییابد. فوهرن باد خشک و گرمیست که در دره های آن سرزمین میوزد.

دا نشمندان در زمینه تأثیر آب و هوا بر عملیه های دماغی ما تحقیقاتی انجام داده اند. اصل این پرسش سؤالیست کهنه. ولی بسیاری از بررسیها درین مورد هنوز بی نتیجه مانده است. غالباً از من میپرسند که در هنگام گر سمس بر سر خود کشی و افسردگی چه میاید.

س- خوب چه می آید؟
براون- ما با شکفتی در یافته ایم که در حوالی گر سمس میزان خود کشی کاهش مییابد و پس از آن در آغاز بهار، این میزان افزایش را نشان میدهد.

س- آیا رفتن به یک مجلس رقص پایک هفته رخصتی کنار در ینا در بهبود افسردگی خفیف سود مند هست؟

براون- به نظر من خرد آدمی در درازای قرون در یافته است که وقفه دار شود. انام رئیس جنگلات و علفچر های وزارت زراعت، جنگل ها را در افغانستان، اینطور طبقه بندی میکنند:

- بصورت عمومی فعلا دو نوع جنگلات وجود دارد، که از نظر علمی به جنگل های مصنوعی و طبیعی طبقه بندی شده اند. جنگل های طبیعی، مشتمل از درختان سوزنی برگه صنعتی و غیر صنعتی و پهن برگ متمر و مخروطی می باشند.



گوشه ای از جنگلات انبوهی که هم اکنون تحت کنترل ریاست جنگلات قرار دارد

انبوه جنگل ها

جانبی در صدور آن به خارج نیز، جنگل های پسته می باشند. مانعی وجود نداشت.

چنانچه در هر سال ده چند ضرورت درختان قطع می گردید و صرف یک حصه آن مصرف می شد، باقی مانده یا بصورت ضایعات در خود جنگل ها از بین میرفت و یا به خارج از کشور برده میشد اما وزارت زراعت امسال امور جنگل ها را تحت اداره و کنترل شدید قرار داده، صدور آن به خارج از وطن بکلی ممنوع اعلام گردیده است. چوب های قطع شده جنگل ها توسط دولت خریداری میگردد و سعی بر آن میشود تا با حد اعظم استفاده از تمام قسمت های درخت، صرفه جویی مثبت به عمل آید.

رئیس جنگلات می گوید:

- پرو گرام های دیگری در باره جنگل های پسته داریم، تطبیق این پروگرام ها، در مناطق باد غیس، سمنگان و بدخشان صورت می گیرد، چه این ساحات کشور، مناطق اصلی

برای بهتر شدن امور جنگل ها، در نظر است، تا ما مورینی به سوبه های اوسط و عالی بنام خنکل سار، خنکل کار، خنکل پای، خنکل یاز، خنکلدار و خنکل وال که از بکلوریاتا ماستری تحصیل دارند استخدام و به کار گماشته شوند.

پرو گرام کوپراتیف جنگل داران، موضوع دیگری است که برای توسعه و بهبود جنگل های کشور کمک خواهد کرد.

د برابر پرسش دیگرم، بناغلی



درساعت سازی



حماقت

زن وشو مری خفته بودند که زن ناگهان شروع کرد به لگد زدن و نالیدن.
شو مری بیدار شد و زن را هم بیدار کرد و علت آن حرکات را پرسید.
زن گفت: خواب بدی دیدم، متوحش شدم خواب دیدم که مرده ام و می خواهند دفنم کنند! شو مری گفت: پس من چه احمق بودم که ترا بیدار کردم!



وقتی تایپ و خواندن بلد نیستی چطور میتوانیم ترا استخدام کنیم

دو مهر تبه خوشی

مردی پر خور با يك نفر کسور هنگام افکار هم مجموعی شد قضا را کوراز پر خوار شکم خواره تر بوده و مجال به او نمی داد هنگام رفتن پر خوار به صاحب خانه گفت: آقا خانه احسانت آباد. من امشب دو دفعه از تو شاد شدم اول بار بدان جهت که مرا با کوری هم مجموعی نمودی و چنین انگاشتم که کاملاً خواهم خورد دوم آنکه سپس از فراغ از خوردن شاد شدم که این کور خود مرا هم نخورد

ژوندون

کتاب



برای محافظت از تنفس هوای آلوده و کثیف

هیبت الله

مردی از شخصی پرسید تا مت چیست؟ گفت هیبت الله گفت: راست می گویی یا میخواهی ما را بترسانی؟

صبح زن وقتی از خواب بیدار شد روبه شوهر کرد و پرسید: عزیزم، آن کتابی را که دیشب داشتیم می خواندم، ندیدی؟ شوهر جواب داد: کدام کتاب را میگوئی؟ زن گفت: همان کتاب (چگونه میتوان صد سال عمر کرد) را میگویم. شوهر جواب داد: عزیزم دنبالش نکردم، من آنرا سوزاندم! زن پرسید: چرا برای چه؟ شو مری جواب داد: چون مادرت دنبالش می گشت، ترسیدم آنرا پیدا کرده و بخواند!



چون همیشه مزاحم میشد من هم آرامش کردم



بچه خاموش باش که من بخیا لم جوړه اش را گرفتم

لباس داماد

و عروس

پدری، فر زندان خویش را
 نصیحت و موعظت میکرد، در ضمن
 صحبت گفت،
 - این که در شب عروسی، عروس
 لباس سمیّد می پوشد، برای این
 است که آن شب خوشترین شبهای
 زندگی او است.
 فریده دخترش به میان حرفش
 دویده گفت!
 - پس چرا، داماد در این شب
 لباس سیاه می پوشد؟
 رضا برادرش جواب داد.
 - چون آنشب، شب وفات آزادی
 مرد است.



بدون شرح

حادثه موتر

دو نفر که به سختی مجروح شده
 و تمام بدنشان بتداژ شده بود رو
 بروی هم در شفاخانه بستر شده بودند
 یکی از آنها به دیگری گفت!
 - مثل این که خیلی سخت مجروح
 شده اید؟

- بلی، بسیار نا راحت هستم.
 - حادثه بی برای یتان پیش آمده؟
 - بلی.
 - از بدبختی حادثه موتر؟
 - همین طور است.
 - موتر تان با موتر دیگری تصادم
 کرد؟

- نه خیر، در راه خانم مرا مجبور
 ساخت تا جلو موتر را بگیرد ولی مقصر
 من بودم که گذاشتم زخم پشت جلو
 بنشیند.

- خیلی بی احتیاطی کردی
 اید.

- سپس از چند لحظه مجروح دومی
 به اولی گفت!
 - حالا شما مثل این که از حال من
 بدتر است، برای شما هم حادثه
 بی رخ داده؟
 - بلی، تقریباً
 حادثه موتر؟

- بلی گفته می توانیم اسمش را
 حادثه موتر!
 - تصادم کردید؟
 - هیچ کدام، چون نمی خواستم
 زخم پشت جلو موتر بنشیند، مرا
 به این روز انداخت.



ترا راهی مرا راهی

خورد هقان

دهقانی باخرش که باز گندم
 داشت وارد شهر شد چون در بین
 شهر بیروبار زیاد بود و خور
 بدرستی راه رفته نمی توانست
 دهقان قهر شده و با چوب خر را
 میزد و این وقت که دلش
 به حال حیوان بیچاره سوخت نزدیک
 آمده و گفت چرا اینقدر حیوان بی زبان
 را میزنی دهقان جواب داد ببخشید
 من نمی دانستم که خر در شهر
 رفیق ها زیاد دارد.



خواب میکنی به بلایم اما ای خور خوردنت مره به مطالعه نمی ماند

دامین افغا نیور لیکنه

«کوډی»



خبری کوی.. اوددی سپکو سپو رو
 او تورو نو، تومتونو تصور هغی ته
 سخته غوسه ور وستله .
 خو شیبی بی همدا سی فکر کاوه
 چه ناخایه دگلانی بیی خسک چرک
 راغی اود هغی دکوئی مخی ته په یوه
 پشه ودرید. خو واره بی کر کسری
 وکړی ، او خپل سر بی ها خوا دیکخوا
 وراوه. اوچه بنیرازی چرک ته
 وکتل نویی خپله پنه را واخیستله،
 اوبه خسک چرک بی گوزار کړه.
 دچرک دوزرونو توپ ترپ شو چه
 بهوار خطا بی سره بی نیول اودویری
 او تعجب له زوره بی کر کړی کولی
 بنیرازی په غوسی سره ویل:
 «خینتن دی مرشه چا خو
 کوډی دربانندی ندی کړی چه دمین
 په شان راشی او زما خولی ته و
 دریری.. دلته خو می دا خای ستا
 دمرداری دپاره ندی جارو کړی او..
 جارو مریه!»
 گلانی بیی چه دا وینا له خپلسی
 کوئی نه واوریدله نویی خپله ملا چه
 سخته خبر پکته پکی وشوه سیخه کړه، او
 به پینو ودریده، او غوښتل بیی چه له
 کوئی څخه ووخی .خو چه چرک ته
 بی پام شو نویی ولیدل چه په یوه
 پشه لکیدلی، او گوډ شویدی. هر
 خومره قهر او غوسه چه بی یه
 ستونی کی غوټه شوی وه، په ترخی
 ژړابده شوه. او شیبی پسن یسی
 دپسرلی دباران په شان له سترگو
 نه اوښکو داری وعلی. او په ژړاژړا
 کی بی مری هم ستایل ادکی مور،
 آبا، ترور، ورور، او څه بی چه مړه
 شوی وو وستایل، او که هر څو
 دنازوو ادی ډاډینه ور کو له او مرو
 ته بی دعا کوله هغه نه ډاډه کیدله او
 ژړایی لایسی زور اخیست.. پشه
 شیبی دنازورو ادی هڅه وکړه تر
 هغو چه غلی شوه او له جغو نه
 کیناسته به سلگو شوه او بیایی
 دلیوگی به شان منډه کړه اود بنیرازی
 دکوئی مخی ته ودریده. دواړه لاسونه
 بی په ملاپوری ونیول او جغه یسی
 کړه:
 «ته زما چرک کوډوی.. دا چرک

بنجخو ترمنځ ورکه شوه. خود گلانی
 بیی توری چرکی هسی بی گتی او
 تشه هڅه کوله چه هغه شنه بڅنه
 گولی پیدا کړی په مینوکه کی یسی
 ونیسی اود نورو چرکو جور گوډو
 به ډله کینی پری وویاړی .
 ها خوا به بله کوټه کینی بنیرازه
 دتبی پراڼک یادمار په شان تاویده
 را تاویده اود غوسی له زوره بی ساتنده
 تنده چلیدله. دگلانی بیی په لندوی
 وینا سخته غوسه ورغلی وه...
 همدا سی بی له خانه سره سو-
 چونه کول چه څنگه تاجی بدی پینی
 بانندی خبری کړی .
 تاجی دگلانی زوی اود بنیرازی
 میره وچه اصلی نوم بی تاج گل و
 خود غوسی او خپگان به وخت کینی
 به هم مور او هم بنیرازی تاجی پاله.
 او تاجی له دی پینو څخه ناخبره به
 کرونده کی پکار لکیاؤ... پشه شیبی
 تیره شوه. گلانه بیی اود نازورو مور
 په کوټه کینی سره بستیدلی او خبری
 بی کولی خو بنیرازی دا سوچ کاوه
 چه لاتر اوسه پوری به هغی پسی

گلانه بیی یو څو شیبی دنازورو
 له ادی سره بهر لانه کی وپسیدله او
 بیایی بداسی حال کی چه د خپلسی
 نورو بنیرازی کوئی ته کوته نیوله
 به زوره وویل:
 «دنازورو ادی- آخر به دکوډگر
 مخ تور شی چاچه کوډی کسری دی
 آخیری بد لیدلی او پشیمان شویدی.»
 بدی لنوی او پاروونکی وینا پسی
 بی د کلیوالو بنجخو یو څو کړه کړه
 مثالونه وشمیر لچه څنگه بلانی په
 بلانی او بیستانی بانندی کوډی کړی
 وی ، او څنگه دپلانی لمسی مسره
 شوه، دپلانی نورو پنده، او کپه
 شوه، او څنگه دبیستانی خوسی دناحقه
 گوډو په وجه پند شو، او داسی نور..
 اوبیا دواړه کوئی ته ننوتلی. او
 کوئی ته په تنوتو کی دنازورو ادی
 هم دبنیرازی دکوئی په خوا کاوه
 کاوه وکتل ، اوبیایی دخپلی شونډی
 څخه دلندو اونم جنو نساوارو شنه-
 بڅنه گولی په دوه گوټو راوو یستله
 اود خبری لاندی دتناره خواته یسی
 وشړله. شنه بڅنه گولی دبوټو او

چه ما دملاخبرو له ماندینی نه به دری
منه جوارو اخیستی دی... ها...؟

اوبه یوه شیبه کی بی دعالم سبکی
سپوری به شیرازی باندی واورولی.
اوبیا بی چیغه کره:

«به خیل کور کی مو همدا سی
چرک درلود؟ به کور کی خه چه به
کلی کی مو داسی چرک ندی لیدلی
وریز نه بیژنی باتی کی چرک»
او ها خوا شیرازی خوله بیری
برانیستله. نه بی بلار ور بر بیبود.
نهور اونه خیل خیلوان.

پول بی ورته بیه وستایل... اوبه
غلاپکی، لمسون، درواغو او سل نورو
عیبونو بی تورنه کره.

دگلانی بی به ستونی کی یسی
خبره غوڅه وه. نویی به ژبی جا ری
شوه:

«وی وی خوارکی سته دی ور شه
کودی دی وکره. تاسو پول کود گر
یاست. آبادی جوگی وادی دی بنکر-
یواله وه. ترور دی بنکر یواله وه قوم

اوقبیل دی کودگر او بنکر یوال دی»
اوبه همدی وخت کی دنازو رو
ادی راغله. اود شیرازی بلا بلا یسی
واخیسته اوزنی بی ورته ونیولی او
به دلاسا کولو کی بی ورته وویل:

«لوری ته خو به ما گرانه بی زما
دسترگو توری... ته دی ولی خوله
لدی گلانی بی سره سبکی؟؟»

اوجه گلانی بی دا خبری واوریدلی.
سخته غوسه ورغله او به نازوروادی
باندی بی خوله بیرته کره. او بیایی
ترخه ژها بیل کره:

«وی زما خواری برخی، زما ادکی
زما نازولی موری...»

اوبه ستاینو او ریشتنیو یسی
چرک هم یاد کره:

«وی زما به چرگو کی- ایکیسی
یواخی نازولیه چرکه... زما زه ووره
اوباتوره چرکه!!»

گلانی بی شیرازی ته او شیرازی

گلانی بی ته سبکی سپوری ویلی
اویو بل ته بی بیغورونه ور کول او
یوبه بل باندی بی تورونه تول تر
هغو چه غرمه شوه اوتاجی یا تاج کل
بداسی حال کی چه مالوته بی به
ترنگر کی وابنه کپی وو، کور ته
ورننوت. یو وزگوری بی شانه روان
ژدوز گوری به غازه کی زنگوله برته
وه او به خیلی نری یوز سره چه
هره شیبه بی دتاجی له ونیو نه دک
ترنگر ته وراوردوه یویو دک واینه
راشکول اوبه خیلو کو جنیو غا بنو
بی شخوند بری واهه.

تاجی لاواشه نهؤ به خای کپی چه
چیغه شوه او گلانی بی به شیراوو
ورته بیل وکره. همداسی به دالا نه
کی ناسته وه اوسر بی سرتورکری
واوخیل ویشتان بی شکول همداسی
چیغی وهلی:

«ای بی غیرته! ته چه له کوره
وخی خه خبری چه دا بنکر یوا له
بنخه دی به ما باندی خه کوی، زه به
اورکی ناسته یم اورکی...»

تاجی به وار خطایی سره ترنگر
له اوپری وغور خاوه اودا لانه ته لار...
هرخه بی چه پوینتنه کوله جا سم
خواب نه ورکاوه... شیرازی به گلانی او

گلانی به شیرازی بدرد ویل، آخر
تاجی دنازورو ادی ویو بنسته چه خه
چل دی. نازورو ادی ورو سته تر
یوی اوردی وینا خبره ور لنده کره.

اودگلانی بی به کته بی شا همدی
ورکره. دنازورو دادی لایخی نه وی
خلاصی شوی چه تاجی خیز کره او
شیرازه بی ترویشتانو او کو خیسو
ونیوله. اوله دالانه خه تور کسرد
پورته شو.

تاجی چه شیرازی به وهلو ستری
شوی و همداسی بی شیرازی ته
ویل:

«دکودگر او جوگی لوری راوبا-
سه تاویند... را وباسه تاویند...»
شیرازی همدا سی خوا ستیو نه
کول قسمونه بی خوپل، چه تاویند
شو.

ماویند نشته او گلانه بی دزواغ وایی
خوتاجی نه دریده هغه همداسی تاویند
غوینته آخر بی گلانی بی ته وویل:
«ای تاویند چیری دی... را شه
پخبله بی پیدا کره!!»

گلانی بی چه زره بی به شیرازی
باندی سرر شوی ژبه بریالی نظر
سره بی دسترگو له کنجه شیرازی
ته وکتل اود هغه دکوتی خوا ته ور
تیره شوه، او هلته دکت لاندی د
پوزی خنده بی راوا پوله.

هلته دمورک یوه سوپه وه. دکوتی
به خورکو بی سوپه وبلتله. او بیایی
بداسی حال کی چه دبری او ویاپنه
زه برسدلی ژبو کوچنی قات شوی
سپین چک کاغذ راووینست او تاجی
ته بی ونیو.

«درواغجن مخ دی تور شی...
دادی واخله داتاویند ندی خه شی
دی!!»

تاجی کاغذ واخیست او له کوزه
ووت.

همدا چه دکلی جومات ته ورسید
نودکلی ملانوی دما سپین لمو نخ
خلاص کپی او ورو ورو بی تر
شوندو لاندی دعا ویله... او چه تاجی
بی ولید نویی دعا لنده کره اوتاجی
ته بی مخ واپراوه.

«تاجکله بچو خه دی...»

تاج گل به خه خبری مسرا وی
سترگی ور واپولی او ورته ویسی
ویل:

«ملا صاحب کودی می زاو پی
دی، چه ویی باسی!!»

ملا به دیر خیر او دقت سره کاغذ
راوسپره. دتاجی او ملا به سترگو
اوزپونو کنبی هیجان خبی وهلی.

دواپودکاغذ دقاتونو خلا صیدل
خارل. چه پوری خلاصه شوه نود
تاجی هیجان لایسی زیات شو...
ملاچه پوری ته وکتل نویی به تندی
باندی گونخی راغلی... به غوسه
خوراوه.

اودملا دتندی به کتو سره دتاجی
هیجان خیل وروستی حدته ورسید.
چیغه بی کره:

«ملا صاحب خه دی؟»
«خاوری دی به سر دی!!»

او به غوسی سره بی تاجی ته
وکتل

«هلکه تاجکله دا موخه ملندی را
اخیستی دی... داتا ویند دی!! تاسو
دعرشی سبکاووی کوی...»

او پوری بی بیرته تاجی ته گوزار
کره اوجه پوری گوزار شوه نودهغه
له منخه نیول شویو نوکانو ترو هل
تویی شول.

تاجی خرخر کتل، اوسریی تیب
اچولی ژبه زحمت سره بی دملاصاحب
نه خدای بامانی وکره. زره بی دشرم
اوغوسی له متضادو احسا سا تر

خخه پرسیدلی و. له جومات نه
راووت او کور ته روان شو... به زره
کی له شیرازی نه سخت شرمیده. او
همداچه دکور خواته ورسید یوه

شیبه بی فکر وکرچه له ولی خخه
لینتی زایری کپی او بیا کور ته لار
شی... خوبیا بی له خانه سره سو ج
وکره... له خیل تصمیم نه واوینست...
غوینتل بی چه کورته فنوخی خو به
زره کی شرمیده. له کورنه د شیرازی
دژها غر پورته وددی غر له او ریدو

سره بی خبله لاره کره کره او پوری
نس بیرته کروندی ته ستون شو...
دادی غریبی به غوربو کی کر نکیده:

«ای بی غیرته... ای بی غیرته»
اوبیا بی دملای خبری خا تهور

یادولی:

«تاسو دهر شی سبکسا وی
کوی!!»

اود شرم اولوپی له زوره بی لاس
کارته نه ورته... سر بیره پدی دمور
دکود چرک دتاوان داخیستو خیال

فرانسواز سازگان

س- آیا هنوز هم به این عقیده هستید که زنان نسبت به مردان ناقص تر اند.

ج- نه، فکر نمیکنم که من چنین چیزی گفته باشم به نظر من تنها در موارد خاصی شاید اینطور باشد من زمانی رامیشنا سم که مردان را رهنما می میکنند همین گونه زمانی را میشنا سم که تنها کار خانه را به دوش دارند یادگار گو شه بی نشسته میگردند به همین ترتیب مردانی را میشنا سم که مثل گو سفند مطیع هستند و مانند سگ برای زنان کار میکنند این مساله فقط يك امر فردی وابسته به رابطه قدرت میان آدمیان است.

س- نظرتان درباره آزادی زن چیست؟

ج- من زیاد به این موضوع علاقه مند نبوده ام در هر ده ساله سا لکی کتابی نوشتم که خوب به فروش رسید. در نتیجه خودم زندگی خود را تا همین میگردم و مستقیماً سوال آزادی زوجه رو نشدم. چون از نظر مالی استقلال داشتم. روابطم با مردان بر پایه برابری استوار بود من هرگز از مردی ده فرانک برای غذا نخواسته ام مردان همواره دوستان من بوده اند.

س- نظرتان در باره ازدواج چیست؟

ج- هیچ. من دوبار با مردان دوست داشتنی ازدواج کردم. مادوستان خوبی بودیم حالا فکر میکنم که ازدواج زیاد ضرور نیست آنچه ضرور است، داشتن کسیست که آدم دوستش داشته باشد.

س- درباره این شایعه چه می گوید که فرانسواز ساگان شیفته موتر دوانی مشروب و مهپا نیست آیا این سخن واقعا يك شایعه است؟

ج- نه، درست است دودبی آتش که وجود ندارد من برآستی تیرزانی را دوست داشتم کارهای احمقانه می کردم و میخواستم وقتم خوش بگذرد اصلاً نمیخواستم بخوابم ولی حالا این کار امکان ندارد اگر چه آزادم ما نعی موجود نیست اما پسر سمیزده ساله داشتم فرزند چیز صخره بیست می دارم که به زندگی شکل داده است من در وجود او زندگی میکنم.

س- نظرتان درباره زندگی نان ناین لحظه چیست؟ هیچ افغانستان



روضه شاه ولایت ماب از شاهکارهای معماری عصر تیموری در افغانستان

شرط اساسی

زندگانی خوب توام با سلامتی انسان است.

- ۱- میان دو غذا در صورتیکه گرسنه نیستید کوشش کنید چیزی نخورید.
- ۲- هنگامیکه غذا می خورید تانی و آرامش را حفظ کنید.
- ۳- با عجله غذا نخورید.
- ۴- سعی کنید از آشامیدن قهوه و چای به مقدار زیاد خودداری نمایید.
- ۵- هیچگاه مشروبات الکلی مصرف نکنید.
- ۶- کوشش کنید که حتی المقدور در پروگرام خواب شما سکتگی و بر هم خوردگی روزها نکرده.
- ۷- هنگامیکه از خواب بیدار شدید کوشش کنید که زود از بستر خارج شوید و خود را عادت ندهید که چنانچه لحظه دیگر نیز در بستر باقی بمانید.
- ۸- و بناچاره عادت کردن به پاکیزگی یکی از مهمترین عوامل سعادت و خوشبختی است.

ناسف میکنید؟ داشتن مردم و داشتن جد تا رفیق ج- من يك زندگی عالی دارم به نظر من چیزهای خوب و مطبوع داشتن يك کار آزاد بودن دوست است.

ولی قندی مواد

دانگورو خوراک دهغو خلکو درباره زیات گهور دی چه به راز راز تسو بانندی اخته شوی وی.

انگور دوینی تریوالی له منخه باسی نرخکه باید و وایو چه دانگورو هر کیلو دیو لیتر کانی اوبو سره ورته والی لری. انگور دبدن حرارت تامینوی اوله همدی سبب نه بو کیلو انگور ددوه کیلو غوبنی خواب وایی انگور دبدن مسمو میت لیری کوی او همدغه نسبت دی چه بو کیلو انگور دیولیترا شیدو ونه زیات مو لیریت لری.

خو داجه دانگورو مو لیریت دبدن دیولو لغرو درباره زیات گهور دی بو راشی چه به خیلو ورخنیو خوراگونو کبسی ورته جای ورگرو او به دی تو که دبدن بولو ضرورتونو تسو دانگورو به استعمال کتوره خوا بونه و وایو.

چرا مردان کمتر از زنان

زندگی ضعف بزرگی شمرده همه غم و اندوه شارا به دل میریزند و اغلب هم نتیجه ناگوار میگیرند. یعنی زهر چکیده از اندوه آنها را مسموم ساخته دچار ناراحتی های جسمی و روحی چون سکنه قلبی، مرض فنده، عصبانیت ها و امثال اینها میگرداند.

پس چه باید کرد؟

قبل از همه برای جلوگیری از همجو عوارض بایست مبر سکوت از لب ها برچیده و هر دردی دارید به دوست یا دوستان مورد اعتماد بازگو نمائید و یا آنها را رو کافند بریزید. این روش بیشتر از آنچه فکر میکنید در کم کردن از بسار اندوه موثر است.

در قدم دوم گریه را فراموش نکنید و در مواقع شدت غم و یا هر مساله نا راحت کننده دیگر از گریه خود داری نوزید و اگر در انظار نمیتوانید بگریید آرا در تنهایی انجام دهید و آنقدر بگریید تا آرام بگریید.

استراحت، تفریح و آرامش هم عواملی که سلامت را از خطر میروانند:

متاسفانه بسیاری از مردان در تفریح و استراحت هم سهل انگارند. آرامش و استراحت در خانه از اصول مهم زندگی است. استراحت

تنها خوابیدن نیست. مطالعه کردن، گوش دادن به موسیقی، دراز کشیدن و یا حتی ورزش و ادمان هم استراحت است. و این بسته به میل خود شماست که کدام نوع آنها را بخواهید تسام میکنید.

نقش تفریح را در حفظ سلامت و نشاط روحی و جسمی از یاد نبرید. تا حد امکان بکوشید از رخصتی ها استفاده مزید برید. با خانواده یا همکاران و دوستان گاهگاهی به گردش روید و سیاحت کنید. اگر کسالتی دارید و یا ناراحتی کوچکی، به آن بی توجه نباشید و نادیده نگذرید، بلکه به زودترین وقت و کمترین فرصت به داکتر مراجعه کنید و دستور هایی از وی بگیریید.

رول غذائیز در سلامت جسم و فکر خیلی فعال و پر ارزش است بنابراین در انتخاب غذا و آنچه میخورید به سرحد و سواس دقت کنید. از خوردن غذاهای ثقیل و چرب بپرهیزید، غذا های پر روغن و لبنیات بیشتر بخورید و در خوردن سبزیجات تازه و خام و میوه ها کاهک حای و سرشار از مواد مفید و ضروری بدن است صرفه نکنید.

بزرگترین نمایشگاه

خاطره فراموش ناشدنی ام در تابلی است و یاد (پورتیترتی) است که از مولانا جلال الدین محمد بلخی کشیدم آنهم طوری بود که شخص تقریباً ۲۰ سال قبل (پورتیترتی) های خیالی از مولانای بلخی بمن داد تا از روی آن نقاشی کنم، وقتی من آنها دیدم هیچکدامش خوشم نیامد. تا آنکه همه متنوی دیوان شمس تبریز را بمن ترجمه کردند بعد مولانا را در خواب دیدم و بعد از آن به ترسیم پورتیترتی مولانا پرداختم. پرسیدم که سبک نقاشی شما چه نام دارد؟ به جواب تنها گفتم: (شکور یزم) و بعد خواندید و ادامه داد که این خود یک مکتب جدید است که تا حال از طرف کدام رسام دیگری تعقیب نشده.

گفتم: روی چه انگیزی به این کردن این نمایشگاه پرداختید؟ گفتم: همیشه مرا می گفتند که تو کلتور فرانسوی داری ازینرو نمایشگاه هایت را در لیسه استقلال دایر می نمایی. اینبار در قرائت خانه لیسه امامی این نمایشگاه را برپا کردم تا ثابت سازم که من یک افغان هستم و هر وجب خاک این سرزمین را من خاک خویش میدانم خوشبختانه که این نمایشگاه از بزرگترین نمایشگاه هایت است که تا حال در کابل دایر شده است.

او کیست

شهر و « هارتفورده » دو کتاب معروف خود را که شهرت جهانی دارد نوشت: تام سایر، شاعرزاده و گدا... بعد از بدست آوردن شهرت وسیع او باز هم هوس جهانگردی کرد و مدت چهار سال در لندن و وین زیست اما در سال ۱۹۰۴ که همسرش در

په کونرو نو کبسی

تخنیک دنارینه سره یو رازاستعداد لری بنوونخی ته لیری. چه پسی ترتیب په کورونوکی پاتی استعدادونه دمرگه پوری پت پاتی اوتر خا ورو لاندی کیری.

دپولو لوړو خبرو سره بیا هم په کونړ کبسی په خاصه توگه اودهیواد په نورو ولایتونو کبسی هم بنخی ته هغه حق نه ور کول کیری چه نارینه ته ورکول کیری.

دبنخو دحق دتا مینولو لپساره مبارزه بنایی چه د کور نی څخه پیل شی او پدی خای کبسی دی چه باید دهلك او نجلې ترمنځ توپیر له مینځه وپوړل شی اودا خبره هیڅکله ونه شی چه: «پهلور با ندی دپردی کور ودانیری اود پلاز او مور په درد نه دوا کیری اوزوی دی چه دپلاز دمتهو قوت گرځی» او په دی غلط او بی خایه قضاوت بانندی خپله ټوله یا ملرته دزوی تربیی ته واپوری او لور تر نظره وغور خوی او بری نردی چه زده کړه وکړی او په ټولنه کبسی و خلیری له همدی امله دی چه دبنخی لومړنی حقونه تربینو لاندی کیری

نو بنا یی چه تر ټولو لومړی دهغو کسانو دمغزو څخه چه د نر برتری ته دبنخی په پرتله زیات قایل دی او بنخی دکور دیوی متاع په څیر گهی دا خبره وباسو، او ورته ور وینو چه بنخی دژوندانه په ټولو چار کبسی خپله دنده تر سره کولی شی.

بنخی نه یوازی دکر کیلی، د ځنگلونو دلر گیو دراوړلو او نور بدنی اود کور په چارو کبسی ښه قوت لری. بلکه په زده کړه کبسی هم دنارینه سره په پراو کبسی دی او په ډیره ښه توگه کولی شی چه د زده کړی جاری ترسره کړی، اداری کارونه وکړی او په طبابت کبسی ښه

فلورانس دیده از زندگی فروبست او به نیویارک باز گشت چندی بعد ملکی در « ردینگ » در کنتیکات خریداری کرد بروی تبه خانه زیبایی ساخت و دو سال آخر عمر خود را در آنجا بسر برد روز ۲۱ اپریل ۱۹۱۰ بود که تند باد مرگ شمع زندگی او را خاموش کرد حالا این نویسنده نامدار قرن ۲۰ و ۱۹ را به ما نسام بیریید.

فعاله برخه واخلی. لکه څرنکه چه اوس په نړی کبسی بنخی ددی از- موینی څخه په بری سره وتلی او هن دمغزو په جراحی کبسی بنخوود نارینه څخه ښه او په زړه پوری نتیجه ورکړی.

مگر له بده مرغه وینو چه زمونږ دهیواد دکونړ په سیمه کبسی چه کوم وخت دیوی کورنی مالی توان کمزوری وی نو بنخی دنارینه سره یوځای او اوږه پر اوږه کار کوی او دستر اومخ پتولو خبری بیخی په خو له نه اخستل کیری. څو کله چه یو څه په پښو ودر پیری او نارینه په ځان دکور دبنخو او ماشو مانو د خوراک او پوښاک دعهدی څخه ووتلی شی نو بیا بنخی نه یوه بوقره (چادر) رانیسی او هماغه بنخه چه مودی مودی یی دمیره سره اوږه پر اوږه دژوند دښه والی دپاره هلی ځلی کړی په بوقره کبسی پته کړی اودکور څخه دراوتلو بندیز پری جاری شی او ستره یی کړی. پدی ترتیب دژوند دمالی وضعی څه ناڅه ښه توب په کونړ کبسی دبنخی دکور په دننه کبسی دبندیدو سره مستقیماً متناسب دی. که چیری دیوی کورنی اقتصادی وضعه ښه شی نو هر ورو به خپلی بنخی او لونی ته یو قری رانیسی او هغوی به بیا بی یو قری نه شی گرځیدی.

مگر پوهو انسا نانو ته راجوته ده چه دټولو می دتکا مل قا نون په پریکړونی (قاطع) ډول دبشر دآزادی اومساواتو په گټه حکم کوی اود همدی طبیعی قاعدی لاندی دی چه دزمانی خرڅ دبنخو د حقوقو د ترسره کولو په لوری مخ په وړاندی او چت گامونه اخلی.

د مساوات غو ښتنه یوه قوی انگیزه ده. پینښ لیک په پای کبسی پری دهغه چا گټی چه مساواتو او برابری په لټه کبسی وی. لکه چه یوه یوه وایسی: «مساوات دانسان حتمی سر نوشت دی اوله هغی نه تپینته نشته».

نو ښه به داوی چه زمونږ دکونړ دسیمی وطنوال هم دی ټکی ته لیر څه به غور سره فکر وکړی اودزمانی دایجا پاتو او انسانی حقونو په خلاف سنگر کبسی ونه درپیری او بنخو ته چه دوی په ژوند کبسی یسی دنارینه سره ډیری ستو نزی گاللی او گالی یی دیو انسان به ستر گو وگوری اوتر نارینه کمی ونه شمیری.

شخصیت زن

در آئینه مطبوعات کشور

تیبیه و ترتیب از: ر.ر

سهام گیری زنان

در خدمات اجتماعی

چون عظمت، مهربانی و ترحم در نهاد زنان بیشتر سراغ میگردد لهذا میخواهم نقش زنان را در خدمات اجتماعی بیان کرده و درین باره روشنی بیندازیم.

به همه واضح است که بشر مخلوق اجتماعی بوده و حیات اجتماعی از تشکیل فامیل آغاز گردیداست لهذا از بدو پیسندایش احساس اجتماعی در انسانها با مفکوره تساند و تعاون یکجابه میان آمده و این ذهنیت روز بروز قوی تر شده و وسیله ایجاد موسسات به منظور حمایت از منافع اجتماع گردید.

این حرکت موازی با انکشاف اقتصادی و اجتماعی سیر ارتقایی خود را پیموده مگر در گذشته ها که افق نگاه محدود بود فرد صرف به خود و به اجتماع کوچک خود فکر میکرد مگر امروز ناگزیریم بیک ساحه وسیع تر که عبارت از جوامع بشریست بپسندیشیم و همه آنها را تحت عنوان کارهای اجتماعی، خدمات اجتماعی و یا بهبود وضع جامعه مطالعه نماییم.

اکنون مشکلات اجتماعی یک جمعیت و یا یک ملت در صورتی حل میشود که تمام مردم آن جمعیت در پرتو اتحاد و اتفاق عمل منافع همگانی را حفظ نموده و در سایه این مساعی جمیله، سعادت افراد را حمايه کنند.

حینکه در سال ۱۸۴۸ انقلاب صنعتی در اروپا صورت گرفت این انقلاب در پهلوی سایر تحولاتیکه در ساحه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وارد نمود با انکشاف و روابط جهانی فکری بشر را از مفکوره های محلی به اندیشه های آفاقی و نگاه های وسیع تحول بخشید آهسته آهسته موسسات خریه و امور اجتماعی قوت گرفت.

و بعدا جنگ ها و خون ریزی های پیهم باعث تلفات انسانها گردید چنانچه از جمله میتوان از واقعه (۲۴ جون ۱۹۵۲) عیسوی یاد آوردند که این واقعه یعنی میدان حرب (سالمرینو) جان احساسات بشر دوستی هائری دونات

سلام بتو ای زن

زن ای جنس لطیف و با طراوت
تو هستی مظهر تاج شرافت
تو پروردی نوابغ را ز طهرت
ز تو گلشن بود باغ نجابت
سراپایت بود موج لطافت
تو هستی مخزن اسرار خلقت
توئی سر چشمه راز طبیعت
تو هستی اختر شب های ظلمت
تو هستی مظهر عشق و محبت
توئی شهباز صنع دست قدرت

زن ای خورشید برج مهر والفت
زن ای سرمایه هستی بدوران
سعادت را توئی نو رو فرشته
زن ای آموزگار صدق پاکسی
زن ای زیبا ترین مخلوق ایزد
به تاج آفرینش گوهری تو
جهان را از لبت شاداب کردی
همه گیتی شده روشن ز رویت
روا باشد اگر دارم ترا دوست
تو باشی مونس و یسار (ایست)

نقش زن در اجتماع

به رنجوران و بیماران، باروخ کریم می نگرند و رسیدگی می کند به مصیبت انسان یارو همراه شایسته اند از سوی دیگر با حقوق مساوی در کار های زندگی و اجتماعی و جهانی سهم گرفته و می گیرند حالیا از گذشته ها گذشته با استواری ها در میدان زندگی یا گذارده است مابین حرکت نوین رابرای زنان در خدمت عمو می با آرزو مندی توام مو فقیهت می خواهیم.

از احساس لطیف و مهربانی زن که با پرورش و آموزش اساسی و واقعی صیقل می پذیرد، باید در خدمات پر ورشی بهدا شتسی و آموزشی بیشتر استفاده کرد زن طفل را خوب می پرورد، فرزند فردارا مالك سجایا و دانش بار می آورد. با آموزش نو یو گان بادل سوزی خاص و باحو صله و فراخ می بردازد.

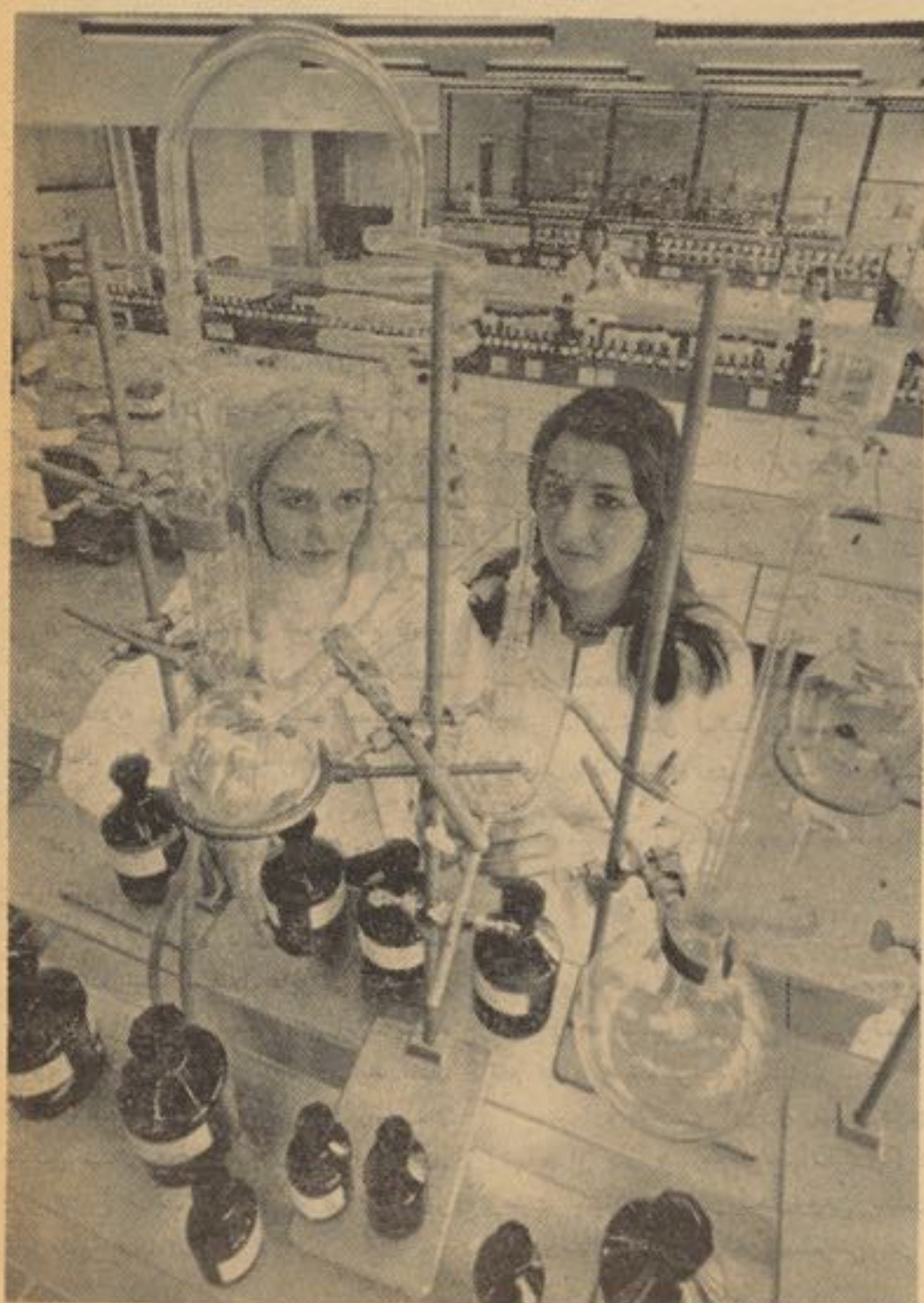
را تکان داد که خود را مکلف دانست تا در تاسیس موسسه انسانی صلیب احمر صرف مساعی کند.

بهر حال زنان جهان نیز در بهبود و تسع جوامع بشری بی سهم نمانده و بدین ترتیب خاطراتی جاویدانی در صفحات تاریخ از خویش بیادگار مانده اند.

چنانچه قبل از ظهور حضرت مسیح دو زن بنام (فایوله و مرسله) در چوار یکی از کلیسا ها شاخانه برای پرستاری مریشان و بینوایان وقت تاسیس کردند و به تعقیب ایشان پیقله (لوگره) به پرستاری مچر و حین و مصیبت رسیدگان کمر بست و بر زخم هارمچ نهاد. همچنان فلورانس زن دیگری بود که حیات شیرین خود را وقف خدمات انسانی نمود این زن مهربان باوصف تصول و داریی سرشار از طیفه اشرف انگلستان بوده روی همه نعمات خط بطلان کشید لباس سفید به تن کرد و ترجیح داد درین مسلک با نپایت افتخار پیش برود و کار کند و از انرهمان احساس نیگوش امروز نام بلبل گلزار نودوستی را اختیار نموده است.

پس گفته می توانیم که زنان در همه ادوار تاریخ و در پرتو عواطف رقیق انسانی که در نهادشان به ودیه گذاشته شده است همیشه مصدر خدمات انسانی برای اجتماع گردیده اند. زنان افغان در پهلوی سایر زنان جهان طی قرون متمادی علاوه از امور منزل، تربیه طفل، زراعت و مالداری، قالی بافی، و گلیم و نمند و غیره دو شادوش مردان در خدمات اجتماع بوده اند و اکنون نیز در تمام رشته ها مصروف خدمات اجتماعی می باشند.

اکنون جامعه زنان افغانی کانون فعالیت های مثبت در پیشبرد همه امور اجتماعی بوده و این یک واقعت روشن و انکار ناپذیر است که زنان: یعنی نصف نفوس جامعه ما از قدیم در تولید اشیا ی ضروری اشتغال داشته و حتی در بعضی ساحات نسبت به مردان بیشتر ابراز فعالیت و لیاقت نموده اند.



زنان امروز دو شا دوش مردان در هر جا چه در فابریکات چه در مزارع و چه در دفاتر و غیره مصروف کار و فعالیت اند

په کونرونو کشي دښخو وضعي ته يوه کتنه

دوهمه برخه

بي برخي دي.

دوي دمتاغ په خيږ په ميراث کي ويشل کيږي که ديوه ورور ښځه کونډه شي نو د بل ورور يا تره زوي سره اجباري واده ته را کښل کيږي. دوي دښوو نخي دزده کړي نه بي خبره دي او که کومه يوه بي ښوو-نخي ته نخي نو د انگرېز دوختودتوري ارتجاع گودا گيان چه داماني نهضت په خلاف همو عوامو ته داسي تـسـر غوږو کړي چه دنجو نو ليرل ښو ونخي ته ددوي داخلاقي انحراف سبب کيږي او تاسي مسلمانان بايد خپلي لوڼي ښوو نخي ته ونه ليري او وايي چه: «ښځه يا په کورده يا په کور».

دويني، ميدني او ماکسي ژوب سره هيو آشنا نه دي، لب سرين او وروځو قلم دوي په واده کي هم په سترگو نه وړيني ددوي لب سرين او وروځو دندا سه دچار مغزپوټکي اورانجه دي.

دخوب، ويښي او کار کميس بي هماغه يو وي. دزير نئون نه هم نا خبره دي او د اولاد دزيريدو په وخت کښي دکلي يوه زړه ښځه دزير نئون دډاکتري وظيفه په غاړه اخلي. گڼ شمير ښځي دا اولاد دزيريدو په وخت کښي دنيستي کندي ته لويږي او مري.

په داسي حال کي چه داوه اته مياشتو اولاد يي په نس کي وي د ميره تر څنگه ددرانده کار څخه لاس نه اخلي. خو بيا هم دوي ته دحقارت په سترگو کتل کيږي او لکه څنگه چه دوي دنارينه سره يوراز انساني حقوق لري له هغو ټو اوڅخه

همدغه غلظه اوبی خايه پروباگند او س په بيرته پاتي سيمو لکه کونړ کښي ديو دود بڼه غوره کړي، او دير کم شمير خلک پدي اوس کښي هم چه دفضا دتسخير او علم او تکنا- لوژي عصر دي او ښځي په علم او پاتي په ۵۷ مخکي

تپه و ترتيب :لطيفه نوري

اهميت اجتماعي زنان

واضح است که زنان سازنده جامعه امروز و بنیان گذار جا معه فردای کشور اند چه وظایف خطیر و سنگینی که آنها بدوش دارند و با قبول زحمات و تکالیف گونا گون فامیلی زمینه کار و فعالیت راغر ض بیشتر فت ورشد کشور با مبارزات پی گیر مساعد ساخته اند .

پس چرا به چنین عنصری که هرگونه فدا کاری و خدمت برای ملت ساخته دست اوست روی این همه ذکاوت و قدرت فهمش خط بطلان بکشیم و از حقوق وی چشم ببوشیم.

دلاوری های ملالی در صحنه جنگ و سر بازی های لیلا خالد و جمیله و بسادختران و زنان جهان که در صحایف و اوراق تاریخ نام های شان به خط زرین نگاشته شده، و مفتخرانه در راه وطن سرداده اند و با به جهان بشریت ثابت ساخته که زن نیز انر ژي، قدرت و استعداد هر گونه، کار و فعالیت را دارد و هم ثابت نموده که میتواند دوشادوش مردان در اجتماع به حیث يك فرد فعال و خدمت گذار عرض وجود نمایند اما امروز آنچه را که دیروز زنان می خواستند خوشبختانه تحت لوای جمهوریت ارمان های زنان بر آورده شده و یا آماده بر آورده شدن میباشد خود را محظوظ و آزاد حس می کنند اکنون زنان با آمدن نهضت و تحول در جامعه سد ها و موانع را می شکنند و به پیش میروند .

این جا ست که با مسا عدم دیدن صحنه کار برای آنها وطن پیش خواهد رفت و همه آبرو مندا نه زندگی خواهند نمودای زن افغان! امروز جا معه به خدمت تونیا زدارد پس بیا و دوش بدوش برادرانت کار کن زحمت بکش تا نسل های آینده به اثر کار و فعالیت تو آرامتر ورا حتر زندگی نمایند.

قضاوت مردان بزرگ

در باره شخصیت زن

در دنیا سه چیز است که فهم آنها از توانایی من بیرون است، خدا، حقیقت جهان و اندیشه زن.

زن است که مردان بزرگ را می پرورد، مرد هر قدر هم در سایه دانش و بیئتش، بزرگ و بانفوذ گردد، با سپهر زن در مادری و پرورش اینگو نه مردان بزرگ از سپهر هر سه عامل فوق الذکر، بالا تر است. زیرا پایه هستی و رشد و بقا مرد در سایه پرستاری و مهر بانی زن است. (سلن: قانون گزار باستانی یونان)

باتو او چونست و من هستم چنان زیر پای مادران با شد چنان (مو لوی)

زنان بما ادب، حشمت و کرامت فراوان میدهند.

(ولتر)

من عقیده دارم که زنها بزرگترین و با شکوه ترین پدیده های آفرینش هستند. (روسانا برای تزی)

وظیفه زن تهذیب اخلاق مرد است.

(ولتر)

من زبانم از بیان محبت هساوعوا طف همسرم قاصر است لیکن همینقدر میگویم، تا زمان نیکه او با من است، فقر و تنگدستی خود را با دارایی کر زوس مبادله نمی کنم هنگامیکه حوادث روزگار بین من و همسرم جدایی افکند بدون شک طورمار هستی و زندگی هر دوی ما جمع و جور خواهد شد.

زن را طبیعت مانند مرد آزاد آفرید، بگذارید که این آفریده زیبا و پر و راننده نوابخ روزگار آزاد زیست کند.

(منتسکیو)



حبيبه عسکر یکی از زنان فعال تياتر کشور شماره ۳۲

افسردگی چیست؟

های شدید و دوامدار مشوره بایک روانکاو ضروریست .

س- آیا دوستان و افراد خانواده بیمار کمکی به بیمار میتوانند کرد؟

براون- آنان کم از کم میتوانند سر بیمار فریاد نکشند، «دیگر بس کن!»

در حالی که بیمار نمیتواند بس کند، اگر میتوانست، دیگر افسرده نمیبود. به همینگونه، دوستان و افراد خانواده بیمار میتوانند از وارد ساختن اتهام به بیمار خود داری کنند تا احساس جنایت رادر او تقویت نکنند .

به طور مثال، اگر همکار شما احساس افسردگی میکند و میبندارد که کارش ارزشی ندارد، شما می توانید کار های خوب او را به رخش بکشید. وقتی او تایید شمارا ببیند به این فکر میافتد که شاید آنقدر هم که فکر میکند بیچاره و نا توان نیست. لازم است بگویم که بسیاری از مردم پیش از دست زدن به خود کشی نشانه های اخطا دهنده یی از خود شان بروز میدهند. این نشانه ها باید از طرف دوستان و نزدیکان شان جدی گرفته شود و بیمار را وادار سازند تا به روانکاو مراجعه کنند .

س- آیا در افسردگی زنان و مردان اختلافی وجود دارد؟

براون- بلی. احصایه ها نشان میدهد در میان بیماران که زیر درمان قرار میگیرند، شماره زنان نسبت به مردان بیشتر است. می توان گفت که دو برابر است . این احصایه در تمام سنین صدق میکند.

آنگونه که میدانید، برخی از رویداد های بیرونی در ایجاد افسردگی مؤثر است به طور مثال، زنی که در سراسر زندگی کار نکرده است، هنگامی که آخرین فرزندش خانه را ترک میگوید، وی نمیتواند خودش را با تنهایی تطابق بدهد. به همین شان مردی که کارش را با موفقیت انجام داده و در سن شصت سالگی متقاعد میشود و هنوز نمیداند که بعد ازین چه کند. این هر دو در برابر خطر افسردگی قرار دارند . معنای این سخن این است با دیگر

گون شدن شیوه زندگی زنان و مردان به صورت جدی متوجه نشانه ها یی باشیم که افسردگی را به دنبال دارند س- افسردگی بیشتر در میان زنان و مردان متاهل دیده میشود یا در میان مجردان؟ اصلا زندگی مشترک در امر افسردگی اثری دارد؟

براون- همین حالا ما سر گرم مطالعات احصایه یی درباره س- ختمان خانوادگی و بیمار یهای دماغی هستیم. من به شما احصایه های میدهم که، کم از کم برای خودم قابل اندیشه است :

شش در صد امریکا بیانی که بین چل و پنج و شصت و چار سال دارند درمؤ سساتی چون بیمارستانهای دماغی، خانه های سالخوردگان، مراکز یاز نشستگان و بیمارستان- نهایی سالمندان زندگی میکنند. این عده شامل متاهلین، مجردان، طلاق شدگان و بیوگان است. درین میان شماره مجردانی که زیر درمان روانی قرار میگیرند، دوچند شمساره کسانست که زندگی زنا شو یی دارند .

س- افسردگی در کودکان تا چه حد میتوان جدی باشد ؟

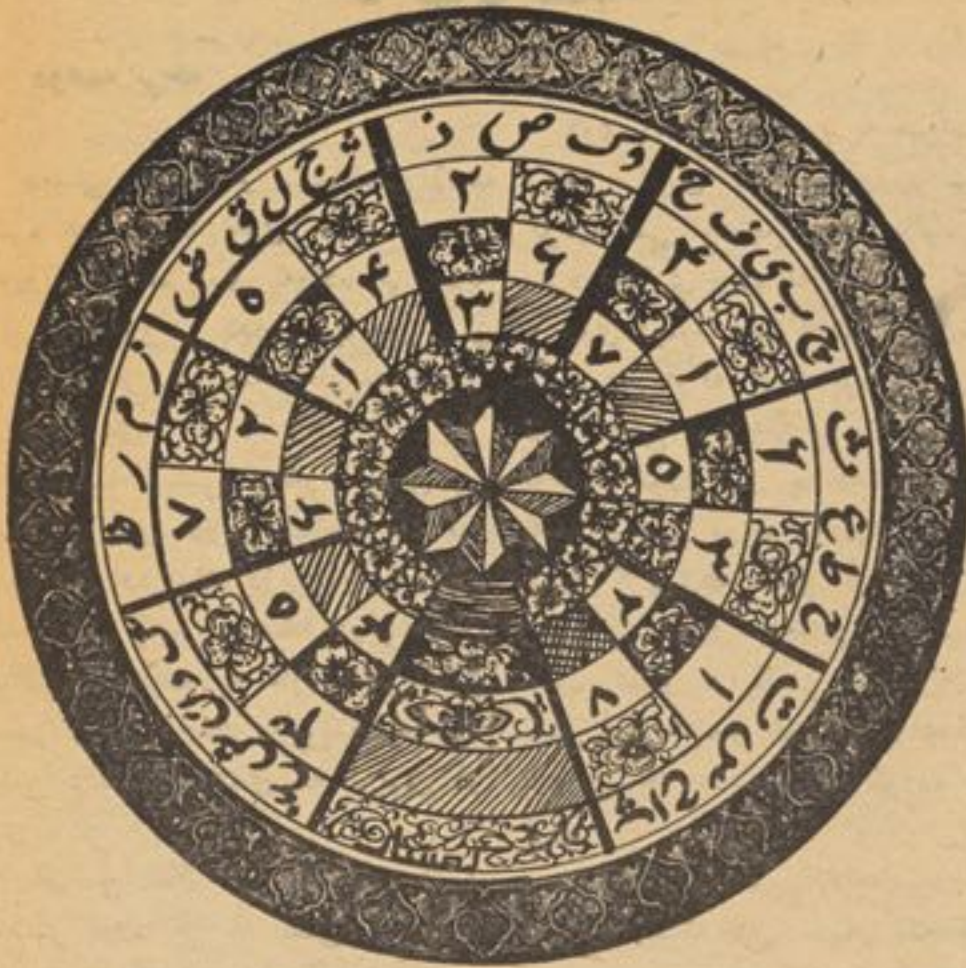
براون- کودکان نیز به افسردگی دچار میشوند. اگر چه شکل تبارز آن از بزرگسالان فرق میکند. نشانه های افسردگی در کودکان گاهی به شکل بیثباتیست، گاهی به صورت بی توجهی به مکتب و گاهی هم به شکل بی خوابی و گاهی بو سهای شبانه.

ما غالبا اطلاعات مان را در باره افسردگی کودکان روی هم میگذاریم و با دقت این نکته را بررسی میکنیم که بهتر شکل بر خورد با افسردگی کودکان کدام است. افسردگی در کودکان زمینه یی نامعین و بحث انگیز است. ولی به نظر من هر اندازه این زمینه بیشتر شناخته شود، در راه حل رفتار های درد سر دهنده و اسرار آمیز نو جوانان ما پیروزیهای بیشتری به دست خوا عیم آورد.

س- آیا وضعیت به خصوص پدران و مادران کودکان را مستعد پذیرفتن افسردگی میسازد ؟

براون- درین باره پاسخ ساده یی وجود ندارد. به نظر من در مورد افسردگی کودکان از ملامت پدران و مادران باید محتاطانه خود داری

فال حافظ



دوهر روز از هفته که میخواهد فال بگیرد به تصویر بالا توجه نموده یک حرف از حروف نام خود را انتخاب کند و آنرا از دایره بزرگ پیدا نماید. (فرق نمی کند که حرف اول باشد یا دوم باشد یا نهم). در زیر همان حرف مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفید سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد ثبت شده است از آن سه عدد هر کدام را که دلخواه شماست انتخاب کنید و آنگاه به همان شماره در زیر نام همان روز از هفته مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظ سیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه حرف چهارم نام خود را که میم است انتخاب و از جمله سه عددی که در زیر فوس مربوطه به این حرف دیده میشود بیت ۷۷ را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحه مقابل مراجعه کنید و بخوانید لسان اللغیب بشما چه می گوید !

کنیم. زیرا افسردگی بیش از آنکه فرآورده اشتباه پدران و ما دران باشد شاید عامل بیولو جیک و ارثی داشته باشد ...

س- آیا شرایط کار امروزی واقعا نسبت به گذشته ها بیشتر فشار دهنده و رقابت آمیز است؟

براون- به نظر من در حال حاضر شرایط کار از بسیاری جهات نسبت به دوره های پیشین بیشتر قناعت بخش است. بدین معنی که ساعات کار کمتر است، مزد بیشتری داده میشود و یکنواختی کمتری بر کار تسلط دارد .

فناك حافظ

شنبه

۱- همه شب درین امیدم که نسیم صبحگاهی
به پیام آشنایان بنوا زد آشنا را
۲- عتقا شکار کس نشود دام باز چنین
کا نجا همیشه بساد بدستت دام را
۳- سا قیا بر خیزو درده جام را

خاک بسو کن غم ایام را
۴- گر چه بد نامیست نزد عاقلان
ما نمی خواهم نام و ننگ را
۵- دود آه سینه نا لان من

سوخت این اسردگان خام را
۶- ترسم این قوم که بردردگان میخندند
درس کار خرابات کنند ایمان را
۷- یار مردان خدا باش که دوکشتی نوح
هست خاکی که به آبی نغرد طوفان را

یکشنبه

۱- ساقی بنور باده بر افروز جام را
مطرب بگو که کار جهان شد بگام ما
۲- مادر بیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما
۳- هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

تبت است در جریده عالم دوام ما
۴- ای باد اگر بگلشن احباب بگذری
ز نهار عرضه کن بر جانان پیام ما
۵- مستی به چشم شاهد لبند ما خوشست

زانرو سپرده اند به مستی زمام ما
۶- ای فروغ ماه حسن از روی دخشان شما
آبروی خوبی از جاه ز نغسدان شما
۷- با صبا همراه بفرست از رخ گلدهست
بوکه بونی بشنویم از خاک بستان شما

دوشنبه

۱- سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت
آتشی بود درین خانه که گاشانه بسوخت
۲- تنم از واسطه دوری دلدار بگداخت
جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت
۳- ای قصردل افروز که منزلتگه انسی

یارب مکناد آفت ایام خرابت
۴- بنفشه طره مفتول خود گسره میزد
صیابه حکایت زلف تو در میان انداخت
۵- چون بیاله دلم از توبه که کردیم بشکست

همچو لاله جگرم بی می و خمغانه بسوخت
۶- شمع اگرزان لب خندان بزبان لاف میزد
پیش عشاق تو شبیه به نمرات برخاست
۷- حافظ از بادخزان در چمن دهر مرنج
فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست

سه شنبه

۱- ساقی و مطرب و می جمله میبایست ولی
عیش بی یار میان شود یار کجاست
۲- باز پرسید زگیسوی شکن در شکنش
کاین دل نمزده سرگشته گرفتار کجاست
۳- هر سرو می مرا با تو هزاران کار است

ما کجائیم و علامت گر بیکار کجاست
۴- دل دو نیم و دلبر به ملامت برخاست
گفت با ما منشین گز تو سلامت برخاست
۵- در چمن باد بهاری ز کنار گل و سرو

به هوا داری آن عارض و قامت برخاست
۶- خیال روی تو در هر طریق همزه ماست
نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست
۷- چه ساز بود که در پرده میزد آن مطرب
که رفت عمر و هنوزم دماغ پرز هواست

چهارشنبه

۱- اگر بزلق دراز تو دست ما نرسد
گناه بخت بریشان و دست کوتاه ماست
۲- زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
بیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست
۳- ترکش عربده جوی و لبش افسوس کنان

نیم شب دوش با لین من آمد بنشست
۴- سر فرا گوش من آورد با آواز حزین
گفت ای عاشق دیرینه من خوابت هست
۵- عاشقی را که چنین باده شبگیر دهند

کافر عشق بود گر نشود باده پرست
۶- در دیر مغان آمد یارم فدحی در دست
مست از می و میخوران از نرگس مستتر هست
۷- در لعل سمنه او شکل مه تو بیداست
در قد بلند او بالای صنوبر پرست

پنجشنبه

۱- آنچه او ریخت به پیمانه ما نوشیدیم
اگر از خمر بهشت است و اگر باده مست
۲- خنده جام می و زلف گره گیر نگار
ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست
۳- ماراز خیال توجه بر روی شراب است

خم گوسر خود گیر که خمغانه خراب است
۴- معشوق عیان میگردد بر تو لیکن
انبار همی بیند از آن بسته نقاب است
۵- زلفت هزار دل یکی تارم و پرست

راه هزار چاره گر از چار سو پرست
۶- در کنج دماغم مطلب جای نصیحت
کاین گوشه پر از زمزمه جنگ و ریاست
۷- شیدا از آن شدم که تارم چو ماه نو
ابرو نمود و جلوه گری کرد و رو پرست

جمعه

۱- رواق منظر چشم من آشیانه تست
گرم نما و فرود آه خانه تست
۲- دلت به وصل گل ای بلبل صبا خوش باد
که در چمن همه گلپانگ عاشقانه تست
۳- خلوت گزیده رابه تماشاچه حاجت است

چون گوی دوست هست به صحراچه حاجت است
۴- ارباب حاجتیم و زبان سوال نیست
در حضرت کریم نماچه حاجت است
۵- تا سر زلف تو در دست نسیم افتاد است

دل سودا زده از غصه دو نیم افتاد است
۶- دل من در عوس روی تو ای مونس جان
خاک راهبست که در دست نسیم افتاد است
۷- هنگام وداع تو زبیس گریه که کردم
دور از رخ تو چشم مرا نور نماند است

مقاومت در مقابل

سپاه اسکندر و چنگیز

مقاومت در مقابل هجوم بیگانگان یکی از ممیزات عنعنوی و تاریخی این سرزمین است شواهد تاریخی خود گواهی برین است که هر قدریکه هجوم و حمله دشمنان شدید بوده مقاومت و قدرت رزمندگی مردمان این مرزوبوم نیز به همان پیمانانه شدید تربوه است. روح مقابله و مقاومت در مقابل تعرض و تجاوز در میان همه باشندگان این کشور بدون امتیاز زمان و مکان یکسان بوده و این روحیه از ازمته های افسانوی تاروزکاران معاصر همه جا مشهور بوده است.

شرح مختصر مقاومت اهالی سسی حوزه هری رود و شهر تاریخی هرات در مقابل اسکندر مقدونی و چنگیز و وابستگان او در فاصله ۱۵۰۰ سال قبل مثال است از امثال مختلف و متنوع تاریخی که شاخص میره برای همه باشندگان این سرزمین باستانی شده می تواند.

حینیکه سپاه اسکندر مقدونی در سال (۳۳۰) به حوزه شاداب هری رود رسید، مردم هری رود به قیادت رئیس خود «برزان» به قصد دفاع علیه تجاوز کنندگان بردا ختنند شهر (آبادانی) که درین وقت مرکز حوزه هری رود بود و در منابع یونان

بنام اور تاگانایاد شده دارای حصار محکم که آنرا به صفت «آریا مترو» بود سخت استوار پولیس» یا مرکز ولایت (آریا) هم یاد کرده اند.

«برزان» با اینکه حصار مستحکم در هرات داشت مردم هری بدور او جمع شده طبق نقشه نظامی دربر خورد اول با سپاه یونانی حاضر به تسلیم شد.

اسکندر مشاور نظامی خود اناگز یو (س) را به حر است هرات گذاشته و خود بطرف جنوب به حرکت افتاد تازه اسکندر به قراه نزد یک شده بود که «برزان» همراه با اهالی حوزه هری رود قیام نموده و مشاور نظامی اسکندر را به قتل رسانیدند و وقتی اسکندر ازین فاجعه اطلاع حاصل کرد مجبور به مراجعت فوری بدان دیار گردید برزان و سا بر جنگ آوران چهار حصار «اورتا کانا» و چه در خارج به مقاومت بردا ختنند مگر سرانجام قلعه بدست طرفداران اسکندر محاصره شد و برزان از قلعه بر آمد در یکی از کوه های مجاور که

در آن وقت از جنگل انبوه پوشیده شده بود مسکن اختیار کرد و به مقاومت بردا خت و این وضع اسکندر را سخت ناراحت ساخت اما این مرد سلحشور و طرفدارانش وقتی تسلیم شدند که یونانیان جنگل مذکور را آتش زدند و سوختا نند.

بعد از هجوم اسکندر مقارن سال ۶۱۸ هجری مطابق (۱۲۲۱ م) امواج طوفان دهشت خیز چنگیزی به حوزه هری رود نزدیک شد درین نبرد تولی یکی از پسران خان تاتار به امر پدر ماموریت داشت که بعد از فتح نیشا پور عازم هرات شود، درین فرصت ملک شمس الدین محمد جوزجانی از طرف خوارزم شاه سلطان جلال الدین منکبرتی بر هرات حکومت میکرد و به اساس (نوشته های تاریخ نامه هرات و روضة الصفا) در حدود ۹۰ و ۱۰۰ هزار مرد جنگی برای دفاع شهبرو مقابله با چنگیز.

بعد از جنگ و مبارزات دامنه دار چنگیز و پسران او در خود تساب مقاومت ندیده و بعد از داین خسارات و تلفات زیاد همینکه باطغیان و سرکشی اهالی هرات روپرو شد نسد

سپاه عظیم که مرکب از هشتاد هزار نفر مرد جنگی بود به سرکردگی ایلچکدای نویان پسر دوم چنگیز که قصد گرفتن هرات را نموده بودند بعد از شکست قاطع هرات را گذاشته و رفتند و اما باید متذکر شد که همانطوریکه مقاومت هراتیان در مقابل اسکندر شدید و قاطعانه بود در مقابل ایلچکدای نویان به مراتب از ایستادگی اول آنها شدید تر و پایدار تر بود محاصره شهر هرات ۹ ماه طول کشید و در طول مدتی که هرات در محاصره بود جنگجویان ناتوانستند کشتند و سوختند و به یغما بردند این ضرر با ت شدیدی حکم هلاکت قطعی را برای این سرزمین تاریخی داشت.

اما مؤرخین می نویسند که بعد از فتوحات اسکندر شهر هری مجددا آباد و معمور شد و بعد از مرگ چنگیز در دوره سلطنت سوسو مین پسر او «اوگتای قآن» شهر هرات بعد از سال ۶۴۰ هجری دوباره روبه آبادی و بهبودی گذاشت.

و اما در فرستیکه اسکندر به فکر گرفتن خاکهای افغانستان شد درین وقت افغانستان جز امپراتوری صخا منشیها بود و حکمرانان ایالات بزرگ بلخ و سیستان و خراسان عندالضرورت ب فکر مقابله با اسکندر افتادند و در صدد حمله علیه یونانیان بر آمدند.



شمس الدین مسرور هنر مند محبوب رادیو افغانستان

فریاد های مرگ

من داخل صحبت شده گفتم: پنجره های مطبخ بطرف عقب باز می شود. از پنجهست آوازی از هر قبیل که در اتاق کاربلند شود در مطبخ شنیده نمیشود. بعلاوه در آن لحظه در منزل تنها خدمتکار ماحضور داشت.

مالجت گفت: خوب ولی باوجود آن ایسن موضوع عجیب است زیرا از اینکه آن زن سالخورده میس مارپل نیز صدا نشنیده، باید متعجب بود. در حالیکه درهای شیشه بی اتاق کارتان باز بوده است.

بایدوک، اظهار داشت: شاید هم شنیده باشد.

من گفتم: تصور نمیکنم شنیده باشد. میس مارپل چند دقیقه قبل به منزل ما آمده بود و اگر چیزی می شنید، حتما حرف آنرا میزد.

شاید هم آواز سلاح را شنید اما اهمیت به آن نداده است. و ممکنست آنرا صدای اگزازیک اتوموبیل تلقی کرده باشد.

بنظر من اینطور آمده که بایدوک امروز صبح

خیلی سر حال است و در گفتار و حرکاتش حالتی دیده میشد که گویا سعی دارد ایسن سر حال بودن خود را پنهان بدارد. دوکتور گفت: شاید تپانچه مجرب به صدا خفه کن، بودی باشد. این خیلی ممکن است و لاجرم کسی نتوانسته صدایی بشنود.

مالجت با تردید سر تکانه داد: گفت: ایسن موضوع را از دیدینگ هم پرسیده است ولی جوان رسام حتی نفهمیده مطلب او ازین سوال چیست. وقتی موضوع را به او توضیح داده اند، تاکید کرده که چنین وسیله ای را بکار نبرده است. در هر صورت باید حرف او را بساور کرد.

... که اینطور!.. بیچاره...

مالجت غرید: احمق! رسام واقعا يك احمق بیش نیست. راستش در مورد او این را که يك قاتل باشد، نمیتوانم باور کنم.

دوکتور بایدوک قهقهه خود را تمام کرده چوکی اش را عقب کشید و پرسید:

... خوب، و دلیل جنایت چه بود؟

... دیدینگ میگوید که در اثر گفتگوی شدید اعصاب خود را نتوانسته کنترل کند و باتپانچه بسوی پروتیرو فیر کرده است.

دوکتور بایدوک در حالیکه سر خود را به علامت باور نکردن تکان میداد، گفت:

... یعنی دیدینگ می خواهد ادعا کند که این کار را بطرح يك پلان قبلی انجام نداده است. در حالیکه اثبات این ادعا برای وی خیلی مشکل است. زیرا دیدینگ موقعی که پروتیرو مشغول نوشتن بوده از قفا وارد شده و روی مغزش آتش کرده است. این مساله هیچگونه ارتباطی نمیتواند با گفتگو پیدا کند.

من سخنان میس مارپل را بخاطر آوردم. واقعا دیدینگ فرصتی برای گفتگو نداشته است. در چند دقیقه معدودی که او در منزل من بوده فقط میتوانسته وارد اتاق شده پروتیرو را بکشد، ساعت را تغییر بدهد و بعد خارج شود. راستش وضع آشفته او در لحظه ای که در مدخل درب حیاط با من روبرو گردید، لحن گفتار و اطوارش فراموشم نمیشود.

خصوصا موقعیکه بمن گفت: پروتیرو را می خواهید ببینید؟ او را خواهید دید.

و من ازین لحن گفتار باید بی می بردم که دیدینگ پروتیرو را چند دقیقه قبل به قتل رسانده و از کار خود مطمئن است.

باقیدار



اطلاعات و کلتور

رئیس تحریر: محمد ابراهیم عباسی

مدیر مسؤل نجیب رحیق

معاون: پیغله راحله راسخ

مہتمم: علی محمد عثمان زاده

تلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵

تلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹

تلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹

تلفون ارتباطی معاون ۱۰

تلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰

مدیریت توزیع ۲۳۸۳۴

سوجبورڈ ۲۶۸۵۱

آدرس: انصاری وان

وجه اشتراك:

در داخل کشور ۵۰۰ افغانی

دولتی مطبعه



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**